آقا سید یعقوب - رفع آن را باید کرد.

یاسائی - بنده عرض میکنم که شما نفی قانون ممیزی ومالیات سابق را نکرده اید درست است اما عرض میکنم یك عدم عدالت و بی انصافی ازقدیم دراین مملکت معمول بوده است که یك طبقه مالیات میدادند ویك طبقه نمیدادند یا باید آن ترتیب سابق را بهم بزنید یا تاجرهم باید بدهد.

رئیس - آقای شیروانی.

(اجازه)

شیروانی - بنده دراصل موافقم ولی در مواد عرض دارم

رئیس - آقای اخگر.

(اجازه)

اخگر - قبل ازهمه چیز لازمست تذکراً عرض کنم که تشکیل مجلس برای اظهار عقیده است وهمیشه عقیده آزاد است ودر موقع ذکر عقیده باشخاص موافق یامخالف حمله کردن صحیح نیست.

بنده عقاید خودم را عرض میکنم هر کس مخالف است میآید اوهم عقاید خودش راآزادانه اظهارمیکند.

رئیس - (خطاب بآقای اخگر) عده برای مذاکره کافی نیست معذلك میل خودتان است.

اخگر - اگر عده کافی نیست باشد برای بعد ازتنفس.

رئیس - چون عده کافی نیست بقیه مذاکرات میماند برای بعد از تنفس.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل وپس از نیم ساعت مجدداً تشکیل شد)

رئیس - آقای اخگر.

(اجازه)

اخگر - اول باید فهمید که مالیات را برای چه اخذ میکنند.

البته درمقابل مخارج عمومی که به مملکت تعلق میگیرد باید عموم شرکت کنند وعموم این مخارج را بپردازند ولی حالا باید بفهمیم که مصرف لازمی درنظر گرفته شده که این مالیات پیشنهاد شده. از اول مشروطیت تا بحال همیشه در پشت همین تریبون وقتی که مالیات پیشنهاد میشد گفته میشد که این مالیاتها برای اصلاحاتست و میگفتند که ما صحیه نداریم. راه شوسه نداریم. خط آهن نداریم. باید مالیات بگیریم.

درزمان استبداد مالیات ایران هفت کروربود اززمن مشروطه تاکنون چهل کروراضافه شده است وهنوز آن اصلاحات بموقع عمل گذاشته نشده است.

میخواهم بینده نشان بدهند که درمقابل چهل کروراضافه که از مردم گرفته میشود (که حالا بوعده همان اصلاحات باید این مالیات را تصویب کرد) چه اصلاحاتی شده است.

مردم ما را فرستاده اند اینجا که بدردهای آنها رسیدگی بکنیم وبارهائی که فوق تحمل آنها بردوششان است برداریم. مابمردم چه خواهیم گفت؟ بگوئیم آن مالیاتها را داده اید این مالیات را هم بدهید؟ اگر بگویند برای چه بدهیم بچه مصرف میرسد چه جواب بدهیم؟

فردا یك یك اداره عریض و طویلی بنام وصول مالیات تصاعدی تأسیس میشود وپانزده هزار نفر مفتش وده هزار نفر بیشخدمت وچهارهزار نفر میز نشین درست خواهد شد بعد هم برای کسر مخارج هیچ اعتنا نباید مالیات دیگری وضع کنیم.

کازرونی - صحیح است.

اخگر - مردم وقتی باید مالیات بدهند که بدانند بچه مصرف میرسد وتا وقتی که مصرف حقیقی این مالیات معین نشود یکنفر نماینده نمیتواند رأی بدهد.

بعلاوه دراینجا گفته میشود که البته مالیات اززارع نباید گرفته شود. ازرنجبر نباید گرفته شود.

بنده هم عرض میکنم بسیارخوب نباید گرفته شود ولی عملا آنها رادارند میگیرند وبلکه یك چیزی هم اضافه میگیرند.

بلی اگر آن مالیاتها الغاء میشد و این ها بجایش گذاشته میشد یك حرفی بود.

ولی هم آنها گرفته میشود وهم این اینها اضافه میشود

البته نمیبایستی بمردم بقدری بار تحمیل کرد که زیربار آن بمانند.

این مالیاتهائی که قانوناً وضع شده و از مردم گرفته میشود یك بچه مالیاتهائی هم پیدا کرده است که قانون ابداً ازآنها خبر ندارد وگرفته میشود

و اتفاقاً همانطور که گفته میشود از فقرا وضعفا نباید گرفت ازهمان ضعفا گرفته می شود.

فردا اگر بناشد مالیات تصاعدی هم وضع شود بنده سرمایه دار نیستم ودیناری هم عایدات شخصی ندارم وبرای این نیست که از نقطه نظر شخصی خودم دفاع کنم خیر بنام وکالت دفاع میکنم

از اشخاصی که میدانند باطرز جریانی که دروزارت مالیه هست بطوریکه اعمال نظرهائی میشود و اجحافاتی نسبت بمردم می شود.

این مالیات وقتی که وضع شود تازه یك کسی اگر پول داشته باشد ازش گرفته نخواهد شد و اگر نداشته باشد گرفته خواهدشد.

مثلا در همین مجلس قانون تحدید تریاك وضع شد. چرا؟

گفته شد تریاك چیز کثیف و بدی است وموجب امراض وتنبلی است البته باید در دفع ورفعش کوشش کرد.

مردم هم همه تریاکی شده اند گفتند چه باید کرد گفته شد باید یك مالیاتی وضع کنیم که جلوگیری از کشیدن آن بشود بالنتیجه حالا ببینید چه خبراست

دیروز بنده از یك ده دور دست کرمانشاه کاغذی داشتم مینویسد

که مأمورین مالیه آمده اند در آنجا درصورتیکه در آنجا تریاك متقالی ده شاهی است.

مأمورین تحدید چندین لوله تریاك بآنها میدهند وازآنها متقالی دو قران مطالبه میکنند

درصورتیکه وضع این قانون برای این بود که بالنتیجه تریاك کش در این مملکت موقوف شود

حالا مأمورین مالیه برای حفظ منافع وعایدات خودشان مردم را مجبور میکنند که تریاکی شوند.

اساساً باید همیشه قضایارا با عمل تطبیق کرد.

علاوه براینکه بنده هیچ دلیلی نمی بینم که تا نفهمم این مالیاتی که گرفته می شود بچه مصرف میرسد

باین همه مالیات که دولت میگیرد همه وقت هم مقروض است نبایستی یك مالیات جدیدی وضع کرد

علاوه برآنها این مالیات را هم عملی نمیدانم چرا؟

اولا این مالیاتی که بر عایدات می خواهند ببندند بایستی فهمید سالیانه است یا ماهیانه یاروزانه

درقانون که چیزی راجع باینموضوع تصریح نشده است فقط دریك ماده تصریح شده آنهم راجع بتفتیش است.

درماده چهارم مینویسد:

وجوهیکه بطور سرمایه بخارجه فرستاده میشود اعم از اینکه از فروش املاك واموال ویاازعایدات حاصله آنها باشد مالیات مذکوره در ماده یك را همه ساله خواهد داشت

والا ذکری از سال وماه نشده است وفقط در اینجا ذکر شده است که می خواهند برعایدات اشخاص مالیاتی وضع نمایند.

اولا اگر بناست که مالیات برعایدات وضع شود چرا باید تا هزار تومان معاف باشد وچرا باید بترتیب تصاعد باشد وچرا نباید رعایت مساوات را بنمایند

این ترتیب مالیات تصاعد برخلاف مساوات است.

یك نفر از نمایندگان - مساوات است.

اخگر - بعد اجازه بگیرید صحبت کنید.

بعلاوه این عایداتی که دولت می خواهد درسال بگیرد بطوریکه در این لایحه نوشته شده است موافق اظهارنامه خواهد بود

در اینجا گفته شد که بقال هزار تومان عایدی پیدا نمیکند بنده عرض می کنم بما بقال و عطار و بنکدار هست که بیش از هزار تومان عایدی پیدا می کنند.

پس مردم زندگانی فامیلشان را از کجا عهده دار میشوند البته فایده میبرند ولی آقایان غافلند ازاینکه ازهمان آدمی که این عایدی را پیدا میکند هزار نوع مالیاتهای دیگر گرفته میشود

دراین لایحه نوشته شده است که از کلیه عایدات بایدمالیات گرفت

بنده مخالفم و تا وقتی که نفهمم این مالیاتی که از مردم گرفته می‌شود.

بچه مصرف میرسد حاضر نیستم باین که یك مالیات جدیدی وضع شود. دیگر اینکه در اینجا عایدات املاك را مستثناء کرده است یعنی این مالیات از عایدات املاك گرفته نمیشود وفقط ازعایدات تجارت گرفته میشود درصورتیکه ازتجارهم کمرك میگیرند هم مالیاتهای غیرمستقیم دیگر.

از او هم همه جور مالیات میگیرند پس نبایستی ازیك کسی که مالیات میدهد بشکل دیگرهم بگیرند واز دیگری آن شکل دیگری رامگیرند بعلاوه دراینجامستمریات هم مستثناء شده است.

بنده نمی‌فهمم بچه دلیل کسیکه درسال دوهزار تومان سه هزار تومان عایدی دارد وخرجی هم برای آن نمیکند وزحمتی هم نمیکشد چرا نباید مالیات بدهد، بعلاوه این قضیه یعنی گرفتن.

مالیات موکول بدادن اظهار نامه خواهد بود واگر آن اظهارنامه رامأمورین دولت قبول نکردند بایدتفتیش بکنند بنده میخواهم به‌بینم که چطور عایدات راتفتیش خواهند کرد.

یکنفر آدمی که یك سال کاسبی کرده ودر هرروز هزار قسم معامله کرده است چطور میتوانند عایدی اورا تفتیش کنند که چقدر است واز اومالیات بگیرند مگر اینکه یك نفر مفتش درب دکان بقال نشسته وقتی صد دینار است فروخت بگوید ۳ دینار نفع بردی باید فلان قدرش را بدولت بدهی.

یك نفر از نمایندگان - ببقال مربوط نیست.

اخگر - بقال نباشد تنوتون فروش باشد چه فرق میکند؟ دیگر اینکه دراین لایحه نوشته شده است

اگر نتیجه تفتیش باظهار مالیات دهنده مطابق نباشد رجوع بمحکمه اداری می‌شود.

تازه بخوب جائی رجوع می‌شود. محکمه اداری مال کجا است؟ البته مال وزارت مالیه است و از مأمور خودش طرفداری خواهد کرد و در یك محکمه

وقتی یکی مدعی ودیگری مدعی علیه شد باید یك محکمه باشد که از حالت طرفداری خارج باشد نه یك محکمه که خودش مدعی است و بعد مینویسد که بحکمیت مراجعه میشود معلوم نیست حکم کی است.

بالاخره درنتیجه حکمیت اگر دولت محکوم شد که هیچ و اگر مالیات دهنده محکوم شد باید صدی پنجاه هم جریمه بدهد.

باید درنظر داشت که اساساً تحمیل بارهای غیر قابل تحمل بردوش مردم اسباب خرابی مملکت خواهد شد یك مملکت مثل یك آدم نیست که بخواهد امسال زندگی کند وسال دیگر رندگی نکند در این مملکت همیشه باید اصول دولتی محفوظ باشد وباید برای حفظ حیثیات جامعه عایدات تحصیل نماید واگر بناشود آنقدر تحمیل کهنه لاشیئی محض شدند سال دیگر از کی مالیات میگیرند؟ این مملکت یك مملکت فقیری است که باید سرمایه در آن ریخت وکار کرد و از نتیجهٔ عمل عایداتی پیدا نمود.

ماهیچ کارش رادر دست نکرده ایم وهمیشه گفته ایم معارف نداریم، صحیه نداریم باید مالیات وضع کرد.

مالیات هم که وضع کردیم می‌بینیم که باز هم معارف و صحیه نداریم راههای شوسهٔ راکه سایرین ساخته اند بااین همه پاچها نتوانسته اند نگاهداری کنند کدام پیشنهاد شده است که مالیات وضع کنید برای کشیدن راه. آهن تامردم با رغبت مالیات بدهند.

فرض بفرمائید که مالیات بر عایدات وضع شد آیا وجوه آن بچه مصرف خواهد رسید والا تخمین زده اند که چقدر عایدی دارد.

آنقدر تحمیل کردن برمردم فائده ندارد ومردم را از پادر میآورند وآن وقت اگر وجوهی هم برای اصلاح لازمی بخواهند پیدا نخواهند کرد ووقتی که مردم فقیر باشند از کجایش مالیات میگیرند مالیات را بایستی از روی احتیاج گرفت بدواً باید فهمید که این پولرا برای چه کاری لازم دارند پس از آنکه معلوم شد از روی احتیاج است آن وقت باید مالیات وضع کرد وآن وقت تازه ملت آنرا تسلیم نمیکند مگر وقتی بفهمد پولهائی که دراین مدت گرفته شده است بچه مصرف رسیده است.

رئیس - پیشنهاداتی در این موضوع شده است قرائت میشود.

حاج عزالممالك - زود است پیشنهادها قرائت بشود.

رئیس - پیشنهاد ها قرائت میشود.

(سه فقره پیشنهاد بترتیب ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم لایحه مالیات تصاعدی بکمیسیون قوانین مالیه برگردد بعداز تجدید نظر ثانوی تقدیم مجلس شورایملی شود.

عمادالسلطنه.

پیشنهاد میکنم که قانون مالیات تصاعدی برعایدات بکمیسیون مسترد و بعضی اصلاحاتی که نمایندگان درنظر دارند در آنجا مطرح شده وقانون برعایدات باقانون ممیزی توأماً بمجلس تقدیم شود که نمایندگان بطور کلی مطلع ازجزو جمع مالیات مستقیم بشوند. یعقوب الموسوی.

چون لایحه مالیات تصاعدی خوب تنظیم نشده ونواقص دارد که باید برطرف شود.

لهذا پیشنهاد میکنم برگردد بکمیسیون وطوری تنظیم گردد که پارهٔ محضورات متصوره در آن برطرف گشته بمجلس بیاید. دولت آبادی.

رئیس - آقای عمادالسلطنه.

(اجازه)

عمادالسلطنه - بنده در اساس با این لایحه موافقم و در موقعش هم وقتی نوبت بنده رسید دلائلش راعرض خواهم کرد.

نظر باینکه درمواد آن اعتراضاتی هست که آن اعتراضات رابنده کاملا وارد میدانم و یکعده از آقایان نظر باعتراضاتی که بآن مواد دارند بنده اظهارمیفرمایند که در موقع رأی در کلیات رأی نمیدهند و این لایحه شاید از مجلس رد شود باین جهت بنده پیشنهاد کردم که لایحه بر گردد بکمیسیون و در کمیسیون هم نماینده همه فراکسیونها هستند و مذاکره خواهند کرد و نظریات خود را اظهار میدارند وثانیاً راپورت آن بمجلس میآید بعد رأی می‌گیرند معذلك هرطور صلاح میدانید عمل کنید.

مدرس - پس خوب است یکقدری بیشتر در آن مذاکره بشود.

داور مخبر کمیسیون قوانین - مالیه - بنده تصور میکنم که موضوع مالیات تصاعدی یك موضوع فوق العاده مهمی است و نبایستی او را بعجله قبول یا رد کرد.

بنابراین لازم است در مجلس هرقدر که ممکن است در کلیات مذاکره شده و تمام عقاید ذکر شود خوب که حاجی شد البته بکمیسیون هم ممکن است مراجعه نماید و مخالفین هم در کمیسیون حاضر شوند و درمواد آن نظر نمایند.

عمادالسلطنه - درصورتیکه بر می‌گردد بکمیسیون بنده مسترد میدارم

رئیس - آقا بی اجازه که نباید حرف زد. آقای سالارلشکر

(اجازه)

سالارلشکر - عرایض بنده هم تقریباً همان است که آقای عمادالسلطنه اظهار فرمودند و پیشنهادی که بنده و آقای آقا سید یعقوب تقدیم کردیم در همان زمینه است و منده هم باکیات این لایحه موافقم ولی باید درمواد آن یك ملاحظه بشود وچون لایحه مالیات ممیزی هم در کمیسیون مطرح است و بالاخره نمایندگان باید از کلیه جزء جمعی که نسبت بمالیاتهای مستقیم هست مطلع شوند و یك قسمت مالیات ارضی را زیادتر کنند و مالیات نقدی را کم نمایند و تمام معایبی که در اینجانسبت بمالیه ذکر شد برای این است وزارت مالیه یك جزو جمع مرتبی ندارد و میخواهد یك جزو جمعی که صد سال پیش تهیه شده است حالا اجرا نماید.

این تقصیر مالیه نیست برای اینکه اغلب آن جزء جمعها سوخته وکم شده است اداره تشخیص عایدات سوخته است و هر روز مزاحم مردم میشوند.

حالا اگر لایحه بکمیسیون بر گردد و در کمیسیون عقاید آقایان گفته شود دو مرتبه این لایحه را باقانون ممیزی توأماً به مجلس بیاورند بهتر است و هیچ اشکالی هم ندارد.

مخبر - تصور میکنم در این موضوع توضیح زیادی لازم نباشد و بالاخره این عقاید باید گفته شود و بهترین جاها همین مجلس است برای اینکه در کمیسیون ده نفر که بیشتر نیستند و همه آقایان هم نمی‌توانند در آنجا حاضر شوند.

پس خوب است آقایان اجازه بدهند که این لایحه درمجلس مطرح شود ودلائل را هم بگویند بعد که بکمیسیون مراجعه شد کمیسیون در آن نظر میکند ونظریات آقایان راملاحظه مینماید.

رئیس - رأی گرفته میشود بپیشنهاد آقای سالارلشکر آقایانی که موافقند قیام فرمایند.

(دوسه نفر قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای دولت آبادی.

(اجازه)

حاجی میرزا یحیی دولت آبادی - اساس پیشنهاد بنده برروی سوء تنظیم این لایحه است و گمان میکنم در اصل موضوع که مالیات تصاعدی باشد کسی نتواند حرفی بزند.

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - چرا نمیتواند حرف بزند.

دولت آبادی - وفقط آن چیزی که می بینم خاطر آقایان را مشوش دارد مسئله ترتیب اخر مالیات و تفتیشاتی است که از طرف مأمورین مالیه در ولایات میشود و درحقیقت بجای اینکه برای مردم اسباب رفاهیت و آسایش فراهم شود اسباب زحمت و مرارت فراهم شده بنده نمیخواهم مذاکراتی که آقایان مخالفین و موافقین کردند تکرار کنم.

ولی بخاطر می‌آورم مسئله تحدید تریاك را اشتباه کردم وترویج تریاك را که بواسطه آن چه گرفتاریها در مملکت فراهم شده است.

یك مالیاتی گرفته میشود برای اینکه تریاك تحدید شود برعکس ترویج شده است.

این نظریات را می بینم که غالب آقایان وقتی صحبت میکنند میفرمایند که این مالیات را چطور خواهند گرفت و بچه مصرف خواهند رساند.

همه بخاطر می آورند که یك وجوهی گرفته میشود و بمصرف خودش نمیرسد و بخاطر می آورند که در گرفتن آن وجوه هم یك نظریات و اغراضی اعمال شده ومیشود که ناگوار است.

آنها را بخاطر میآورند آنوقت در اصل مقصودم هم اغراض و تنبغر می‌نمایند.

بنده آنها را که فکر کردم همچو بخاطرم رسید که این لایحه بدتنظیم شده است و غالباً مفاسدی که درکارها است به واسطه بدی نظامنامه‌ها است.

قوانینی که از مجلس گذشته است شاید چندان عیبی نداشته باشد.

ولی نظامنامه‌ها را غلط تنظیم کرده اند و مجلس هم از آن نظامنامه ها خبر ندارد و بعلاوه مأمورین جاهل یا طماع هم در اجرای آن نظامنامه های غلط یك اعمال نظر های غلطی کرده اند که غلط در غلط شده است.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

بنابراین باید نظامنامه این قانون داخل در خودش باشد و منصفاً به مجلس بیاید و معلوم نمایند که بچه ترتیب این مالیات را میخواهند نگیرند درمملکتی که تجارش هنوز دفتر متحدالشکل ندارند در مملکتی که کسبه‌اش شاید دفتر هم نداشته باشند و وسائل تفتیش برای مفتش فراهم نیست در این مملکت یك لایحه خشك و خالی بی ترتیب و تنظیم وبی مقدمه و موخر یك مرتبه مثل بمب می‌آورند توی مجلس می اندازند صحیح نیست وردش هم بنظر من صحیح نیست.

در اینصورت اگر آقایان مساعدت بفرمایند که این لایحه بکمیسیون مراجعه شود و هر کس نظریاتی دارد در آنجا اظهار کند و تمام دلائل گفته شود و عقاید همه آقایان معلوم شود و بالاخره طریق اجرا و تفتیش او معین شود واین مخالفتها و تردیدات هم رفع شود و راپورت آن مجدداً بمجلس بیاید بهتر است.

رئیس - آقای حاج عزالممالك.

(اجازه)

حاج عزالممالك - متأسفانه چون در اصل موضوع نمیشود صحبت کرد آقایان

www.iran-archive.com

مخالفین بعنوان پیشنهاد یا عناوین دیگر با این لایحه مخالفت میکنند و اسمش هم این است که از دستور خارج شود.

راجع بجزء جمع مالیات و سوختن تشخیص عایدات و دلتنگی از وضع نظام‌نامه ها و مأمورین تمام این هائیکه اشاره شد این میشود که ما رأی باین لایحه نمیدهیم.

بنده نه از نقطه نظر تنقید از اظهارات آقایان نمایندگان بلکه از نقطه نظر فهمیدن عقاید نمایندگان مجلس شورای ملی برگشتن بکمیسیون را غلط میدانم رأی این که کمیسیون عبارت است از ۱۲ نفر.

فراکسیونهائی هم که در آنجا نماینده دارند بنده نمیدانم چه عقیده دارند و از روی چه زمینه آن لایحه را اصلاح کرده و بمجلس بیاورند.

آقایان لایحه دولت را ملاحظه فرموده اند که خیلی ساده بود و یکی دو ماده دیگر بیشتر نداشت.

کمیسیون نگاه کرد دید که گذشتن این لایحه بطور کلی با وضعیات فعلی متناسب نیست و بنظر خودش یک چیزهائی از قبیل اینکه اظهارنامه مدرک عایدات باشد یا اگر اختلافاتی پیش آمد در درجه آخر بحکمیت رجوع شود اضافه کرد و این تسهیلات را فراهم کرد و آن وقت لایحه را به مجلس آورد.

امروز روزی است که میخواهیم در کلیات آن مذاکرات کرده کنیم به بینیم بالاخره حاضر هستیم کسی که پول در جیبش هست یک حقی هم بدولت بدهد و بعد در جزئیاتش که چه طور بفهمیم پول توی جیب این آدم است و بچه شکل بیرون بیاورند صحبت میکنیم و در این موضوعات هر کس عقیده‌اش را میگوید و پیشنهادی میکند و آن پیشنهادات در شور اول به کمیسیون مراجعه میشود و کمیسیون هم روی آن زمینه لایحه را تنظیم نموده به مجلس میآورد.

والا اگر حالا لایحه برگردد به کمیسیون کمیسیون چه میتواند بکند و چه میداند که عقاید آقایان چه بوده است و بنده اساساً با این پیشنهادها مخالفم و بالاخره بعد از این مذاکرات طولانی هر کس باید عقیده خودرا اظهار نموده دلائل خود را بگوید و همچنین عقاید خود را نسبت به منافع هر طبقه که تصور میکنند اظهار نمایند و روی هم رفته اگر اکثریت مجلس شورای ملی حاضر است برای پذیرفتن این لایحه که هیچ والا بعد از مذاکرات طولانی رد میشود و آن وقت ما میرویم کار دیگری میکنیم.

رئیس ـ عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر ـ همان است که اظهار کردم.

رئیس ـ رأی گرفته شود به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای دولت آبادی آقایان موافقین قیام فرمایند.

عده قلیلی قیام نمودند

رئیس ـ تصویب نشد. آقای آقاسید یعقوب پیشنهاد کرده اند که از دستور خارج شود. توضیح بدهید.

آقا سید یعقوب ـ بنده با کمال آزادی نه مثل آقای عمادالسلطنه و سالار لشکر عرض میکنم که با وضع این مالیات مخالفم حالا عرائضم دارم یا ندارم.

سرمایه هم دارم یا ندارم بنده اصلا با این مالیه مخالفم که یک دینار پول از مردم بگیرد و میدانم که روح این نمایندگان هم برای نجات ملت از چنگال مأمورین مالیه حاضر است و روح اکثریت این نمایندگان و این مجلس هم با بنده موافق است.

بنده نخواستم این لایحه از مجلس رد شد بنده خواستم از دستور خارج شود.

والا وقتی که وارد در مذاکرات در کلیات شدیم می‌بینید که لایحه با چه اکثریت تام و سلام و صلوات از مجلس رد می‌شود.

بعضی از نمایندگان ـ (بطور همهمه) خیر. خیر اینطور نیست.

مخبر ـ بنده تصور میکنم که در این موضوع بقدر کفایت مذاکره شده است برای اینکه تمام این پیشنهادها معنایش این بود که از دستور خارج شود دلائل آقایان مخالفین هم ذکر شد.

آقای آقاسید یعقوب ـ میگویند که اصلا با این لایحه مخالفم یک عدهٔ دیگر میگویند که در موادش باید اصلاحاتی بشود نظریهٔ کمیسیون هم سابقا گفته شده است که در همین جا مذاکره شده و دلائل گفته شود.

بنده میخواهم بدانم آیا باید دلائل مخالفین در مجلس علنی گفته شود؟ اگر این ترتیب است که مسئله ایست والا دلائل را در مجلس علنی می گویند تا کمیسیون از عقاید آنها مطلع شود و بعد این لایحه به همان طور تنظیم می‌شود.

رئیس ـ رأی میگیریم بپیشنهاد آقای آقاسید یعقوب. آقایانیکه موافقند قیام نمایند.

(دوسه نفر برخاستند)

رئیس ـ تصویب نشد

مخبر ـ بنده همان طور که الان هم اظهار کردم معتقدم به اینکه در اطراف این مسئله و در موضوع این لایحه بقدری که ممکن است صحبت شود و تمام دلائل گفته شود تا افکار همه آقایان معلوم شود که از روی چه بیانی است و بالاخره معلوم شود که تصمیم اکثریت مجلس چیست؟ از این نقطه نظر است که بجزء مذاکراتی که آقایان مخالفین کرده اند یادداشت کردم تا جواب عرض کنم یک قسمت از دلائل که آقای آقا سید یعقوب اظهار کردند راجع باین بود که نامه خارج کامل در تحت نظر ما نباید باوضع هر مالیاتی مخالفم.

این یک عنوانی است که مادام که ندانیم مخارج چیست نباید مالیات وضع کنیم.

بنده میخواهم عرض کنم که این مسئله را درست ملتفت نشدم بعلت اینکه خیال میکنم که تمام مخارج در تحت نظر مجلس شورای ملی است و موافق قانون اساسی این حق بمجلس داده شده است و در عمل هم اینطور است یعنی بودجه خرج دولت باید از تصویب مجلس بگذرد.

بنابراین مخارج در تحت نظر ماهست حالا اگر مایک اشخاصی هستیم که وقتی پای خرج در میان میآید درست دقت نمی کنیم و ملاحظات امروز را آن روز نمیکنیم و یک خرج بیهوده را تصویب میکنیم در این صورت بر کسی ایرادی نیست جز بر ما برای این که وقتی که بودجه خرج اینجا آمد آقایان قلم بقلم ملاحظه میکنند و هر کدام را زائد دانستند پیشنهادی میکنند رد شود و اگر اکثریت تصویب کرد از بین میرود پس در این خصوص قانون اساسی این حق را بمجلس داده است و دولت هم عمل میکند یعنی بودجه اش را بمجلس میآورد و شما هم بایستی در آن نظر کنید اگر بودجه خرج را نیاورد آن وقت میتوانید بگوئید مادام که مخارج در تحت نظر ما نباید.

ما مالیات وضع نمیکنیم این یکی. دیگر اینکه اگر این اصل را قبول کنید بنده نمی‌فهمم چه تفاوتی است بین مالیاتهائی که الان از مردم میگیرند با این مالیات جدید چون اگر خرج در تحت نظر ما نیست و اگر فرضا ما آن قدرت واختیار را نداشته باشیم که بودجه خرج را نظر کنیم

در این صورت این مالیاتهائی را که میگیرند و صرف مخارج بیهوده میکنند چرا باید بگذارید آنها را هم بگیرند. پس باید اینطور بگویند مادام که مخارج را من یکنفر بنظر خودم دقت نکرده ام دولت حق گرفتن هیچگونه مالیات ندارد بجهت اینکه هیچ تفاوتی بین این مالیاتی که امروز وضع میکنید و مالیاتی که از ده سال پیش بوده است و از مردم میگیرند و بیهوده مصرف میکنند نیست.

منطقی که یکی از آقایان اظهار میکنند چون گاهی حرارت ما بقدری زیاد است که صبر نمیکنیم آن کسیکه صحبت میکند صحبتش تمام شود بعد عقیده خود را اظهار کردند که منطق غریبی است. بنده نمیفهمم قرابت این منطق کجا است.

خوب میگویند این پولهائی را که میگیرند تا ما خرجش را نبینیم نباید تصویب کنیم.

پس بنابراین نباید رأی بدهید باین مالیاتهائی که میگیرند.

چه تفاوت میکند که امسال از من برای یک رأی جدیدی یک مالیات جدیدی بگیرند یا اینکه همان مبلغی که پارسال برای آن رأی میگرفتند.

حالا هم بگیرند و بهمان مصرف برسانند؟.

بیست و سه میلیون مالیات گرفته میشود شما میگوئید باید بگیرند یا خیر؟ اگر باید بگیرند پس آن اصل که مادام مخارج در تحت نظر ما نیاید نباید مالیات جدید وضع کرد.

آن اصل را نمیخواهید رعایت کرده باشید برای اینکه در هر حال آن هم از کیسهٔ همین مردم درمیآید.

وزارت مالیه هم خوب باید مأمورین مالیه خوب باید همین ها هستند هر کاری که نسبت بآن مالیاتها میکنند نسبت باین مالیات هم همان کار را بکنند.

یک مالیاتی را نمیشود رد کرد بعنوان اینکه ما مصرفش را نمیدانیم.

اخگر ـ ضرر را هر جائیش را بگیری منفعت است.

داور ـ این هم یک مسئله ایست. میگوئیم این اندازه مالیات را که برخلاف ترتیب میگرفته اند ما رأی نمی دهیم و نمیخواهیم بیش از این رأی بدهیم. قسمت دیگر از اعتراضات راجع برفتار مأمورین فرمودند که مأمورین خاصه معلوم نیست چطور از آسمان میافتند و مردم را اذیت میکنند و ملک آنها را ضبط میکنند.

البته این مسئله خیلی بد ترتیبی است و رفتار مأمورین مالیه خیلی بد است و باید این اوضاع را یک طوری کرد که دولت بتواند باملاک مردم تعدی کند و البته باید تک مرجعی هم معین شود که در این قبیل موارد دولت مثل یک فرد عادی باشد یعنی با کردن دولت ادعائی بر کسی دارد بیاید در آن جا واقامه دعوی بکند تا حق خودش را بگیرد.

اما این اصل مربوط بعایدات و مالیات نیست.

آقای آقا سید یعقوب ـ شما گفتید نه من.

داور ـ اشخاصی هم هستند که پول دارند و حاضر نیستند پول بدهند.

خودشان و طرفدارانشان هم خیلی مقاومت میکنند. هیاهو میکنند جنجال میکنند و باسم ملت هم حرف میزنند و فقر و فاقه مردم را بچشمها میکشند.

با این حال اکثریت آن ملت و مجلسها چون لازم میدانند وضع این مالیات

را قبول میکنند و رأی میدهند.

صحبت از یک مالیاتهائی شد که آقای اخگر اسمی روی آنها گذاردند که خیلی قشنگ بود فرمودند بچه مالیات و استخوان بولی بنده هم تصدیق میکنم که این قبیل مالیاتها یک چیزهائی است که باید از بین برود.

اما بخاطر دارند که در مجلس چهارم در همین مجلس بارها راجع باین مالیاتها صحبت شد و هر دفعه که خواستند از بین بردارند چه چیزها گفتند که اینها جزء عایدات فعلی دولت است اگر رد بشود از عهدهٔ همین مخارجی که بشما تصویب کرده اند برنمی آئیم؟

پس باید مالیات جدیدی وضع کرد تا این قبیل مالیاتها را از بین بر داشت بناء علیهذا اگر ما واقعا دلمان میخواهد که این بچه مالیاتها و استخوان بولی و امثال اینها از بین برود باید یک مالیات بزرگ گردن گلفتی وضع کرد که آن مالیاتها از بین برود.

شما بایستی باین مالیات رأی بدهید بعد پیشنهاد دیگری بکنید برای الغاء آن مالیات ها و همینطور که یکی از آقایان نمایندگان در ضمن قانون معیزی را تذکر دادند.

(که الان در کمیسیون مطرح است)

آن جا تمام بچه مالیاتها حذف شده است و پیشنهاد شده است کسر شود ولی بالاخره یک چیزی را که کسر میکنند بایستی از جای دیگر بگیرند و آن مالیات سرانه را که میگویند از فلان بی سروپای بدبخت میگیرند باید از کسانی بگیرند که در سال بیش از هزار تومان عایدات دارند یعنی اگر کسی دو هزار تومان عایدات دارد میگویند ماهی هشت قران بدهد تا آن بیچارهٔ سروپا برهنه که زیر بار فقر و فاقه است مجبور نباشد آن مالیات را بدهد....

جمعی از نمایندگان ـ صحیح است.

داور ـ صحبت آقایان مخالفین یک قسمت زیادش راجع بود باینکه مالیه نسبت بمردم اجحاف میکنند و بالاخره با این اخلاق چطور ما میتوانیم بیائیم یک مالیات جدیدی وضع کنیم بنده تصدیق میکنم که این نکته یکی از مهمترین نکاتی است که باید فوق العاده به آن توجه کرد و خود بنده هم با کمال نگرانی که در عمل چه میشود اقدام میکنم و در کمیسیون هم سعی خواهم کرد و باید نشست و یک راهی و طریقی در نظر گرفت که مردم در زحمت نیفتند.

که بالاخره مأمورین مالیه این را یک بهانهٔ قرار بدهند و در زندگانی اشخاص مداخله نمایند چنانچه اصرار این بنده و رئیس کمیسیون قوانین مالیه هم برای مذاکرات برای همین است که این مسئله در مجلس یکمقدار زیادی درش صحبت بشود که هر قدر ممکن است مسئله روشن و حلاجی بشود و یک طریقی پیدا شود.

پس از اینکه نظرها گفته شود طریقی پیدا کنیم که بآن طریق بتوانیم جلوگیری از اجحافاتی بکنیم که ممکن است در آنیه بشود.

البته پس از اینکه مذاکرات کامل بشود تشریف میاورید در کمیسیون همه ما ها می‌نشینیم و این اشکالات را رفع میکنیم ما که دشمنی با مردم نداریم یک قسمت از صحبت‌هائی که گویا آقای آقا سید یعقوب و اخگر کردند راجع بمسئله ایست که در مادهٔ ۹ نوشته شده.

درصورتیکه بعد از حکمیت معلوم شود که یک کسی عایدی خودرا کمتر از آنچه که بوده صورت داده باید مبلغی جریمه بدهد اگر هم دولت بیخود از او گرفته معلوم نیست چه جریمه باید بدهد

این هم یکی از مسائلی است که باید خیلی درش صحبت کرد اگر معلوم شد که دولت باو اذیت کرده

البته باید طوری بشود که دولت هم اسباب زحمت مردم را فراهم نکند و مسئله عجالتاً در کلیات است و موضوع کلیات اینستکه اساساً موافق هستیم با یک مالیاتی بطور کلی یا خیر؟

اساساً موافق با این هستیم اشخاص سرمایه دار غیر از آنهائی که تا بحال مالیات میداده اند

دیگران هم مالیات بدهند یا خیر؟ کسی که مستخدم دولتست و بیش از سالی هزار تومان دارد کسی که طبیب است و بیش از سالی هزار تومان دارد کسی که دوافروش است و غیره اینها باید کمک بکنند بخزانه دولت یا خیر؟

البته اینها هم باید کمک بکنند و طوری نباشد که دیگران کار کنند و بدهند و ما عایدات پیدا کنیم و هیچ چیز ندهیم و راحت هم زندگی کنیم.

اساس اینست حالا این اصل را اگر قبول کردیم بسیار خوب بقول آقای حاج عزالممالک بعد بینیم ترتیبش چیست این پولی که در توی جیب اوست چه اندازه است که یک قدرش را از او بگیریم بطوریکه اسباب زحمت او نشود.

جیبش را کنمیخواهیم بکنیم میخواهیم مالیات بگیریم.

یکی از دلائلی که آقایان در ضمن مذاکرات آوردند (چون مقصود اینست اگر یک دلیلی یک وقتی گفته شد و بعد بنظر بنده یا دیگری نرسید نباید تکرار شود) اظهار نمودند که تاجر مالیات گمرک میدهد. خیر تاجر مالیات نمیدهد

مالیات را بنده وشما وکسی که پول میدهد جنس میخرد. اگر بدهد زیرا تاجر تمام مخارجی را که جنسش می میدارد حساب میکند منافع را حساب میکند آنوقت میفروشد. در بیانات آقای اخگر که بنده یادداشت کردم یکی مصرف و وصول را دلیل مخالفت قرار داده بودند و فرمودند که مخارج وصول این مالیات خیلی زیاد خواهد بود سابقاً هم در کمیسیون همین مذاکره بوده است که بالاخره طوری باید این مالیات وصول شود که مأمورین جدید نداشته باشد و مخارج زیاد بر دولت تحمیل نشود این طبیعی است که اصل مالیات باید بیش از آنچه خرج میشود دخل داشته باشد اگر مقدار کمی هم بعد از وضع خرج عایدی پیدا کند آن مالیات بدرد نمی خورد این هم یکی از قضایائی است که باید نشست در همین جا و اصلاح کرد. اگر آقای اخگر دلائلی دارند که از روی آنها بارقام و لو بطور تخمین معلوم می‌شود که یک کرور خرج دارد و دویست هزار تومان دخل البته باید رد کرد ولی بطور کلی گفتن این حرف بنده نمیدانم این عقیده را از کجا پیدا کرده اند.

مسئله دیگری که فرمودند این بود که مصرف این مالیات چیست عرض کردم که اگر میخواهید بگوئید که هر مالیاتی باید محل خرجش معلوم باشد این یک وقتی در مملکت ما معمول بود ولیکن گویا آن ترتیب بهم خورده.

مدرس ـ چرا بهم خورده؟

داور ـ و گمان میکنم آقایان هم نباید سعی بکنند که آن ترتیب را بمیان آورند که یک خرجی پیدا کنند و یک محلی از برای آن در نظر بگیرند آن فرقی که بنده عرض میکنم بین اصول کهنه و جدید است همینست

فکر جدید اینست که شما باید عایداتی پیدا کنید بعد تمام مخارج از آن عایدات اداره بشود

مشارعظم ـ این فکر جدید نیست

داور ـ بسیار خوب فکر قدیم یا جدید آن یک مبانی علمی دارد که نمی شود همین طور گفت

مشارعظم ـ مبانی علمی دارد؟

داور ـ البته آقایانی که مبانی علمی دارند میدانند و دیگر اینکه اظهار کردند که این مالیات سالیانه است یا ماهیانه معلوم نیست همان طور که بعضی از آقایان بناطق محترم تذکر دادند این مالیات سالیانه است. در ماده ده خوب معلومست مینویسد و این قانون از اول حمل هزار و سیصد و چهار بموقع اجرا گذاشته می‌شود با مالیاتی در سنه مذکوره و سنوات بعد وصول میشود مطابق مأخذ عایدات سال قبل هر سنه خواهد بود. حالا اگر [illegible] را هم کاملا تصریح نمیداشتند [illegible] از نمایندگان [illegible] تصریح شده است.

داور ـ آقای اخگر که در اصل مخالف بودند که چرا باید مردم را اذیت کرد و میگفتند چرا باید رفت و کسانی که عایدی دارند گفت فلان مبلغ بدهید آن وقت میگویند چرا هزار تومان را معاف کرده اند این یکی از آن نظریاتی است که ممکنست خیلی طرف دار داشته باشد که حداقل را پائین تر بیاورند کمیسیون این طور بنظرش رسیده بوده است محض اینکه این مملکت آن طوریکه باید وسائل اجرای قانون را ندارند باید اشخاصیکه عایدات کمتری دارند و آن عایدات از برای یک مخارج ضروریست آنها را نباید اذیت کرد و از این جهت آنها را باید معاف کرد چنانچه مالی که مخالف هستید میگوئید که باید آنها را هم در زحمت انداخت و از هزار تومان کمترهم باید مالیات بگیرند؟!

ممکن است این نظر را در موقعش پیش نهاد کنید که چرا رعایت مساوات نشده بنده در جلسه قبل توضیحاتی دادم و تصور میکردم که آقای اخگر توجه کردند و تصدیق کرده باشند که دو قسم مالیات است، مالیات تناسبی و مالیات تصاعدی است که بنده برای آقایان بیان کردم که مقدار هر مال و ارزش آن به اندازه مقدار اوست.

هر چه زیاد تر باشد کمتر طرف احتیاج است وقتی که یکی صد تومان دارد و صد تومان برای رفع حوائج اوست برای نان و پنیر است.

می‌خواهید طور دیگر عرض کنم که مطلب درست روشن شود اگر یک ظرف کوچکی از آب در بیابانی برای یک تشنه پیدا شود قیمت حیات اوست ظرف دوم که دیگر برای رفع عطش نیست و قیمتی ندارد برای دست و رو شستن است و همین طور ظرف سوم و چهارم و ظرف صدم شاید برایش هیچ ارزش نداشته باشد و این یک مسئله ایست که اگر آقایان دقت کنند میدانند.

حالا میشود گفت که این هم یک حرف غلطی است که علماء علم اقتصاد در سایر جاها گفته اند، اما اینطور فهمیده اند که میزان ارزش هر جنسی بسته است به مقدار آن بنابراین میزان این جنس هم که اسمش پول است همین طور است صد تومان اول برای مخارج فوق العاده ضروری است صد تومان دوم همین طور [illegible] هزارم در نزد شخص دیگر اهمیتی ندارد [illegible]

[illegible]

[illegible] از فلان چیز نجسی صرف نظر کن بنابراین

تساوی درگذشت وحدعدالت آن‌اینست که‌بیایند مالیات‌را بطورتصاعدی‌وضع کنند که‌رعایت حال‌مردم شده باشد اینست که مسئله مالیات‌را بطورتصاعدقراردادیم نه بصورت‌تناسب• تناسب درهمه بیك شکل بالا میرود ولی تصاعد این‌اصول‌را رعایت کرده است واین مسائلی راکه بنده‌عرض کردم شاید بازآقایان تردید داشته‌باشند

محمدهاشم میرزاالبته•

داورـاین یك مسئله علمی است و البته باید درش صحبت بشود ، دیگری دربزاز وبقال بود که‌فرمودند این هاهم ممکنست بیش ازهزار تومان‌عایدات‌داشته باشند وبعد اسباب زحمتشان فراهم میشود یك وقت‌صحبت میشود که‌تجارچیزی‌ندارند نباید ازآنهاچیزی گرفته شود یك مرتبه میگویند که‌بقال‌هاشایددرسال بیش‌ازهزار تومان عایدی‌دارند

هروقت که بیش‌ازهزارتومان‌درسال عایدی‌پیدا کردند ماهی هشت قران باید ازآنها گرفت •فرمودند چرا مستمریات مستثنی است بسیارخوب این هم یکی از مسائلی که ممکنست‌درش‌صحبت کردواگر واقعاً نباید مستثنی کرد درموقعش‌ممکنست مذاکره فرمایند و ازآنهاهم بگیرند و بالاخره دلایل آخری که‌ذکرشد این بود که‌اگربنابشود این مالیات را بگیرند مردم لاشئی‌محض میشوند وبنده نمیدانم مردم چطور مردم لاشئی‌محض می‌شوند اگرکسی عایدات ندارد از اوتقاضای مالیات نمیشود

میگویندازعوائد اشخاص ومؤسسات صنعتی و تجارتی مالیات گرفته می شود حالا از آدمی که نداشت چیزی گرفته نمیشود•••

اخگرـ میگیرند

داور ـ ازآدم نداو ممکن نیست چیزی‌بگیرند و اگر بنظر مجازی بگیریم یعنی خیلی کم دارند و از آنها هم میگیرند•

خوب شما باید یك‌ترتیبی بدهید که ظلم نشود •

مااین‌اصول راقبول میکنیم که کسانی که دارای سرمایه وتمول هستند باید از پول‌آنها ودارائی آنهابانداز‌ه‌ای که‌استطاعت دارند یك چیزی گرفت و مملکت راآباد کرد

وقتی که‌شمامیخواهیدکاربکنیدمعارف راآباد کنید قوه‌قضائیه . صحیه که‌دیگران هم‌تذکردادندداشته‌باشیدتمام‌این‌هارا ازکجا میخواهید اداره کنید یاباید از راه مالیات باشدیاازراه‌قرض یاعایدات‌خوددولت‌بعنوان مالکیت باشد

عایدات خود دولت که بعنوان مالك باشد خالصه است . و آن هم چیزی نیست•

زیربارقرض هم که نمیشود رفت‌پس یك‌راهی‌باید فکر کرد آن راه هم همین مالیاتست

ازآقایان میپرسم که کدام مالیاتست که بیشتراز مالیات‌بر عایدات مناسبت‌دارد وبطور تصاعد باشد ؟ آنهم بیك میزان کم•

بازهم بنده تکرار میکنم‌ازکسی که درهرسال دوهزارتومان عایدی دارد درماه هشت قران گرفته میشود

رئیس ـ آقای‌شریعت زاده‌پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود

جمعی از نمایندگان ـ صحیح است•

مدرس ـ اجازه ها محفوظ است

رئیس ـ بلی اجازه هامحفوظاست جلسه آتیه روز سه شنبه سه ساعت و نیم قبل‌ازظهر••

مدرس ـ سه قبل‌ازظهر

رئیس ـ سابق رأی گرفتیم‌تصویب نشد پس سه ونیم‌ظهراست دستورلایحه مالیات تصاعدی‌بر عایدات وانتخاب کسری کمیسیونهاکه امروزنشدانجام‌بگیرد

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی

مؤتمن‌الملك

منشی ـ علی‌اقبال‌الملك

منشی ـ معظم السلطان

جلسه ۸۰
صورت مشروح مجلس
یوم سه‌شنبه نوزدهم
برج‌عقرب مطابق
سیزدهم‌ربیع‌الثانی ۱۳۴۳

(مجلس دوساعت ویك ربع قبل ازظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید)

(صورت مجلس یوم یکشنبه هفدهم عقرب را آقای اقبال‌الملك‌قرائت نمودند)

رئیس ـ آقای طهرانی

(اجازه)

آقاشیخ‌محمدعلی‌طهرانی ـ بنده بعد از تصویب صورت‌مجلس عرضی دارم•

رئیس ـ آقای حاج میرزاعبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب ـ بنده هم بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم•

رئیس ـ آقای دست غیب (اجازه)

دست‌غیب ـ بنده اجازه گرفته‌بودم اینطورشنیدم که‌بنده‌راغائب‌بی‌اجازه‌نوشته اند درصورتی که اجازه گرفته بودم نمی دانم اجازه نامه‌من بکمیسیون عرایض‌نرفته یاکمیسیون اجازه نداده‌است

رئیس ـ آقای رئیس کمیسیون عرایض • آقای‌حاج ملك‌التجار

ملك‌التجار ـ هنوز بکمیسیون نرسیده‌است•

رئیس ـ تحقیق میشود بعداصلاح می‌شود•

دیگراپرادی نیست

(اظهاری‌نشد)

رئیس ـ آقای‌طهرانی

(اجازه)

آقاشیخ محمدعلی‌طهرانی ـ بنده باکمال اختصار تقریباً یك عرایضی خواهم‌کرد وبعداظهارات خودم راعرض خواهم کرد•

البته آقایانی که دراین دوره هستند مصادف بادوره استبدادهم‌بودند• چندان طولی از دوره استبداد تاکنون نکشیده تقریباً ۱۸ سال قبل‌بوده‌است•

البته آقایان از وضعیت سابقه دولت اطلاع واستحضارداشته اند ومیدانسته اند وضع نظام آن دوره بچه کیفیت بوده • همه ماها کهاینجا نشسته‌ایم‌وخیلی ازماهاهم اهل‌طهران‌هستیم•

بااینکه طهران مرکزدارالخلافه‌بود می‌دیدیم که سربازهای ما وقوای‌نظامی‌ما یك عملیات‌خاصی ویك کسب‌های‌مخصوصی داشتند از قبیل هیزم شکنی • قصابی • صرافی••

نجات ـ بقچه کشی

طهرانی ـ وامثال‌ذلك• غالباً هم سرکوچه ها ازبرای خودشان‌بساط‌خاصی پهن میکردند ومشغول بودند• گاه‌گاهی که اعلان میشد حاضرشوند وحادثهٔ اتفاق می افتاد دریکی ازنقاط ایران دریکی‌از قطعات اعلان می کردند حاضرشویدبرای حرکت

قطع نظرازاینکه درموقعی که‌نمایش میدادند ده‌نفررا بجای صد نفرنمایش می دادند شروع می‌شد بمال‌بگیری• یك‌ماه برای حرکت کردن هزارنفراین شهر و شایدشهرهای‌بزرك ایران تجارتش مختل می‌شد•

درطهران‌ماخودمان‌مکرردیدیم وقتی که برای حرکت یکدستهٔ ازاین سربازها اعلان می‌شد یك ماه برنج از مازندران نمیآمد وهمچنین مال‌التجارد های دیگر و بالاخره بایك وضعیت نظامی اسفناکی صورت نظامی های ایران درمنصه بروزو ظهور برای داخلی وخارجی‌بود ودرپرتو بی ترتیبی نظام مرو(که آنروز آقای مدرس اشعار فرمودند) ازدست رفت •

آن‌نظام بی‌انتظام درمقابل‌ترکمان نکندنتوانستند عرض‌اندام نمایند وبالاخره از روی‌اجبار وضرورت شد آنچه‌شدمرو ازدست‌ایران‌رفت•

بعد از مدتی رژیم ما از صورت استبداد بصورت مشروطیت تبدیل شد• دردوره مشروطیت هم فقط افراد نظامی که تعداد میشد ودرتحت‌دیسیپلین بودندو منظم‌بنظرمی‌آمد

ازسه‌الی چهارهزار نفر قزاق‌بود که درمعنی وحقیقت‌سپاه ایران نبودند ومعناً مأموریت ازبرای دولت نزاری داشتند و بهمین مناسبت توپ‌بهمین‌مجلس‌شورایملی بدست‌آنها زده شد

بالاخره‌احساسات وطن‌پرستانه‌ایران خاصه آذربایجان‌قد مردانگی علم کردوه تجهیزات ملی نمودند ویك سال‌نقاومت با سپاه خونخواراستبدادنمودند وبالاخره‌حق مشروع خودشانرا گرفتند

لیکن آنموقعی که‌تهران رافیضه کردند ورسماً استبدادرقبرمدفون‌شدومشروطیت عرض‌اندام کرد سپاه‌ایران عبارت‌بود فقط ازیك‌عده مجاهد ویك‌عده‌بختیاری مابقی سربازها که اسم آنها دردفترنظام‌ثبت بود تماماً متفرق‌شدند

حالا دروزمینه مجاهدین بنده‌صحبتی نمیکنم

همین مجلس شورای ملی بواسطه عدم انتظام عملیات مجاهدین امر وفرمان داد که اسلحه دردست هرکس هست واز دولت‌اجازه ندارد‌باید گرفته‌شودومجاهدین خلع سلاح‌شدند

کم کم خواستند نظام رامنظم کنند گارد تشکیل دادند عملیات آن گارد را هم دیدیم در مازندران چه نتیجه گرفته شد وبالاخره آنهم منهدم‌شد•

کم کم یکقدری امنیت در مرکز حاصل‌شد•

افکار مجلس مقدس‌شورای‌ملی‌ایران واولیاء دولت متوجه براین‌شد که مامحتاج بیك قوه تأمینیه هستیم‌و باهزاران زحمت اداره‌ژاندارمری‌تأسیس‌شد

بالاخره درسیاست متفقین ومتحدین واجبارعده‌ای‌از آزادیخواهان‌ووطن‌پرستان وحرکت ژاندارمری مهاجرت وتمام‌شدن آن مقدمات تقریباً میتوان گفت این یك عده نظامی‌هم‌هباء منثوراشدند

بالاخره افکار ملت براین‌شد که‌اصلا وزارت جنك لازم نداریم زیرا وزارت جنك عبارتست از یك عده صاحبمنصبان بی سپاه و ما این وزارت جنك را لازم نداریم •

بجهت‌خاطراینکه‌هرقدرزحمت کشیده فکر کردیم برای تهیه کردن‌یك‌عده‌نظامی برای تأمین مملکت موفق‌نشدیم

حتی بنده خاطردارم آقای‌تقی زاده هم حاضرهستند دردوره‌اول‌مجلس‌این‌فکر دردماغ وکلا جولان‌داشت که‌مابایدپنج مرکزداشته‌باشیم‌وهرمرکزی برای‌امنیت پنجهزار نظامی باشد و ده‌هزارنفرهم در طهران باشند که‌ماسی هزار قشون مرتب داشته باشیم

منتهی‌دردوره اول که دوره‌انقلاب و دوره‌سرعت تکامل بود و موفقیت حاصل نشد وچون نشد انحلال نظام ادامه پیدا کرد

بالاخره افکار عامه متوجه باین‌شد که چون نظام دراین مملکت ممکن نیست اصلاوزارت جنك نباشد

تاسه سال یاسه سال‌ونیم قبل که کودتای طهران‌شد بدست یك نفرصاحبمنصب مسمی برضاخان ملقب بسردارسپه که امروز مقام ریاست وزرائی را اشغال کرده اختلافاتی بین دسته قزاق ودسته‌ژاندارمری (که باقی بودند ومجموعاً شش هفت هزارنفر بیشتر نبودند)

بود وآن اختلافات بین‌این دودسته زیادبود که هردوبانظرضدیت ودشمنی‌بهم نگاه‌میکردند وهرگاه یك‌نفر ازافرادابن دسته برآن دسته حمله میکرد تمام افراد این دسته بحمایت‌آن یکنفر قیام‌میکردند وعلی‌العکس

سردارسپه‌کاری که کرد اختلافات‌بین آن‌دودسته سیاهی نظامی رابرداشت‌و کم کم‌شروع کرد بتشکیلات•

درآن موقع البته همه‌آقایان‌میدانند مخصوصاًچون‌بنده‌اطلاعات‌کامل‌ازآذربایجان ارم وو کلای‌آذربایجان‌هم حاضرند ومی دانند تاوقتیکه‌سپاه منظم امروزه ایران بآذربایجان نرفته‌بود هیچ فردی‌از افراد کارگر ورعیت وتاجر وکاسب آذربایجان مخصوصاً رعایا شب ازدست قطاع‌الطریق واشخاصیکه واردخانه‌آنها میشدند خواب نداشتند

مردزارع برزگرمجبوربودبچه‌خود رابخوابانند وتفنك برکرده بالای سرش بگذارد وتاصبح بیدار بماند تاصبح که‌آنها بیدار میشوند خودش بخوابد• این وضعیت آذربایجان‌بود•

امروز بواسطه این نظام سر تاسر آذربایجان اگریك کسی یك مجموعه رابر ازطلاسربگیرد وازاین سرآذربایجان‌بآن سربرود یك‌نفرقدرت ندارد که نسبت بآن متاع دست‌درازی کند

اول‌قوه‌تأمینیه بسمت شمال رفت این قوه تأمینیه آن صفحه را بأمین نمود بعد شروع کرد بحرکت کردن بسمت جنوب بحدود کرمان و فارس و بعد بحدود عربستان ••••

بعضی ازنمایندگان ـ (بطور همهمه)خوزستان نه‌عربستان

آقاشیخ‌محمدعلیـ تعبیرمیکنیم بخوزستان

شیروانی ـ خیر خوزستان است ، عربستان شبه‌جزیره است

آقا شیخ محمد علی ـ بسمت خوزستان که‌یکی‌ازایالات مهمه‌ایران‌وعضو قوی ایران‌است وآنچه شنیده‌ام حتی در زمان‌ناصرالدین‌شاه هم قوه نظامی‌آنطور که باید وشاید درخوزستان نرفته بود••

بعضی ازنمایندگان ـ (باهمهمه رفته‌بود

آقاشیخ‌محمدعلی ـ بالجمله‌شیخ خزعل رئیس یك‌ایل پس ازاینکه اوضاع سپاه‌ایران تغییر کرد و ازآن صورت بی نظامی بصورت انتظامی در آمده و دید حکومت حکومت مرکزی شده است• حکومت حکومت حکومت ثابت است• حکومت حکومت‌قدرت‌است

بعضی از نمایندگان ـ صحیح است•

آقاشیخ‌محمدعلی ـ درصددبر آمد که اساس قدرت و قوت مرکزی را منهدم کند

درصدبر آمد باسرمایه فوق‌العاده که ازاین آب‌وخاك‌پیدا کرده یك‌ائتلافی بین ایلات تولید کند و یك قیامی برضد حکومت مرکزی‌بکند وبااین‌نظر بابعضی ازایلات شروع بمذاکره کرد ازقراری که بنده شنیدم‌با رئیس‌یکی ازایلات‌بزرك که ایل قشقائی‌است‌داخل مذاکره شد و اینجا هم تشریف دارند اگراینطورنیست تکذیب کنند•

با آقای سردار عشایر ملقب به صولت‌الدوله

یکنفر ازنمایندگان ـ سردار عشایر

آقاشیخ‌محمدعلی ـلقب‌سابقشان راعرض کردم بارئیس‌ایل قشقائی مشغول مذاکره شدندوازقراری که‌شنیدم گفته‌بود تفنك ازمن پول‌ازمن اثاثیه‌ازمن فقط تو مدیر کارباش

امروزلازم‌است‌ما برضدقوای‌مرکزی ایران قیام‌کنیم

البته‌یك کسی که علاقمند بایران‌است علاقمند بمرکزحکومت‌است کسی که علاقه داردقدرت ایران زیادتر شود وبواسطه خاطرقدرت ایرانی هاارتقاءپیدا کندقبول نمی کند

ایشان‌هم‌مخالفت کردند• ازآنروزی که این‌اقدام شد شیخ‌خزعل شروع کرد بمخالفت کردن‌و کم کم تجاوز کرد ورسماً بمجلس‌شورای‌ملی بنام سردارسپه تلگراف کرد که من برضدشخص‌سردارسپه‌هستم وازاین‌جهت قیام میکنم‌یك‌همچوتلگرافی کرد

کلمه باطل یراد بهاالباطل • یك تعبیری دراین‌کیفیت کرد

درحالتی که اگراو خیال یاغیگری نداشت • اگر براین‌دولت‌اعتراضاتی‌داشت باید مستقیماً ازمجلس‌شورای ملی بخواهد بدون این که عرض اندام‌بکند• بدون این که برضد حکومت مرکزی قیام کند• مجلس دراین‌باب یك‌جلسه خصوصی کردو درآنجامذاکراتی‌شد•

دولت محض اینکه خونریزی واقع نشود برای‌اینکه ملت‌ایران شمشیر بروی هم نکشند وبرضد یکدیگر کار نکنند و قوای‌خودمان‌صرف خودمان نشود ازاین جهت دوماه باشیخ داخل مذاکره شد و شیخ متقاعد نشد ورسماً امروزواردشده‌است دریك‌عملیاتی‌که ملت‌ایران‌ازآن‌عملیات متنفراست

جمعی ازنمایندگان ـ صحیح است•

ومادرمجلس شورای ملی‌اطلاع‌داشتیم لکن گمان‌میکردیم‌بلکه‌یقین‌داشتیم که‌شیخ ازاین‌خودسری‌منصرف‌میشودباین‌جهت‌وارد درمذاکره نشدیم•

امروزمعلوم شد که شیخ در حالتی که منفرد است‌ودرحالتی که ایلات‌دستشان تا بپایه بیهمان حتی بختیاری‌ها هم‌امروز تماماً با دولت وملت ایران موافقت دارند منتها خزعل بواسطهٔ‌خاطر ثروت فوق‌العادهٔ که از دسترنج این ملت تهیه کرده برضد حکومت مرکزی قیام کرده•

من بنام ملت ازطرف شخص خودم بواسطه خاطراینکه نماینده هستم و اگر آقایان هم با من همراهی‌دارند البته بامن هم‌آوازخواهند شد بنام ملت ایران وبنام استقلال‌مرکزی ایران‌وبنام‌حکومت‌مقتدرهٔ ایران وبنام ایرانیت ازشیخ اظهار تنفر میکنم وشیخ را مستحق مجازات میدانم• این بود عرایض‌من•

مدرس‌ـخوب بودبنام‌موکلین‌خودتان میفرمودید•

رئیس‌ـآقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب بنده دوعرض داشتم•

یکی‌راجع‌بمتحصنین مجلس که‌فکری برای آنها بشود که دراین زمستان اینجا نمانند بروند سرزندگی‌خودشان•

یك عرض بنده هم راجع بعرایض همدانی‌هااست که قریب شش ماهست در تلگرافخانه‌متحصن هستند ووقتی بعرایض آنها گذاشته‌نمیشود•

حالا بنده نمیدانم حرف آنها صحیح یا خیر•

مقصودم اینست که چرا وقتی بحرف آنها گذاشته نمیشود ومطابق اصل ۹۴ متمم قانون اساسی‌تحصیلاتی‌بآنها کرده اند وآنها هرچه‌تظلم میکنند جوابی‌بآنهاداده داده نمیشودخواستم‌عرض کنم فکری‌برای آنها بشود •

رئیس‌ـآقای دست غیب

(اجازه)

دست غیب ـ تعبیررا خودم متحیرم چه تعبیر کنم تقریباً پنج شش ماهست از وزارت مالیه سؤالاتی‌شده ووزارت مالیه دردادن جواب‌غفلت ومسامحه میکند‌یاتعبیر دیگری که من نمیگویم چه باید تعبیر کرد برای‌جواب سؤالات‌حاضرنمیشوند• پنجماه است بنده سؤال کرده ام راجع بنواقل رزقون که ازآنجا درتحت‌چه قانون نواقل‌میگیرند نمیایند جواب بدهند وهمین طوریك سؤال دیگر کرده امراجع‌باساس مشروطیت ایران که نمیآیند جواب‌بدهند. ازمقام محترم ریاست استدعا مینمایم که خبربدهندازطرف وزارت مالیه‌بیایندجواب بدهند اگرهم حالا ضرند سؤال کنم جواب بدهند•

معاون وزارت مالیه ـ یك سؤال از وزارت مالیه و یك جواب اگر در نظر آقا تعبیردارد دروزارت مالیه تعبیربردار نیست جواب هم داده خواهد شد اگرهم تأخیری‌درجواب شده برای اینست که راجع‌بسؤال آقابمحل‌مراجعه‌شد که‌تحقیقاتی بعمل‌آید• تحقیقات محلی هم شده است جواب هم ازمحل‌رسیده جواب سؤال آقا بعضی‌سؤالات دیگرهم حاضراست • در چند جلسه قبل‌هم مخصوصاً بنده برای عرض جواب سؤالات‌آقایان حاضرشدم و جواب سؤالاتی‌راکه را هم که حاضر بوده است خدمت آقای رئیس‌محترم‌مجلس عرض کردم وصورت دادم منتها دستور و مذاکرات مجلس مجال نداد که جواب سؤالات‌آقایان عرض‌شود حالابنده‌حاضرم آن‌مقدارجوابهائی که حاضرشده(وصورت آن ازدویست‌سیصد سؤالی که ازدولت‌شده وخدمت‌آقای رئیس میباشد) عرض کنم•

رئیس ـ (خطاب‌بآقای دست غیب) سؤالتان را بفرمائید•

دست غیب ـ سؤال بنده راجع به ـ مالیاتی است که بعنوان نواقل درزقون میگیرند•

مالیات نواقل‌موضوعی‌دارد که مطابق قانونی که‌ازمجلس گذشته ازایالات‌وولایات میگیرند•

زرقون که جزء ایالات وولایات‌نیست ده بزرگی‌است درتحت چه قاعدهٔ مالی که بآنجا وارد میشود بعنوان‌نواقل‌ازصاحبش مالیات میگیرند•

حالااجحافاتی که‌درضمن گرفتن‌نواقل میشود ازآن صرفنظر میکنم ولی اصلا گرفتن این مالیات چه صورت دارد ؟ در صورتیکه نواقل‌رادرنشیرازمیگیرند مطابق چه قاعده وترتیبی‌دیگردر زرقون مطالبه میکنند؟

بعلاوه ازقراری که بنده اطلاع پیدا کرده ام درموقع ورودازاشخاصی‌هم‌سوار هستند مالیات میگیرند•

علی ایحال اگر این وجوهی که میگیرند بعنوان‌نواقل‌است‌مطابق‌چه‌ترتیبی میگیرند؟ اگرهم درتحت عنوان مالیاتست که ما ازاین مالیات خبر نداریم خوبست بفرمایید این چه پولی است که‌میگیرند ؟

معاون وزارت مالیه ـ این مالیات نواقل که‌دربعضی‌شهرهای کوچك‌یا قصبات میگیرند سوابقش در خاطر آقایان نمایندگان هست‌ومذاکرات مفصلی هم‌در این باب شده است و نظر باینکه بعضی

www.iran-archive.com

فقاط بنظر نمیآمد که دارای شرایط پرداخت مالیات نواقل باشند لذا آنها تحت مداقه گذاشته شد ومطالبهٔ نواقل از اغلب آنها موقوف شد نسبت ببعضی نقاط دیگر که یکی هم زرقان است که آقا فرمودند هنوز تحت مطالعه است ونتیجه عبارت از این خواهد بود که مالیات از آنجا برداشته شود.

دست غیب ـ اجازه میفرمائید؟

رئیس ـ بفرمائید.

دست غیب ـ تحت مطالعه را بنده نفهمیدم. بنده دائم مالیاتی که اصل گرفتن آن بتصویب مجلس نیست بچه صورت میگیرند؟

اساساً باید جواب اینطور بفرمایند ملغی شده یا ملغی خواهد شد.

تحت مطالعه است وانشاءالله ملغی خواهد معنی ندارد.

رئیس ـ آقای حاج عزالممالك راجع بتهیه بودجه سال آتیه سؤالی داشتند.

حاج عزالممالك ـ اگر وارد دستور میشویم سؤال را برای بعد میگذارم.

رئیس ـ بفرمائید.

حاج عزالممالك ـ البته آقایان محترم مسبوقند که بموجب قانون محاسبات عمومی باید وزارت خانه ها درسش ماه اول سال بودجهٔ سال آتیه خود را بوزارت مالیه بفرستند ووزارت مالیه دراول شش ماه آخر سال بودجه کل مملکتی را برای سال بعد بمجلس بفرستد.

متأسفانه این ترتیب تا بحال یابواسطهٔ اینکه مجلس شورای ملی مرتباً همیشه کار نمیکرده است یا بواسطه اینکه غفلت کرده است باین ترتیب بودجه بمجلس نیامده است واگر باین ترتیب بودجه ها تا بحال بمجلس شورایملی آمده بود ما محتاج نمیشدیم که بودجه ۱۳۰۳ را حالا که درماه هشتم سال هستیم جزء دستورجلسات بعد بگذاریم و بهمین مناسبت بنده از وزارت مالیه سؤال کرده بودم که آیا بودجه وزارت خانه ها مطابق مادهٔ قانون محاسبات عمومی تاکنون بوزارت مالیه رسیده است یاخیر؟

ووزارت مالیه تا چه موقع بودجه کل مملکتی را بمجلس شورای ملی برای سنه ۱۳۰۴ پیشنهاد خواهد کرد؟

معاون وزارت مالیه ـ در اوائل برج جوزای هذه السنه وزارت مالیه بر حسب تکلیف ووظیفه قانونی که داشته است و نمایندهٔ محترم هم مستحضرند متحدالمآلی بوزارت خانها داده وبودجه سال آینده را خواسته است و وزارتخانه ها هم مشغول ترتیب بودجه هستند.

ولی این بودجه ها هنوز تدوین نشده و بوزارت مالیه نرسیده.

علت عمده اینستکه بودجه هذه السنه چنانچه آقایان مطلع هستند یکقدری دچار وقفه شده است وهنوزهم ازتصویب مجلس نگذشته وشرط اصلی تدوین بودجه سال آتیه تصویب بودجهٔ امساله است چون مبنا واساس بودجهٔ هذه السنه است.

درهرصورت امیدواریست که درظرف همین دوسه هفته بطورقطع مذاکرات در بودجه هذه السنه تمام شود. و بمحض اینکه بودجهٔ هذه السنه ازمجلس گذشت تدوین بودجهٔ سال آتیه معطلی نخواهد داشت. بلافاصله بودجه ها از وزارتخانه ها خواسته شده وتقدیم مجلس خواهد شد.

حاج عزالممالك ـ اجازه میفرمائید.

رئیس ـ بفرمائید.

حاج عزالممالك ـ متأسفانه این جواب بنده را قانع نمیکند برای اینکه مسامحهٔ وزراء نمیتواند یك قانون را بحالت نقض بگذارد بنده ازمعاون محترم وزارت مالیه تقاضا میکنم که این مسئله را تعقیب کنند. اگرهم یك وزارتخانه باشد که استنکاف بکند ومطابق قانون محاسبات عمومی بودجهٔ خودش را بوزارت مالیه ندهد تمنا میکنم که درمجلس شورایملی علناً بگویند تا ما یك طرح قانونی یا یك ماده برای این کار تهیه کنیم.

معاون وزارت مالیه ـ هیچیك از وزارتخانه ها استنکاف از دادن بودجه نکرده اند

چنانچه عرض کردم همه مراقب بوده اند که بودجه های خودشان را مطابق قانون بوزارت مالیه بفرستند حالا هم مراقب هستند.

ولی همانطور که عرض کردم گذشتن بودجه هذه السنه تصدیق میفرمائید در تدوین بودجه سنه آتیه خیلی مدخلیت دارد و بمحض گذشتن بودجهٔ هذه السنه بودجه وزارت خانه هاهم خواهد رسید.

اساس بودجه هم در دستشان هست حاضرهم هست معطلی هم ندارد

رئیس ـ آقای رهنما غائبند؟ آقای وکیل الملك.

(اجازه)

وکیل الملك ـ بنده اول میخواهم عرض کنم از آقای معاون وزارت مالیه خیلی متشکرم که سؤالی که چهار ماه وهفت وهشت روز قبل خدمتشان عرض کردم

حالا برای جواب حاضر شدند سؤال بنده راجع به البسه وطنی بود.

علت اینکه البسه وطنی را استعمال نمیکنند نمی دانم چیست ومخصوصاً شنیده ام که دربعضی از دوائر دولتی وگمرك و سایر جاهای دیگر این قانون را تعبیر کرده اند وهمان لباس های اروپائی را میپوشند و فقط درموقع کار یك پالتوی نازکی یایك پاپوش خیلی نازکی می پوشند

واین پالتو فقط درموقع کار است یعنی پای میزشان نصب کرده اند وهمین که وارد اطاق کارمی شوند آنرا ازروی لباسشان می پوشند ودیگر ملتفت نشده اند که مراد از البسهٔ ظاهری نیست.

ودرقانون فقط جوراب و آستر لباس وپیراهن را استثناء کرده اند.

حالا حرف بنده در آن قسمت هم نیست که چرا نمی پوشند

چون خیال می کنم هیئت دولت یا وزارت مالیه برای جبران کسر بودجه هر شاید یك میلیون وسیصد هزار تومان باشد ولی بندهٔ با این ترتیب هم مخالف نیستم.

سؤال بنده این است که این جرائمی که از مستخدمین ادارات گرفته می شود وبصندوق مالیه میآید چقدر است؟ میخواستم عرض کنم که آیا ممکن است ما بفهمیم این عایدات چقدر است و وزارت مالیه هم مصرفی برای آن معین کرده یاخیر؟.

معاون وزارت مالیه ـ وزارت مالیه نسبت بامر ملبوس وطنی مراقبت و مواظبت را تا اندازه عهده دار است که جرائم متعلق باین کار راجع آوری کرده وبصندوق برساند وبرای این کار از بدو اجرای این قانون تاکنون هشت الی نه متحدالمآل بنام ولایات ونقاط فرستاده است وتاکیداتی هم که لازم بوده است شده واینکه فرمودند یك لباس وطنی روی البسه شان می پوشند و می گویند مقصود لباس ظاهری است

این اطلاعات را بنده ندارم آنچه که در ادارات دیده می شود همه ملبس به البسهٔ وطنی هستند

از ولایات هم متصل اطلاعات میرسد که نه تنها رؤسای مالیه سعی میکنند مستخدمین کشوری ملبس بالبسه وطنی باشند

بلکه ازبعضی ازولایات بما راپورت میدهند که در تشویق هائی هم کرده اند واز منسوجات وطنی هم نمونه هائی فرستاده اند واسباب این شده است.

که منسوجات وطنی را در آنجاها متداول کرده اند والبته اعضاء ادارات هم مقدم بر دیگران می پوشند وازبیست وشش محل تابحال صورت هائی داده اند

وصورت جرائمی هم که اخذ شده است تا دوماه قبل بما رسیده واز دوماه قبل باین طرف هم البته درضمن نوشتجاتشان که بعد خواهد رسید معلوم میشود ومامورین البته وظیفه خودرا در این باب انجام داده اند یعنی اگر جریمه بکسی تعلق بگیرد با کمال سختی مطالبه می کنند و بمرکزهم می فرستند.

وکیل الملك ـ اجازه می فرمائید

رئیس ـ بفرمائید

وکیل الملك ـ جواب سؤال بنده را حضرتعالی نفرمودید

بنده عرض کردم که میزان جرائمی که درصندوق داریم چقدر است

ویکی دیگر هم اینکه مقصود بنده ایالات وولایات نبود مقصودم خود طهران بود

ممکن است خود آقا تشریف ببرند در ادارات ملاحظه بفرمایند

اغلب ادارات همانطور که عرض کردم یك لباس ظاهری دارند که می پوشند

ومی گویند مجلس نظرش این بوده وهمین طورهم تصویب کرده است در صورتی که مجلس مقصود مجلس این نبوده وبکلی مخالف این نظریه است.

معاون وزارت مالیه ـ مبلغ تحقیقی را نمی توانم عرض بکنم برای اینکه صورت هائی که رسیده است تا دوماه قبل بوده است والبته تصدیق می کنید که صورت اینها تا از ولایات بمرکز برسد یکی دوماه طول می کشد البته پس از آنکه صورت جمع معینی که از بابت جریمه گرفته شده است بوزارت مالیه رسید آن وقت عرض می کنم.

رئیس ـ آقای رهنما

(اجازه)

رهنما ـ سوال بنده راجع بیانك استقراضی است

(آقای رئیس آهسته چند کلمه با ایشان مذاکره نمودند)

رهنما ـ چون آقای معاون وزارت مالیه حاضرنشده ازبرای جواب می گذارم برای بعد

رئیس ـ آقای حاج میرزا عبدالوهاب راجع بحقوق عدلیه همدان سؤالی داشتید.

حاج میرزا عبدالوهاب آن را که جواب داده اند.

رئیس دیگر سؤالی ندارید.

حاج میرزا عبدالوهاب ـ خیر.

رئیس ـ آقای طهرانی راجع بسدرود خانه تبریز سؤالی داشتید.

آقا شیخ محمدعلی طهرانی سؤالی ندارم.

رئیس ـ خوب وارد دستور میشویم

آقا سید یعقوب ـ سؤالات بنده مرحوم شده است.

رئیس ـ ایشان نوشته اند که برای شش فقره ازسؤالات حاضرند

آقا سید یعقوب ـ سؤال بنده هم در تعقیب همان سؤال آقای دست غیب بود.

رئیس ـ وارد دستور می شویم.

مالیات تقاعدی برعایدات مطرح ست.

شاهزاده محمدولی میرزا

(اجازه)

محمدولی میرزا ـ بنده لازم می دانم که قبلا یك مسئله را بآقایان محترم تذکر بدهم.

بنده اصولا با تکثیر عایدات یا ایجاد یك مالیات جدیدی مخالف نیستم و بااین مالیات هم اگر مخالفتی می کنم باطرز وصول آن است.

بنده مخالف نیستم که یك مالیاتی وضع

شود ویك اشخاصی که امروز از هرگونه تحمیلات معاف هستند بآنها هم یك تحمیلی وارد بیاید وآنها هم شرکت کنند با مخارج دولت.

آقایانهم تصور نمی کنم با این اصل مخالف باشند وگمان می کنم همه آقایان موافق هستند دریك مملکتی که اصول حکومت اوشوروی ویارلمانی است

البته هرکس باید باندازه وسع واستعداد خودش بامخارج عمومی مملکت شرکت کند و وبعقیده بنده این بزرگترین افتخاری است که هرکس باندازه وسع خودش درامور حکومت شرکت داشته باشد وگمان میکنم هیچیك از آقایان مخالف نباشند.

ولی میخواهم ازاین مقدمات یك نتیجه بگیرم ونسبت بیك مسئله که آقای مخبر در ضمن اظهارات خودشان وآن مدافعه غرائی که فرمودند یك عرایضی داشتم ومی خواستم نسبت بآنها عقاید خودرا اظهار کنم وآن این بود که اولا آن روز فرمودند از نقطه نظر احتیاج است که ما بایجاد ووضع یك مالیات جدید متوسل می شویم وفرمودند که مملکت مخارج دارد و محتاج است باین که عوائدی وضع کند ومی بینید که امروز این عوائد با این مخارج تکافو نمی کند و باید متوسل ببینید فتوت مردم و ازآنها بعنوان مالیات یك چیزی گرفت تا اینکه بالاخره ازعهده مخارج بتوانیم برآئیم

ودرضمن هم اشاره فرمودند که درممالك متمدنه آقایان می مانند که پایه عایدی بچه درجه است.

ودرآن ممالك هم که البته ازنقطه نظر تجربه وعلم وعمل خیلی از ما پیش هستند این مالیات معمول است پس چرا دیگر ما مخالفت باید بکنیم واین یك مالیاتی است که نتیجه علم است اصولا ما باید تصدیق کنیم که چون در آنجا این مالیات برقرار شده است واز این مالیات نتایج عمده اخذ میشود پس ماهم باید بیائیم قبول کنیم که این مالیات وضع شود و اصولا اساس مدافعه

خودشان را اینطور قرار دادند که این مالیات چون دراروپا بر قرارشده است و خیلی هم خوبست اینست که ما هم بآنها باید تأسی کنیم ودرواقع این مالیات رایك قدمی درجاده ترقی دانستند که با اخذ این مالیات ما میتوانیم خیلی از احتیاجاتمان را رفع کنیم.

بنده دراین قسمت با اجازه خودمخبر محترم یکقدری تردید خواهم کرد. بعلت اینکه دراروپا یك قواعدی است که آن قواعد ازروی یك پایه وبنیان علمی است و ممکن نیست بتصور بنده یا دیگری درآن قواعد تزلزلی وارد آید

مثل قواعدی است که درریاضیات است واگر سالیان درازهم بگذرد وهرنوع ترقی واختراع جدیدی درجامعه پیدا شود بآن قواعد هیچ تزلزلی وارد نخواهد آمد. ولی بنده نمی دانم نسبت بقواعد اجتماعی هم آیا اینطور است؟

هرقانونی که دراروپا پنجاه سال قبل راجع باقتصادیات وضع شده است آیا تا امروزهمانطور برقرار است؟

بنده گمان نمیکنم. برای اینکه تغییراتی که هرروزراجع بوضعیات اجتماعی واقتصادی پیدا میشود قواعد آن هم تغییر میکند وازاین نظرهم عرض میکنم که اینها یك قواعد لایتغیری نیستند و بنده مخصوصاً تذکر میدهم که مالیات تصاعدی یك مالیات ترکیبی است که درتحت فشار ودرتحت ازدیاد مخارج ضروری (نه مخارجی مثل مخارج ما باشد بنده در این قسمت هم عرایضی دارم

وثابت میکنم که مخارج ما ضروری نیست) مجبور بوضع یك مالیاتهای ترکیبی و مالیات تصاعدی میشوند (آنهم نه باینطرزی که در این لایحه نوشته شده) یك مالیات ترکیبی ازروی فکر مطلعین و اشخاص بصیر بواسطهٔ ضرورت وشدت احتیاجات وضع میشود وبنده میخواهم بدانم که آیا امروز آن ضرورت واحتیاج که برای مملکت ما پیدا شده است.

کدام است که ما را محتاج وضع مالیات تصاعدی کرده است؟ آیا ممکن نبود بیك وسائل سهل تری که بعدل هم نزدیك تر باشد ایجاد عایدات کرد؟ اینجا بعضی ازآقایان موافقین فرمودند که این مالیات عین عدالت است.

بنده عرض میکنم که هیچ مالیاتی عین عدالت نیست واین مالیات بعقیدهٔ بنده نزدیك بعدالت هم نیست.

بنده اگرچه همیشه این قسمت را مد نظر دارم و کاملا هم موافق هستم که همانطوری که دول متمدنه امروز رفتار میکنند ماهم بآنها تاسی کنیم وسعی کنیم که خودمانرا بآنها برسانیم ولی در آنجا دروضع قوانین یك فلسفه هائی راهم قائل بوده اند که ما تاکنون هیچ توجهی بآن قسمتها نکرده ایم و اینکه آقای مخبر فرمودند تصویب این مالیات یك قدمی است در جادهٔ ترقی بنده هم در سهم خودم بها کمال افتخار واغلب تصدیق میکنم ولیکن در سایر قسمتها هم ما باید یك قدری بآنها تأسی بکنیم ودر بعضی قسمتها هم که آنها ازترقی بهره مند هستند ماهم بهره مند شویم.

مثلا درهر یك ازبودجه های ممالك متمدنه وقتی که دقت بفرمائید غیرازمخارج اداری مستخدمین دولت یك مخارج دیگری هم هست

ولی تصدیق میفرمائید مطابق این صورت جمع و خرجی که بنده در دست دارم هر چه نگاه میکنم میبینم مردم شریك رسیم در این مخارج هستند در قسمتهای دیگر باید تصدیق بفرمایند که ملت وعامه بهره مند نیست.

واین مالیاتی که ازاو گرفته میشود و در صورت محاسبهٔ خودش مینویسد باید جزء مبلغ سوختی بنویسد زیرا در آن ممالك همه ساله یك مقداری ازاین مالیاتی که از او گرفته میشود مجدداً بخودش عاید میشود و متأسفانه ما این قسمت را هیچ رعایت نمیکنم ولکن در اروپا اینطور نیست و در آنجا اینهمه بودجه های گزافی دارند و این مالیاتهائی را که از مردم میگیرند که چندین برابر مالیاتهای ماهست وهیچ قابل قیاس باما مالیاتهائی که ما میدهیم نیست از این مالیات بصور واشکال مختلفه هرسال یك قسمت از آنها را دولت بخودمردم پس میدهد ومردم بهره مند میشوند ودر حقیقت مردم وقتی که دراروپا مالیات میدهند خیال میکنند که یك سهمی از تجارتخانه خریده اند یا یك مؤسسه ویك شرکت امینی شرکت کرده اند و اطمینان دارند که آن سهم هیچوقت ازبین نخواهد رفت وآن شرکت هم هیچ موقعی درمخاطره ورشکست شدن واقع نمیشود ولی در مملکت ما اینطور نیست.

درآنجا هایك قسمت عمدهٔ از این مالیاتها را صرف مخارج انتفاعی وبهره برداری میکنند و از همین مالیاتها بدون اینکه استقراض بخصوص هم بکنند راه آهن کشیده اند و میکشند وتوسعه هم میدهند ولو اینکه درفلان کوره ده که در کوهستانست وجهات اقتصادیش هم مرتب نیست.

معذلك دولت چون خودش رامکلف میداند واز آن کوره ده هم مالیات میگیرد این است که یك شرکت راه آهنی تأسیس میکند که راه آهن را تاآنجا هم امتداد بدهد ودر سال مبالغی از کیسهٔ خودش واز همین مالیاتی که ازمردم گرفته است تفاوت ضرر بآن شرکت میدهد.

حالا کدام یك از این قضایا در مملکت ما وجود دارد؟ خواهند فرمود تازه میخواهیم این کار رابکنیم ومالیات تصاعدی راوضع بکنیم و از این راه یك مخارج اجتماعی بکنیم.

مخصوصاً بنده درهمین سال بطوریکه از رئیس محترم کمیسیون بودجه تحقیقات کرده ام.

درهذه السنه مبلغی که برای مخارج انتفاعی در کمیسیون بودجه پیش بینی شده است پانصد و چهل هزار تومان است در واقع این پانصد وچهل هزار تومان آنقدر قابل نیست که نمایندگان محترم بتوانند بمردم بگویند این پولی که از کیسهٔ شما بیرون میآید درمقابل آن سهمی هم برای شما تصویب کرده ایم که یك مخارجی بشود وشماهم یك سهمی بهره بردارید. بنده عرض میکنم دریك ایالت معظم مثل آذربایجان شما یك راه آهنی دارید که میلیونها خرج آن شده است و این راه آهن از بهترین راه آهنهائی است که اخیراً ساخته شده است و در سال ۶ میلیون تن حمل ونقل میکند و بنده یکی از سئوالاتی که ازوزارت قوائد عامه داشتم و هنوز جواب نداده اند راجع باین راه آهن بود برای اینکه این راه آهن کم کم دارد ازبین میرود.

راست است که شما در این پانصد و چهل هزار تومان پیش بینی کرده اید ولی بنده اساساً منکر این اقلام پیش بینی های شما هستم و بنده عرض میکنم این راه ـ آهن را که خودم برای العین دیده ام چندین مرتبه هم سوار شده ام کسیکه در این راه آهن سوار میشود باید وصیت نامه اش را در منزل بگذارد و بکلی از جانش صرفنظر کند.

برای اینکه تراوزس هائی که در زیرپل هااست در ظرف این چند سال بکلی پوسیده شده و این مدت هم این عوائدی که از این راه آهن بدست می آورده اند هیچ خرج یك چیز های اساسی نکرده اند و قطعه مارجی که میکنند همان مواجبی است که برانندهٔ های این راه آهن ومستخدمین میدهند.

والا ابدآدر فکر این باشند که در این زمستان این راه آهن بکلی از بین نرود و از این راه آهن یك ضرر اصلی بدولت وارد نیاید نیستند.

این مخارج ضروری را هیچ نمیکنند و یك مخارج دیگری که دردرجه صدم است می آیند درپشت این تریبون و میگویند کسر بودجه داریم ومخارج ضروری بتأخیر افتاده است و حالا بنده نمیخواهم خیلی بپردازم باین قسمت و بطور خلاصه عرض میکنم که مخارج ضروری ما با مخارج ضروری ملل متمدنه هیچ قابل تطبیق وتشبیه نیست.

بنده لازم میدانم برای اطلاع آقایان محترم عرض کنم که تاچه حدود امروز مالیات های ما علاوه شده است درصورتی که در سایر ممالك متمدنه فقط برای آن مصارفی که عرض کردم از قبیل مصارف بهره ـ برداری (که قسمت اعظم بودجه راتشکیل میدهد)

یك مالیات های اضافه وضع می ـ کنند.

ولی ما اینجا باوجود اینکه یك دینار مخارج بهره برداری نداشته وندارید تا این اندازه برمالیات های ما اضافه شده است. و این تحمیلاتی که مابمردم وارد کرده ایم اگر بکیسه آنها رامراجعه کنیم بعقیده بنده خیلی بی تناسب و بلارفته است.

در سنه ۱۳۲۰ که سه چهار سال قبل ازمشروطه بوده است تمام عوائد دولتی و خزانه ۱۲ کرور تومان بوده است و از این ۱۲ کرور تومان سه کرور تومانش راجع بوده است بگمرکات و ضرابخانه و کلیه مالیاتی که بعنوان مالیات ارضی درآن تاریخ

www.iran-archive.com

غیر از سایر مالیات‌های غیر مستقیم که کمتر داشتیم و بلکه هیچ نداشتیم آنچه در تحت عنوانات مابغیر جنسی که خروارى ۳ تومان تسعیر میشده است کلیه عوائدی که در این مملکت وجود داشته منحصر میشده بشش کرور تومان که این مبلغ را ما از مالیات اراضی و املاک برداشت میکرده‌ایم در صورتیکه امروزه درسنه تنگوزئیل از بابت عوائد املاک ۷ کرور تومان فقط مالیات مستقیم مابوده است و اگر در واقع عوائد حاصله از نفط را موضوع کنیم مجموع عوایدمستقیم وغیرمستقیم مادر صورتی که عوائد گمرك هم داخل آن باشد قریب بیست و یك میلیون تومان است.

عوائد آن اوقات با گمرك و همه چیز بیش از ۱۴ کرور و نیم بالای ۱۵ کرور نبوده است.

درصورتیکه عوائد امروزه ما بالغ بر ۲۱ میلیون تومان است.

حالا ملاحظه فرمائید درظرف بیست سال اهالی این مملکت بدبخت بجای ۱۵ کرور چهل کرور باید بدهند و اینطور بر آنها تحمیل شده است.

پس برماهم باندازه وسع خودمان مالیات تحمیل شده است و اگر بخواهیم یك احصائیه تشکیل بدهیم می بینیم بیشتر از اروپا مالیات بر ما تحمیل شده است.

شیروانی- برضعفاء بلی ولی بر اغنیاء خیر.

محمدولی میرزا- شاید یك قسمت از عرایض بنده خارج از موضوع بود (آقاسید یعقوب عین موضوع بود.) ولی ضمناً ناچارم عرض کنم بعضی از آقایان که مخالفت می کردند عقیده‌شان این بود و میگفتند مادام که ماصورت جمع و خرج مملکتی را ببینیم که ازعوائد ومعاوج کاملا مسبوق نشویم تصمیم گرفته‌ایم که اصلا بهیچ ازدیاد مالیاتی رأی ندهیم بنده بااین عقیده شریك هستم زیرا بنده خودم بلایحه بودجه که طبع و توزیع شده است مراجعه کرده‌ام.

فرضاً در یکی از اقلام آنصورت تردیدی داشته باشم بطور خصوصی ممکن است ازوزارت مالیه سؤال کنم یادراینجا از وزیرمالیه سؤال کنم و باین وسیله تحقیق کنم.

پس بنده بااین قسم مخالفت موافق نیستم و مخالفت بنده هم با وضع این مالیات از این لحاظ نیست بعضی از آقایان ایراداتی راجع به قصور مأمورین وزارت مالیه نموده و در واقع اظهار عدم اعتماد نسبت بکارکنان واعضاء وزارت مالیه نموده‌اند. بنده خواستم این مسئله را بعرض آقایان برسانم که مجلس شورای ملی و نمایندگان محترم حاکم برقضایا هستند نه محکوم و درصورتیکه شما حاکمیت خودتان را تصدیق میفرمائید نباید بر یکعده مستخدمینی که مستقیماً طرف نیستند حمله بفرمائید.

اگر فرضاً خطائی از مستخدمین صادر بشود این را ازوزیر یامعاون محترم وزارت مالیه باید سؤال بفرمائید وایشان هم ناچارند جواب بدهند.

ولی بنده تصدیق میکنم که مأمورین جزء و تحصیل دارها و کسانی که ازمردم مالیات میگیرند در ضمن ایفاء وظیفه یك قدری تخطی و تجاوز هم میکنند و این تخطی نه ازنقطه نظر آزار است بلکه از این لحاظ است که قانون و نظاماتی در دست آنها نیست که از آنرو بتوانند بوظایف خودشان رفتار نمایند و هم برای این است که مردمی هم که باآنها طرف هستند یك حدود معینی نیست که درجه تسلیم آنها را درمقابل مأمورین تعیین نماید.

دیگر اینکه در ضمن مذاکره در ایـن مالیات اظهار شد که این مالیات عادلانه است وچون عادلانه است ضرری ندارد که مردم این مالیات رابدهند.

بنده قبلا اصلی را عرض کردم که گمان نمیکنم هیچیك از آقایان با آن مخالف باشند وآن این است که هر کسی مطابق وسع خود باید مالیات بدهد ودر خرج مملکت خودش شرکت بکند ولی مالیات را برطبق تناسب باید قبول کنیم نه تقاعد.

درصورتی که بخواهید وضع مالیات را برروی عدالت قرار دهید مالیات تناسبی باز نسبتاً بمالیات نزدیکتر است تامالیات تصاعدی.

در این لایحه پیشنهاد می‌فرمائید که اولا تا هزار تومان معاف واین راهم برطبق عدالت بدانید.

ولی باید دانست که این یك عدالت نظری است.

بنده هم مطابق نظر خودم کسی را که پنجهزار تومان عایدی سالیانه دارد ولی در عوض عائله زیاد و مخارج زیاد دارد می گویم بیچاره است و باید از تأدیه مالیات معاف باشد.

بنده عرض میکنم این لایحه بطوری که تدوین شده است هیچ نوع اساس وبنیان علمی ندارد و نتیجه هیچ محاسبه علمی و اساسی نیست. فقط قضیه را نظری گرفته اند.

خوب وقتی که عدالت نظری شد ممکن است در نظریات اختلاف پیدا شود و هر کسی یك نوع نظر داشته باشد.

مطابق نظرشان اول آمده‌اند و هزار تومان را معاف کرده و دوهزار تومان را صد یك قرار داده اند و از چهار هزار تومان تاشش هزار تومان صدی سه و از ده هزار تومان تا پانزده هزار تومان صدی پنج و از بیست وپنجهزار تومان ببالا صدی ده

بنده عرض می کنم اصلا لازم نیست که از بیست و پنجهزار تومان ببالا کسی عایدات داشته باشد هرچه زیادتر دارد از او بگیرید وقتی بنا شود اساس عدالت را بر روی نظریات بنده وسرکار قراردهند همین طور میشود.

امروز که احساسات خیلی تند نیست صد ده قرار میدهد فردا ممکن است یك دسته بیایند صدی پانصد پنجاه بگیرند بنده عرض کردم درمملکتی که وضع مالیات بسته بنظر بنده و آقا باشد بالاخره همینطور ها خواهد شد.

زیرا چنانچه عرض شد نتیجه این میزان بندی با هیچ حسابی و علمی درست در نمی‌آید.

بنده عرض می کنم تاشش هزار تومان چرا درهزار تومانش را از قرار صد سه بدهد ومابقی اش را صد دو؟ برای اینکه نظری است.

باید باقایان کوشزد کنم که این مالیات ابداً پایه علمی ندارد وبطوری که در بدو امر عرض کردم درتحت هیچ قاعده حسابی نیست.

مثلا در اصطلاح طبیعیات گفته میشود قوه دواسب بخار.

این اصطلاح در اتومبیل وبخار استعمال میشود و مطابق یك محاسبه علمی این را معین کرده اند بطوریکه وقتی گفته میشود فلان ماشین دارای دو یاده قوه اسب است فوری می‌فهمند یعنی چه؟ واشتباهی نمیشود ودر اروپا. آسیا. وآفریقا وقتی که این اصطلاح گفته شود همه میفهمند مقصود چیست واین نتیجه ایست که ازعلم وعمل توأماً بدست آمده و تحصیل شده است ولی دراینجا این طور نیست.

بنده حتی می خواهم عرض کنم که در خود اروپا هم هنوز مالیات تقاعدی مخالف دارد...

شیروانی- ولی اکثریت ندارند.

محمدولی میرزا- (شما هم اکثریت ندارید) در اروپا که احتیاجاتشان خیلی بیشتر از مملکت ما است یك مالیات‌های ترکیبی ممکن است وضع کنند ولی ماچرا بیائیم و این یك قسمت را بچسبیم و از میان تمام اختراعات مالیاتی این یکی را قبول کنیم.

در سی سال قبل هم این گسونه مالیات ها در اروپا بهیچ وجه وجود نداشته.

قدیمی‌ترین مالیات‌ها مالیاتی بود باسم انکشا کس که در انگلستان وضع شد ودر همان جاهاهم در نتیجه تجارب طولانی که کرده‌اند بالاخره ثابت شد که مالیات تقاعدی غلط است و بمرور می‌خواهند کم بکنند فقط بعداز جنك یك مالیات تصاعدی آنهم نه بطوریکه در این لایحه پیش‌بینی کرده‌اند وضع شد.

مثلا مالیات تصاعدی آنجا بر میراث تعلق میگیرد بطوری که کسی که از پدر مرحومش مبلغی بارث می‌برد از او یك تجزی میگیرند.

بعلاوه در آنجا وضع مالیات تصاعدی مورد وموقع دارد ولی آنهم باین ترتیبی که در این لایحه پیش‌بینی شده است نیست در این قسمت ممکن است اشخاص یك نظریات سیاسی داشته باشند وشاید یك نظریات حزبی ومسلکی در کار باشد واز آن لحاظ است که از این لایحه دفاع می کنند

ولی بنده چون این نظر را ندارم لذا مخالفم وشاید آقایانی هم که برمیخیزند واز این لایحه دفاع می کنند نظریات مسلکی وحزبی ندارند بلکه تصور می کنند که از نظر احتیاجات مملکتی امروزه ما محتاجیم که یك عوایدی تحصیل کنیم وبنظرشان وضع این مالیات خوب ومساعد آمده است ولی نباید فراموش کرد همان مالیات هائی که برای وصول و اخذ آنها مستخدمین باورزیده تر شده اند

هنوز بحدا کثر نرسیده است کهشما میخواهید آنرا ول کنید و یك مالیات جدیدی وضع نمائید.

مالیات مستقیم ما که امروزه بهفت میلیون تومان بالغ می‌شود چنانچه در دوره چهارم عرض کردم حالا هم عرض کنم که اگر شما لایحه میزی را بیاورید وتصویب کنید قطع نظر از اینکه بوظیفه خودتان عمل کرده اید هم مردمانی را که درزحمت و فشارند راحت میکنید و هم بر عوائد دولت میافزائید.

امروزه قسمت مهم شکایاتی که از مامورین مالیه وتحصیل دارها میشود تمام بواسطه این که جزوجمع مالیات ها با وضعیات حاضره تطبیق نمی کند و برای این که عرض خودم را

ثابت کنم اضافه میکنم که بموجب صورتی که بنده تحصیل کرده‌ام عوائد جنسی ما در بیست سال قبل صیصد وده هزار بوده است که بعمال دولتی عایدی میشده است در صورتی که امروزه کلیه عوائد جنسی دولت بیکصد وهشتاد و یك هزار خروار رسیده است.

خوب این تفاوت از کجا پیدا شده است؟!! بعقیده بنده بواسطه خرابی است ودلیل دیگری ندارد.

در مالیات نقدی وقتی که مأمورمالیه مثلا در برج حمل میآید مالیات نقدی را از مالك بگیرد اگر آن بدبخت نداشته باشد صبر نمیکنند فوری مسئله کاه دود را بر پا میکنند.

هنوز مسئله کاه دود درولایات معمول

بنده صنم دراستبداد اقتضای دیدن کاه دود رانداشت ولی هنوز در ولایات معمول است مالك بدبخت وقتی که درتحت فشار بیفتد مجبور میشود که هر طورهست یابقرض یا بفروش قالی واجناس دیگر مالیات دولت رابدهد.

(یکی ازنمایندگان محترم فرمودند) میگویند چطور میشود مالیات دیوان را نداد درتحت همین اصل مردم مجبورند بروند ازهرجا هست قرض و فراهم کرده مالیات دولت رابدهند ولی درمالیات جنسی اینطور نیست ونقصان مالیات جنسی بواسطه خرابی است واینکه بنده عرض کردم بهترین دلیل است.

بنده خودم درقسمت اعظم این مملکت مسافرت کرده واغلب در دهات زندگانی کرده‌ام واز وضعیت وخرابی دهات مطلعم امروزه دهات خراب نسبت به پیش شاید از حدود صدبیست وصدسی تجاوز کرده وبهترین دلیل همین استکه عرض کردم.

شیروانی- متنفذین نمیدهند.

محمدولی میرزا- سیصد و ده هزار خروار عایدات جنسی دولت بصد وهفتاد ویك هزار خروار رسیده است نه اینکه مثل یکی از همکاران محترم که هی میفرمایند وتکرار میکنند بواسطه ندادن متنفذین. آقا اگر شما یك متنفذی را سراغ دارید که مالیات خودش را نمی‌دهد از وزیر یامعاون وزارت مالیه سؤال و استیضاح کنید. یك ورقه استیضاح بنویسید بنده هم پای آنرا امضاء میکنم.

شیرانی- همین امروز

محمدولی میرزا- این حرف هائی که در خارج زده میشود ازقبیل تیپ جوان. تیپ مندرس. تیپ پیر. سینه برقی و غیره خیال میکنند در مجلس هم باید زده شود در صورتیکه دربنده اثری ندارد و تصور میشود برای خاطر این حرف‌ها بنده دست از وظیفه وکالتی خود برمیدارم یا بایك قیام و قعود این تحمیل رابرمردم قبول میکنم این حرف ها باندازه بال مگسی در وجود بنده تأثیر ندارد. بنده بایك قیام و قعود این تحمیل را تصویب نمیکنم آنها که میکنند برای این است که میخواهند از آنجائی که وکیل شده‌اند بازفردا هم وکیل شوند ولی بنده هیچ این میل و آرزو را ندارم وقسمتی که بیشتر معرکه بنده شده است که بیایم اینجا و این حرفها را بزنم همین است که بدون علم و اطلاع از روحیات مردم نمیخواهم اینجا یك رأیی بدهم.

شیروانی- این مربوط بخودتان است. وکیل وموکل شما هستید.

محمدولی میرزا- گفته میشود اگر این مالیات رارأی بدهیم مملکت ترقی میکند عرض کردم بنده قبل از اینکه یك مطالعاتی بکنم شخصاً نمیتوانم بایك قیام و قعود و یك تحمیل جدیدی راتسلیت بمردم تصویب کنم. مگر اینکه بمردم بگوئیم که درمقابل این تحمیل شما فلان منفعت را خواهید داشت مثل قوای تأمینیه وقتی که مردم بدانند این پولی که میدهند یك قسمتش بصور واشکال مختلفه بخودشان بر میگردد آن وقت ازروی میل حاضر میشوند و شما هم یك دلائل منطقی دارید که بآنها بگوئید و آنها هم چون دیدند برایشان فایده دارد زیر بار این تحمیل میروند مردم فکر سلیم دارند. آنها خیلی بیشتر از بنده و آقایان (بآقایان جسارت نمیکنم) یعنی بهتر از بنده منافع و وضعیت خودشان را تشخیص می‌دهند.

چنانچه ملاحظه بفرمائید امروزه ما میتوانیم بمردم بگوئیم که اراین پولی که شما میدهید نیست کرورش صرف قوای تأمینیه مملکت میشود.

این چیزی نیست که من اینجا پشت تریبون عرض کنم بلکه همه مردم میدانند و واضح است.

مثلا اهالی آذربایجان میدانند وضعیت پنج شش سال پیش‌شان چه بوده و حالت امروزشان ازچه قرار است آن وقت اگر طلائی میداشتند اصلا نمی‌توانستند زیر خاك آن طلارا مدفون وحفظ کنند ولی امروز (اگرچه آن طلارا نداریم ولی امنیت دارند و آسایش در آن حدود حکمفرما است.

آن قسمت ازعوائد مملکتی که بمصرف حقهٔ خودش میرسد مردم ازروی کمال میل میدهند مثل همان قوای تأمینیه که عرض شد وپست و تلگراف که محتاج الیه مردم است ولی یك قسمت دیگر از مصارف و تشکیلات است که فایده برای مردم ندارد.

مثلا مردم مسؤل وصول مالیات نیستند وچه فایدهٔ برای آنها متصور است که بدانند وصول واخذ پانزده یابیست میلیون فرضاً چهار میلیون یاپنج میلیون یادو میلیون دولت خرج میکند این مسئله مستقیماً متوجه مردم نیست.

این است که بنده باز تکرار میکنم وتکرار را زائد نمیدانم زیرا عقیده‌ام این است که هرچه دراین باب گفته شود کم است.

مردم حاضرند ماهم خودمان را باید حاضر کنیم که بامردم را سنگین کنیم مشروط براینکه اقلا یك عوائدی هم برای آنها متصور وملحوظ باشد نه اینکه همه‌اش مخارج اداری بشود؟!

مثلا خط آهن آذربایجان را که بطور مثل عرض کردم چه ضرر دارد اصلاح و ترمیم کنند پاراههای شوسه درست کنند حالا ازراههای شوسه یك عوائدی ازمردم میگیرند ولی راهها راترمیم نمیکنند و در تحت این اصولی که امروزه هست فشار بطوری میشود که غیرقابل تحمل است.

هر ایضی که بنده کردم در کلیات بود ونسبت بمواد قانون هم یك اعتراضاتی دارم که عرض میکنم.

بنده عقیده‌ام این است که این قانون باین ترتیب قابل اجرا نیست و موادی که در این قانون نوشته شده است بهیچوجه متناسب بایکدیگر نیست ومخارجی هم که برای وصول عوائد باید بشود از تناسب خارج است وباید برای تمام قضایای جمع وخرج وصول وایصال وغیره یك تناسبی قائل شد.

در بودجه که امروز داده‌اند و خدمت آقایانهم یك پیش‌بینی عایدات شده بود یکی همین مالیات تصاعدی بود که رئیس کل مالیه پیش‌بینی نموده بود.

یکی از اختلافات عمده که بین رئیس مالیه و کمیسیون بودچه بود همین بود و خود آقای رئیس کمیسیون دراینجا اظهار کردند که مالیاتی را که مادر مجلس رأی نداده‌ایم وتصویب نشده است برای چه بجمع خودشان گذاشته‌اند.

الان اگر مراجعه بفرمائید بآن صورتی که خدمتتان هست سیصد هزار تومان این عایدی رایش‌بینی کرده‌اند اگر شما برای این مبلغ میخواهید یك تازهائی بکنید.

بنده متقبل می‌شوم اگر لایحه میزی را بیاورید بمجلس ورأی بدهید وازمجلس بگذرانید وعملی کنید تفاوت آن محدود بسیصد هزار تومان بلکه یك کرور دو کرور هم نیست

لایحه میزی هم تصحیح می کند اخذ مالیات راهم مخارج اداری را کم میکند و هم تکثیر عایدات میکند اگر نظر واقعاً تکثیر عایدات این است که بنده عرض میکنم

البته اقای مخبر خواهند فرمود این منافاتی ندارد ولایحه میزی چند ماده‌اش تاکنون از کمیسیون گذشته است ودو ماده دیگرش هم تاشش ماه دیگر میگذرد می‌آید بمجلس

بنده عرض نکردم منافات دارد بنده عرض میکنم اگر آن را مقدم داشته بودید وقبلا اورا بمجلس می‌آوردید هم از لحاظ تکثیر عایدات وهم از لحاظ مردم بهتر بود این است که بنده بطوری عرض کردم یا لایحه میزی شما بهتر مستوفید تکثیر عایدات کنید و غیر از این مالیات تصاعدی شما مطالب دیگری داشتید که ممکن بود آنهارا درنظر بگیرید که میسر نهم بادولت مشارکت کند و آنها را بیاورند بمجلس ماهم موافقت میکردیم

اگر برای تحصیل سیصد هزار تومان است بنده عرض میکنم که معلهای کم خرج واز حیث عایدات بیشتر هست آنهارا مورد نظر قرار دهید از قبیل تجدید نظر کامل درمسئله مالیات صنفی که اگر آن را در این مملکت برقرار میکردید عقیده بنده این است متجاوز از یك کرور عایدات آن میشود درصورتیکه اینجا یك کرور عایدات با یك خرج خیلی کمی وصول خواهد شد وخرج زیادی نخواهد داشت ویك تحمیل جدیدی هم برمردم نمیشد و برعکس شما در ضمن این معامله یك اجرای عدلیهم کرده بودید

ملاحظه بفرمائید یك صنف مالی هستند بطوری که خود آقای مخبر هم اشاره کردند

در آذربایجان در سابق ودر قدیم یك یك کفشهائی می‌دوختند که معروف بود به گرجی دوزی والان مالیات گرجی دوزی در آذربایجان هست که از اصناف میگیرند الان مالیات کفش سافری میگیرند در صورتیکه هیچکس هم نمیپوشد درصورتی که آن شخص فوت کرده می‌آید از ورثه کسی که پدرش مشغول این کار بوده مطالبه میکنند مالیه هم مفتشی برای اینکار نگاهمیدارد وحقوق میدهد برای اینکه مخصوصاً تفتیش کنند تایك بیچاره را پیدا می کنند گوشش را می گیرند و می‌آورند باداره مالیه ومیگویند تو باید صدو شصت و پنج تومان مالیات گرجی دوزی بدهی واین مالیات رامی گیرند در ارومیه یك مالیاتی هست که درسایق که داروغه گری و کدخدا بازی بود مالیات کله میگرفتند ومردم ارومیه هنوز مالیات کلی می‌دهند اگر شما این مالیات های صنفی را مالیات قپاندار را در نظر می گرفتید خیلی بیش ازاین مالیات میشد (بنده ازروی مدرکی که وزارت مالیه پیش بینی کرده است) عرض می‌کنم

بنده نمی توانم پیش بینی کنم ولی خود وزارت مالیه پیش بینی کرده است سیصد هزار تومان عایدی این مالیات میشود.

حالا لابد این سیصد هزار تومان مخارج هم دارد که باید از آن منها شود و آن وقت از این عایدی چه دستگیر میشود.

نمی‌دانم مثلا مالیات تمبر نه آن مالیاتی را که آوردند بمجلس و ما آن را رد کردیم مالیات کافدی که وزارت مالیه درست کند وروی آنرا تمبر بزند و درمعاملات آنرا معمول بدارند

باین معنی که اگر معاملاتی باید بشود درروی آن اوراق وزارت مالیه باید بشود وروی آن اوراق یك تمبری میگذاشت و مردم با آن اوراق معامله می کردند مبلغ زیادی میشد

این مالیات هم یکی ازمالیات هائی است که دردنیای متمدن مبالغ گزافی بخزانه دولت وارد میکند.

دراینجا هم خیلی سهل الاجرا میشد یك عوائد خوبی برای ما تهیه میشد در این قسمت بنده درموادش مفصلا عرایضی دارم که بعد عرض خواهم کرد فعلا لازم میدانم بعضی مطالب دیگر را گوشزد آقایان بکنم که بعضی از آنها فراموش شده ویك اصلی راتذکر بدهم که بهیچ وجه طرف توجه قرار نداده اند روزی که این لایحه را تنظیم کرده اند وآن اینست که مبالغ ثروت و منابع عایدات مختلف است

مثلا چنانچه عرض کردم یك کسی است که ارث باورسیده و یك پولی بدون زحمت برای آن موجود شده است ویادر بانك یك پولی برای او گذارده اند درصورتی که خودش شخصاً هیچ زحمتی برای تهیه آن نکشیده است ویك پول موجودی کیرش آمده و مشغول استفاده از آنست دولت بیاید ویك منافعی ازاین پول ببرد ویك مالیاتی برای آن وضع اند که ازاو بگیرند.

دراینجا هیچ تفاوت و تغییری قائل نشده اند بین آن کسی که بدون زحمت فقط زحمتش امضاء کردن یك چکی است که آنرا امضاء میکند ومیبرند آن چك رادرب فلان حجره یا فلان بانك و آن پول را میگیرند با یك کسی که با زحمات بسیار ایجاد یك سرمایه کرده.

مثلا فرض بفرمائید یك کسی که یك تجارتخانه بارث باو رسیده اگر لیاقت و استعداد نداشته باشد یا بامور تجارتخانه مربوط نباشد وکار نکند نمیتواند عوائدی را که پدر مرحومش از آن تجارتخانه میبرده او ببرد

پس درواقع عوائد بواسطه شرکت سرمایه وکاروزحمت شخصی وزحمت فکری تهیه میشود.

یك قسمت هم این است که بعضی اشخاص روزانه زحمت میکشند وروزانه دخل میبرند ازقبیل مشاغل آزاد مثل طبیب که هر روز درمطب خودنشسته وشب بشب ده تومان بیست تومان صد تومان استفاده میکند ولی اگر خود طبیب ناخوش شد درموقعی که ناخوش است نمیتواند در آن پانزده روزی که خودش ناخوش بوده کسی را عوض خودش معین کند که برود نبض مریض را بگیرد.

ودراین عوائد ابداً فرقی قائل نشده اند تمام یك کاسه برعوائد خالص اشخاص میگویند فلان قدر باید مالیات وضع شود ازاینجهت است که بنده راین قسمت هم در صورتی که تصویب شود در موادش خیلی جرح و تعدیل لازم میدانم که اگر جرح وتعدیل نشود اسباب زحمت وصدمه مردم خواهد بود و بعلاوه خیلی هم ظالمانه است وعوائدش هم نسبت بمخارجش خیلی کم خواهد بود و بعداز یکسال هم که گذشت آنوقت ملاحظه می‌فرمائید که عایدات خالصی که ازاین محل باقی میماند چیز غیرقابلی است.

بنده دیگر فعلا پیش ازاین عرض نمی‌کنم و بقیه عرایضم را در مواد عرض خواهم نمود.

جمعی اظهار نمودند - تنفس داده شود.

رئیس- باتنفس کسی مخالف نیست؟

حاج عزالممالك- بنده مخالفم.

رئیس- رأی میگیریم. آقایانی که با تنفس موافقند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس- تصویب نشد. آقای رهنما.

گویا چنانچه عالی صحبت کرده اید.

رهنما- خیر ولی فعلا عرضی ندارم.

رئیس- آقای حاج عزالممالك

(اجازه)

حاج عزالممالك - آقایانی که مخالفت فرمودند با مالیات بر عایدات هر کدام دلایلی داشتند که بنده بطور اختصار یادداشت وجوابهایشان را بعقیده خودم حاضر کرده ام که بعرض آقایان برسانم:

اولا بیاید داخل فلسفه مالیات شد که مالیات چه چیز است.

مالیات وجهی است که ازطرف اهالی یك مملکتی نسبت بتوانائی وبتناسب عایدات خودشان برای حوائج مملکت داده میشود این اصل را که قائل شدیم بعد بیائیم ببینیم لایحه که ازطرف دولت پیشنهاد شده (نه آنطوریکه شاهزاده محمد ولی میرزا باصول هو مطلب را بردند روی مسلك وغیره وهیچ اینطور نبوده برای اینکه این لایحه یك لایحهٔ نیست که ازطرف عده ماز وکلاء پیشنهاد شده باشد.)

آنوقت ببینیم این لایحهٔ دولت این فلسفه را داراست یانه البته اگر این فلسفه را داراست اول باصلش وارد میشویم بعد بجزئیاتش واگر یك فلسفه را نداشت با اصلش هم مخالفت میکنیم....

میرزا هاشم آشتیانی- آقا عده کافی نیست.

حاج عزالممالك - تشخیص عده باآقای رئیس است.

برای اداره کردن امور مملکت دولت افراد را مجبور میکند که کمك کنند برای اداره کردن ورفع احتیاجات مملکتی تا اینکه هیئت اداره کننده مملکت موفق شوند بادارهٔ هیئت اجتماعی...

رئیس- آقا عده کافی نیست.

حاج عزالممالك - میفرمائید بعد عرایضم را عرض میکنم.

رئیس- عده کافی نیست. بعد ازچند دقیقه مراجعت میکنیم.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس ازنیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس- آقای حاج عزالممالك.

(اجازه)

تدین - بنده پیشنهاد ختم جلسه را کرده ام.

حاج عزالممالك - بنده مخالفم.

رئیس- آقای تدین وآقای کازرونی پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود.

تدین- اجازه بفرمائید توضیح عرض کنم.

سرکشیك زاده - بنده با ختم جلسه مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

سرکشیك زاده - اساساً گمان میکنم غالب آقایان موافق باشند با ختم جلسه وخود بنده هم مخالفتی ندارم ولی فقط مخالفت بنده اینجاست که یك مخالفی دوساعت صحبت کرده وازانصاف خیلی دور است که یك موافق صحبت نکند. بعقیدهٔ بنده یك نفر موافق واو مختصر هم باشد صحبت کند تا درانظار یك قضاوت صحیحی بشود ومخالف وموافق هم خیلی هست.

رئیس - رأی می گیریم بختم جلسه آقایانی که بختم جلسه رأی می‌دهند قیام فرمایند.

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مطالب مهم دیگری هست ازقبیل خبر کمیسیون بودجه اگر تصویب می فرمائید در جلسات بعد قبل از تنفس این مسئله مطرح شود وبعد ازتنفس خبر کمیسیون بودجه. آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده خواستم تقاضا کنم که اگر مجلس موافقت کند رأی بدهند که بودجه مملکتی چون اهمیتش بیشتر است قبل ازتنفس باشد که اول مسئله بودجه باشد تا تکلیف آن معین شود بعد اگر خدای نکرده خیری دارد در وضع مالیات داخل شویم.

مقصودم این است که این مسئله بودجه مقدم شود.

رئیس - آقای تدین.

(اجازه)

تدین - بنده هم عقیده ام این است که راپرت کمیسیون بودجه راجع ببودجه کل مملکتی مقدم باشد و لایحه مالیات تصاعدی مؤخر چون مسئله بودجه هفت ماه است از سال گذشته و تازه راپرت کمیسیون بودجه آمده است.

البته این مقدم باشد بهتر است.

رئیس - آقای دامغانی.

(اجازه)

دامغانی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای سهام السلطان.

(اجازه)

سهام السلطان - بنده هم همین نظریه آقای تدین را داشتم.

رئیس - آقای رهنما.

(اجازه)

رهنما - دراین قسمت بنده مخالفم که راپرت مالیات تصاعدی بتأخیر بیفتد زیرا مذاکرات دراین دوجلسه بقدر کافی شده است ودرجلسه آتیه ممکن است برای قبل از تنفس خاتمه پیدا کند و اگر جزء دستور نباشد و ناقص بماند این چون یك مسئله مهمی است وبالاخره مجلس مهمترین وظیفه اش بعدالت رفتار کردن است.

ودرمسائلی که مطرح میشود تکلیفش به بیغرضی رفتار کردنست و امروز مسئله مالیات تصاعدی در تمام افکار عمومی یك اثر مهمی کرده که مجلس شورای ملی در این مسئله چطور قضاوت خواهد کرد.

حالا اگر ازدستور قبل ازتنفس آنرا خارج کنیم بالاخره مالیات تصاعدی تأخیر میشود و گمان نمی کنم صحیح باشد و بالاخره بنده موافقم که ابتدا مسئله مالیات تصاعدی وبعد ازتنفس بودجه مطرح شود.

خصوصاً امروز یکی از مخالفین دو ساعت وقت مجلس را در مخالفت گرفت وگفته شد ازنقطه نظر اینکه راپرت کمیسیون بودجه تحت طبع است مجال بدهند تا ازطبع خارج شده وآنرا پس ازحاضر شدن جزء دستور بگذارند.

رئیس - راپرت کمیسیون طبع و توزیع شده است.

آقای مشار اعظم

(اجازه)

مشار اعظم - بنده می خواهم عرض کنم وقتی کتاب را بازمی کنند ومی خواهند اول حمد وسپاس برخدای تعالی می کنند بعد بتمت الکتاب می رسند.

بودجه ومالیات هم برای مجلس مثل کتاب است که باید ازابتداء شروع کرد و یکی یکی جلو رفت تا آخر وآقایان موافقین باید این را فوز عظیم بشمارند که لایحه بودجه حاضر شده وبعنوان مذاکره در آن مجالتاً تا اندازه از مخالفت در لایحه مالیات تصاعدی منصرف می‌شویم.

بهرجهت عقیده بنده هم این است که ابتدا بودجه مملکتی را موردبحث قرار دهیم بعد از آن لایحه مالیات تصاعدی جزء دستور شود.

رئیس - رأی می گیریم باینکه دستور جلسهٔ آتیه خبر کمیسیون بودجه راجع ببودجه کل مملکتی باشد.

آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

اسامی آقایان اعضاء کمیسیون اقتصادی ازقراریست که عرض می کنم.

آقای تقی زاده، مصدق السلطنه، آقای ارباب کیخسرو، آقای مقوم الملك، آقای رئیس التجار، آقای دولت آبادی، درجلسه آتیه کسری کمیسیون هم انشاءالله انتخاب خواهند شد.

(مجلس سی وپنج دقیقه بعدازظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای مؤتمن الملك

منشی - علی اقبال الممالك

منشی - معظم السلطان

جلسه هشتاد ویکم

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه بیست و یکم عقرب یکهزار وسیصد سه مطابق پانزدهم ربیع الثانی یکهزار وسیصد و چهل وسه

مجلس یکساعت ونیم قبل ازظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

صورت مشروح یوم سه شنبهٔ نوزدهم عقرب را آقای میرزا جواد خان قرائت نمودند)

رئیس- آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب- بنده دوعرض دارم یکی درصورت مجلس است یکی بعداز تصویب صورت مجلس اما آنکه راجع به صورت مجلس است.

آقای مدبر الملك را غائب بی اجازه نوشته اند ایشان مریض هستند اطلاع هم داده بودند حالا بکمیسیون نرسیده است نمیدانم.

رئیس- یادداشت بدهید بکمیسیون فرستاده شود.

آقای غلامحسین میرزا

(اجازه)

غلامحسین میرزا- بنده بعد از صورت مجلس عرض دارم

رئیس- گویا درصورت جلسه مخالفی نباشد.

(اظهاری نشد)

رئیس- آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب- بنده خیلی مایل بودم حالا که هیئت دولت هم تشریف میآورند متذکر شوم که البته همه ما ها مستحضر هستیم اتومبیل تازه درتهران جریان پیدا کرده وسابق براین نداشته است.

وخیلی بموقع است که ازطرف بلدیه یا نظمیه برای سیر اتومبیلها درخیابانهای شهر ترتیبی داده شود و این ترتیب فعلی حقیقتاً وحشت آور است.

درممالك متمدنه وشهرهای بزرك دنیا اتومبیل بهترتیبی حرکت میکند که باعث وحشت واضطراب نیست ولی اینجا برعکس طوری حرکت میکند که اسباب زحمت مردم را فراهم میآورد

مثل قتلی که پریروز واقع شد که خیلی اسباب تأسف وتأثر است.

ویکی ازجوانان قابلی که خیلی بعالم مطبوعات خدمت کرده بود بهمین واسطه مرحوم شد

همینطور دیگران لهذا خواستم مقام محترم ریاست مجلس ونمایندگان محترم را تذکر بدهم که بدولت یابتوسط وزارت داخله به نظمیه یا بلدیه تذکر بدهند که از این حرکت متهورانه اتومبیلها جلوگیری بشود که خیلی باعث زحمت مردم را فراهم کرده است

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس- آقای غلامحسین میرزا

(اجازه)

غلامحسین میرزا - چندی قبل کمیسیونی ازطرف مجلس انتخاب شد برای تجدید نظر درقانون انتخابات ولی هنوز معلوم نیست که اعضاء محترم کمیسیون چه اصلاحاتی را درنظر گرفته اند لذا خواستم از رئیس کمیسیون تقاضا کنم بعرض نمایندگان برسانند که بالاخره برای این قانون چه اصلاحاتی را درنظر گرفته اند

رئیس- آقای شیخ الاسلام

(اجازه)

شیخ الاسلام- کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات کارش را تمام کرده است ولی چون آقای حایری زاده مخبر کمیسیون مسافرت کرده اند وبعضی راپورت ها نزد ایشان مانده است معطل رسیدن آنها هستیم البته پس ازرسیدن راپورتها خبر کمیسیون بمجلس تقدیم خواهد شد

رئیس- آقای افشار

(اجازه)

آقامیرزا رضاخان افشار- نظر باینکه بودجه کل مملکتی امروز در مجلس مطرح خواهد شد قبل ازاینکه وارد در دستور بشویم بنده اشکالی دارم و میخواهم از مخبر محترم کمیسیون بودجه سؤال کنم...

رئیس- حالا موقعش نیست. آقای سالار لشکر

(اجازه)

سالار لشکر- عرضی ندارم

رئیس- خبر کمیسیون بودجه راجع به بودجه مملکتی مطرح است

وزیر فوائد عامه- درچندی قبل لایحهٔ راجع بتمدید مدت اوله نفت تقدیم مجلس شورای ملی شده بود نظر باینکه اخیراً موفقیت حاصل شد که درشرایط آن بهبودی حاصل شود لهذا لایحه اولی را مسترد نموده ولایحه دیگری تقدیم میکنم

رئیس- درضمن مذاکرات دربودجه آقایان کسری کمیسیونها را انتخاب بفرمائید آقای شیروانی وآقاسید یعقوب بایدتشریف ببرند بیرون

شیروانی- بنده اجازه گرفته بودم برای نطق.

رئیس- شخص سوم هستید

شیروانی- شخص دوم هستم

رئیس- درموقعش اطلاع داده میشود انتخاباتی که باید بشود: کمیسیون داخله دونفر. کمیسیون معارف یکنفر. کمیسیون نظام یکنفر. کمیسیون عدلیه یك نفر

این مرتبه سوم است که انتخاب میشود کمیسیون نفت سه نفر ودفعه دومش خواهد بود.

آقای ضیاءالواعظین

(اجازه)

ضیاءالواعظین- راپورت کمیسیون محترم بودجه راجع ببودجه مملکتی مطرح است

قبلا ضرور است که عرض کنم بودجه یعنی چه؟ بودجه عبارت است از جمع و خرج

ازعایدات ومخارج

یك ستون عایدی یك ستون مخارج

بودجه یك مملکت عبارت است از جمع کردن عوائد معینه وخرج کردن آن عوائد در مصرف هائی که برای صلاح و صرفه وآبادی مملکت لازم است

پنج قلم ده قلم

صد قلم کمتر یا بیشتر درستون عایدات جمع میشود آنوقت وزارتخانه ها وادارات دولتی مملکت صرف آبادی وترقی مملکت میکنند

بودجه تقدیم مجلس شورای ملی میشود برای اینکه نمایندگان ملت خوب دقت کنند که عایدات ازچه محلی تحصیل میشود و این عایدات که تحصیل میشود ازمردم گرفته میشود

بنده تصور می کنم قبل هر چیز لازم است مجلس بنظارت نامه خودش را در ستون عایدات را مراعات کند که از کجا جمع میشود واز چه محلی بخزانه دولت تسلیم میشود

و این عایدات در قسمت اول بودجه نوشته میشود تا مردم بخوانند و ببینند که فلان قلم و فلان قلم تسلیم خزانه شده بعد در قسمت دومش مخارج نوشته میشود تا از آن هم مستحضر شوند

این اولین وظیفه مهم مجلس ایران وسایر پارلمانهای دنیا است که نظارت نامه درجمع و خرج مملکت داشته باشند که عوائد از چه محلی تحصیل شود که اسباب ضعف ملت

اسباب ضعف یکطبقه ازمردم فراهم نیاید

ودرمحلی خرج شود که درست صرف اصلاحات و آبادی مملکت بشود

این وظیفه مهم مجلس شورای ملی است

یعنی وقتی که دولت یکصورتی تقدیم مجلس میکند که فلان قدر عائدی از فلان محل

فلان مبلغ ازفلان ممر

مجلس باید نگاه کند وببیند که این محلی را که دولت از آن عایدی تحصیل می‌کند اسباب ضعف مردم

اسباب بی چیزی مردم

اسباب فقر وفلاکت مردم میشود یا نه

و آیا این مالیات از عموم افراد بطور تساوی اخذ میشود یا نمیشود وباید مجلس که نمایندگان ملت در آنجا جمع میشوند نظر نمایند وببینند هرچه گرفته میشود از یك طبقه بخصوص است یا از عموم است نه اینکه یك طبقه ویك قسمت ازمردم این مملکت تمام مالیات را بدهند

عایدات مستقیم را یك طبقه بخصوص بدهند

همان طبقه عایدات غیرمستقیم بدهند همانطبقه خانواری بدهند

همینطور سایر قسمتهای دیگر راروی دوش یك قسمت ویکدسته ازمردم بگذارند این غلط است

مجلس باید نگاه کند وببیند که در این صورت اسباب ضعف مردم اسباب فقر و فلاکت یك دسته ازمردم فراهم میآید

انسان وقتی که یك عضو عمده بدنش ضعیف شده از حرکت بازمیماند

ملت هم که میرمی کند خزانه دولت را ملت که مصارف دولت را بعهده میگیرد ومیرساند بایدهمانطور که امروز مالیات بخزانه دولت میدهد

عایدی بدولت میرساند فردا هم بدهد

فردا هم باید زنده بماند

بایدحال داشته باشد تابتواند عایدی تحصیل کند وبدولت بدهد

نه اینکه یکطبقه دیروز یك خانه داشته اند خانه شان درنتیجه فشار زیاد نباشد از دستشان برود ومالیات بدهند

بسیارخوب. خانه را از کف دادند ورفتند بیك خانه کرایه یك مال هم داشتند مالشان رابردند بوته آوردند دم دروازه یکجا مالیات باربدهند یکجا مالیات الاغ بدهند و اقسام مختلف دیگر مالیات (که برای آقایان نمایندگان محترم شرح میدهم) وقتی که آمد بخانه اش چیزی ندارد که برای خودش اندوخته کند آنوقت شما متوقع پرداخت مالیات هم هستید دیگر چیزی برایش باقی نمانده موقع پرداخت مالیات هم بایستی مالش را بفروشد ومالیات بدهد

فقط برایش می‌ماند یك طناب و یك تیر.

این تیر را میبرد صحرا و چهارمن بوته میکند که بفروشد وزندگی کند مالیات هم بدهد بسیارخوب

www.iran-archive.com

امسال‌هم توانست این بوته رابیاورد بشهر وبفروشد قرداچه کند؟

پس باید مجلس شورای ملی آنقدر مراقبت کند که طناب این آدم ، اره این آدم ، تیشه این آدم اقلا محفوظ بماند تا بتواندزندگی کند .

همانطور که ما امروز بودجه مان را تأمین کردیم فردا هم باید تأمین بشود همانطور هم باید درنظر بگیریم که سال دیگر دوسال‌دیگر ، صدسال دیگر هزار ها سال‌دیگر خدا بخواهد بایستی بادبعلم این مملکت بوزد

ملت هم زنده باشد پول‌بدهد ودولت خرج کند واسباب آبادی مملکت‌رافراهم بیاورد .

اینجا قلم‌اول عایدی درستون‌عایدات نوشته شده .

مالیات‌مستقیم نقد سه میلیون وهفتصد وبیست وپنج هزارتومان .

یك قسمت از این مبلغ راازرعین ومالکین وقسمت دیگرش را از اصناف‌می گیرند که حالا مطابق لایحه که خوددولت تقدیم مجلس شورای ملی کرده است‌شرح میدهیم واین‌لایحه را جلوی‌چشم‌میگذاریم وقلم بقلم عرض میکنم

مجلس شورای ملی وقتیکه ستون مالیات مستقیم را تصویب میکند وموقعیکه باین‌فقره رأی گرفته میشودوهمه‌برمیخیزند و رأی میدهند معنایش تصویب این قسم مالیات است .

دوسه روز قبل یادم میآید یکی‌از نمایندگان محترم قدری وزارت مالیه را در تحت فشار خودش قرار داده بود می گفت ،

وزارت مالیه یعنی اداره چنگیزی و ببینید این اداره چنگیزی بمردم چه می کند .

ولی قانون اساسی مجلس‌شورای ملی یك نماینده حق میدهد که هر وزارتخانهٔ که بمردم اذیت میکند آن وزارتخانه را تحت سؤال واستیضاح درآوردوزارت‌خانه هم جواب میدهد

آن چیزی راکه شما دست من می دهید من موافق آن میگیرم شما یك قانونی تصویب میکنید وبمن میدهید منهم بایداجرا کنم واگر ازعهده وصول‌وایصال مالیات برنیایم که شما درب وزارتخانه را می‌بندید .

درستون اول عایدات تصویب می کنید فلان قدر مالیات مستقیم ومنهم باید آنرا وصول کنم اول بمردم اخطار میکنم که فلان وقت بیائید مالیات بدهید اگر ندادند مأمور میفرستم باز اگر ندادند به نظامی محل میگویم بگیرد واگر ندادند بقرمایش یکی از نمایندگان کاه دود در خانه‌اش برپا میشود .

پس من باید این را وصول کنم اگر نتوانستم بگیرم آخرسال کسر بودجه پیدا میشود وآنوقت یك لایحه بالابلندی میآید روی این تریبون برای‌قرض .

خیلی‌خوب شمانصویب‌میکنیدمالیات مستقیم فلان قدر مالیات مستقیم چندین‌قلم است که‌مستقیماً ازمردمان فقیر وبی‌بضاعت وبی‌چیز گرفته میشود

حالا من دراینقسمت وارد نمیشوم که فرمایشات نماینده محترم راکه درموضوع لایحه مالیات تصاعدی میفرمودند تعقیب کنم وجلوی‌چشمم بگذارم .

خیروارددرآن‌قسمت‌نمیشوم که‌تصدیق کنم یا تکذیب کنم که مالیات راهمه‌میدهند یا یك‌قسمت‌ازمردم بسیارخوب بنده‌تصدیق میکنم که مالیات مستقیم را غنی‌میدهد فقیر هم میدهدوهمانطور که‌ازفلان‌قوی مالیات میگیرند ازفلان ضعیف هم میگیرند اگر ضعیف نداد حبسش میکنند نظامی درب خانه اش سرنیزه میگذارد ومیگیرد اگر قوی‌هم نداد درب خانه اش‌که دودمیکنند وبسیارخوب .

این را تصدیق میکنم که ازهمه‌بطور مساوات گرفته‌میشودولی‌وقتی که ما مالیات اصناف را جلوچشممان میگذاریم می‌بینیم یك محل معینی که‌ازبین رفته درهر ایالت وولایت هنوزمالیاتش‌را میگیرند .

بنده واقعاًاجازه میخواهم عرض کنم وزارت مالیه گناه ندارد .

وقتی‌یك ستون عایدی‌بدستش‌میدهید میگوئید ازهمراه که میدانی این پول را تحویل‌بگیراو میگوید آقایان من اداره چنگیزی‌نیستم؛

یاسائی‌چنگیزی‌این‌قانون‌بودجه‌ایست که شما بدست من میدهید قانون بودجه یاسای چنگیزی .

من هم نوکرومطیع هستم . میروم مطابق این‌یاسا ازمردم میگیرم‌اول مالیات اصناف .

قلم اولش صنف بزاز است موضوع صنف بزاز را اگربخواهم شرح بدهم که ازبزازهای قدیم‌یا بزازهای حالیه‌حالشان دربرابرچشم وزارت مالیه چطور است اطلاع درستی‌ازاین قسمت ندارم وعرض نمیکنم .

قلم دوم مالیات علافبند است همه میدانند که درقدیم یك‌صنف سرمایه‌دار یك صنف بااآبروو با سرمایهٔ کمدر ایران بود علافه بند بود که درکاشان . یزد . کرمان گاهی‌هم در شیراز کارخانه‌های ابریشم سازی داشته وعلافه بندها ابریشم تهیه میکردند وآنوقت هم مردم‌چشمشان باین چرخها و ریسمانهای فرنگی نیفتاده بود .

میرفتندابریشم‌ها را میگرفتندولباس میدوختند .

درست‌هم یادم میآید که لباس‌رهائیها که از برایشان تهیه میشد خیلی‌لباس قشنگی‌بود که‌چندین راه با ابریشم دوخته شده بود .

خلاصهٔ علافه بندی یك‌صنف بسیار خوبی برد مرحوم کریم‌خان‌یك باراری‌در شیرازساخته است که قسمت عمده‌اش‌بازار علافه بندها است شایدآقایانی که ازشیراز آمده باشند بدانند که هنوزهم معروف‌به بازارعلافبندها است .

دست غیب ـ صحیح است

ضیاءالواعظین ـ یك صنف مهمی بودند ولی‌امروزاین‌صنف بکلی از بین رفته اند .

حضرت آقای‌حاجی‌دست‌غیب‌تصدیق کردند گویا بازار علافه بندهای شیراز یادشان است ولی امروز آن بازاربر شده است ازکال کوزی فروشی . باره دوزی . پنبه دوزی . نعلبندی . یك‌صنف دیگری هم درشیرازهست که اسمش نظرم نیست بوشال درست میکنندواین جا نمیدانم‌هست یا نیست .

این بازاربرشده است از این دکانها وعلافه بندها بکلی ازبین‌رفته وبی بضاعت شده اند یك مالیاتی از صنف علافه بند گرفته میشدوبجزجمع آمدومیگرفته‌اند. حالاهم همانطور گرفته میشود . از کی میگیرند؟آنها که ازبین‌رفته اند .

ازیك بیچاره که درچالمیدان‌روی‌یك سکوئی‌نشسته‌ویك‌توپ‌سنجاق ویك‌خورده ریسمان وچهارپنج قلم چیزهای عجیب‌و غریب بدیوارآویزان کرده است تمام این مالیاتی که دراین‌شهراز علافه بند گرفته میشده درست‌تقسیم‌شده بین همین‌سه‌چهارتا دکان پهلوی چالمیدان و عودلاجان‌یا در شیرازپهلوی‌محله‌قصابخانه که سابقاابریشم درست‌میکردند یا جاهای دیگر که‌چهارتا دکان هست . تمام را از این ها میگیرند یااز آن بدبخت بیچارهٔ که یك‌توپ سوزن وسنجاق داردودوزه میگرددوصدا میکند سوزن وسنجاق .

امروز تمام‌این مالیات ازاینها گرفته میشود .

این بیچاره‌هاضعیف شده‌وسرمایشان ازبین رفته مالیات دولت راهم بایدبدهند اگر هم‌ندارد مالیه میفرستد دم خانه‌اش میگوید آقااین مالیات را بده.اگر داد خیلی خوب .

اگر ندارد درقه‌دوم‌یك‌مأمورخوش اخلاق پدرداری میرود مطالبه می‌کند دفعه سوم میبرندش به‌نظمیه که باید این مالیات رابدهی والاحبس میشود آنوقت زن این بیچاره مادر و فرزند این بیچاره بدبخت میآیند درب خانه فلان نماینده بی اختیار دارد و بی‌داد و گریه میکنند نماینده‌هم‌دلش میسوزدمیآیدپشت‌تریبون میگوید اداره چنگیزی .

(یعنی وزارت مالیه)

فلان طور کرده . من میگویم خیر وزارت مالیه اداره چنگیزی‌نیست .

یاسای چنگیزی این قانون بودجه‌ایست که شما بدست وزارت مالیه میدهید. یك قسمت دیگر سمسار است که در این شهریك صنف آباد ومعمور و سرمایه‌دار وباآبرو بودکه حالا از کف‌رفته‌وفقیروبی بضاعت شده‌اند .

صنف دیگر مسگر است که‌درایران یك‌صنف مهمی بوده چون آنوقت‌ظروف بتی وبلور نبود ومردم چیزدارظروفشان همه ازمس بوده وبازار مسگری کاشان در افسانه هاصدایش خیلی‌راه میرفت .

مسگر خیلی‌صنف مهمی بوده است وخیلی هم‌آباد وباآبرو بودند ومس را از خاك‌خودشان بیرون میآوردندوظرف میساختند ومیفروختند .

مالیات هم میدادند ولی امروز اگر شماخانهٔ بنده بیائید هرگاه ظرف مس جلویتان بگذارم‌رویتان رابر میگردانید. درخانه فلان غنی‌هم که بروید اگر درست نگاه کنید دوتاظرف مس گیر نمیآید مگر دوتا دیگی چیزی و تمامش چینی و بلور است درخانهٔ بنده‌هم اگر بیائید و ظرف مس جلویتان بگذارم‌یك‌نگاه‌غریب عجیبی بآن میکنید .

بکلی مس‌ازبین رفته است .

آنوقت چه‌چیزازاین صنف‌باقی‌مانده باقی مانده چهارتا بیچاره که یك کوله‌بار مس‌روی دوششان هست ودر محلات شهر ودهات وولایات میروند و صدا میکنند سفیدگر .

آنوقت فلان پیرمزد ۴شاهی‌چهار شاهی میدهدکاسه‌اش راسفید کنندبعد یك مالیات سنگینی یعنی همان مالیاتی که از صنف مهم میگرفتند آنرا ازاین چهار تا سفیدگر بیچاره میگیرند .

بسیار خوب این سفیدگر امسال توانست یك‌قدری ازظروفش را بفروشد زمالیات بدهد سال دیگر هم کمیسیون بودجه تصویب کرد .

یعنی درستون عایدت‌رأی دادو کلاه هم تصویب کردند ودادند دست وزیرمالیه اوهم رفت‌ازمسگر بگیرد .

آن بیچاره که دیگر چیزی ندارد باید کلاهش را بفروشد فرداهم کلاه‌ندارد باید به‌نشیند سر کوچه‌و گدائی اداره‌بلدیه همیکی از افتخارات مهمش که حقیقةقابل تقدیر هم‌هست این است که‌یك‌دارالعجزه درست کرده

بسیار خوب . این بیچاره میرود دارالعجزه .

وکیل هم حق‌دارد نان‌برایش‌نان‌درست کند .

مردم هم‌حق دارند براش‌نان‌درست کنند .یااینکه این شخص بدبخت مریض شد آنوقت چه بکند ؟ نمیدانم آقایان‌از کنار این خیابان نظامیه عبور کرده‌اند که یك بیچاره سر تاپایش زخم شده و روی خاك افتاده است اگرازاین بیچاره‌تحقیق

کنید اول سفیدگر بوده است حالابیچاره مریض شده وهمه چیزش از کف رفته داوالعجزه‌همه‌او را نمی‌پذیرندواین‌بدبخت باین حال فلاکت درخیابان افتاده است . این آدمیکه‌از کف رفت

این آدمیکه بی‌چیز شد .

فکر کنید این یکنفرچه لطمهٔ بنفوس مملکت‌تاصدسال دیگر میزند . یکنفرآدم. یك‌زن .

فکر کنید امروز برای مملکت‌یکی است . صدسال بعد اگر خوب توجهش کنید . آب بلدیه‌اش رادرست کنید . هوای خانه‌اش راخوب کنید . زندگانیش را مرتب کنید

ده میلیون نفوس میشود بشرط اینکه اسباب کارش رادرست کنید .

اگربیست وچهار ساعت‌دوازده‌ساعت کار نکند . هشت ساعت منظم کار کند .

یك‌تکه نان‌هم داشته باشد پهلوی عیالش براحت زندگانی نماید بعد از ده سال .

صدسال این یك‌آدم ده میلیونست .

آنوقت ده میلیون برای یك مملکتی اسباب عظمت وآبادی آن‌مملکت است . امروز که آن یکنفر از کف رفت‌مثل این است که ۱۰ سال بعده میلیون نفوس از بین رفته است .

آنوقت این یاسای‌چنگیزیرامیگذارند جلوی ماتصویب کنیم .

بعداز مسگر میگذاریم میرسیم بنمد مال یك صنف بزرگی بوده (هیچ‌ضرری هم‌ندارد یك روزبرای این موضوع‌صحبت کنیم) این نمدمال سابق چه‌بوده؟ کلاه . فرش درهرخانهٔ که میرفتند فرش‌نمدمفت‌لا شش‌لا . چهارلا . دولا . فرشش نمد . همه چیزش‌نمد . عبای های نمد .

نازك که‌واقعاً انسان میتوانست‌بپوشد هنوز هم درتبریزواصطهبانات شیرازدرست میکنند .

عباهای‌نمدبسیار صحیح درست‌میکردند که واقعاً ازعباهای امروزخیلی بهتربود . بهرصورت یك‌صنف مهمی بوده و مالیات هم‌میداده است .

امروز از بین‌رفته است . یك صنف مهم نمدمالی هم‌در دماوند بوده که‌از کف رفته . امروز منتها چهارپنج تا کلاه‌مال‌در تمام شهرپیدا کنند مالیات نمدمالها که از کف رفته‌اند انداخته‌اند روی کلاه مال . مالیات خودش کم بوده است این‌راهم‌روی آن انداخته‌اند .

مجلس‌هم باید تصویب کند .

تصویب هم نکنیم . بسیار خوب میگویندعایدی‌نداریم . مخارج‌هم‌هست . باید قرض کنیم . یك‌قسمت‌دیگر آهنگر . امروزدنیا دنیای‌آهن است .

امروز که سعادت هرملتی‌روی آهن گذارده شده .

هرملتی که‌آهن‌پاره بیشتر داشته‌باشد . هرملتی که‌آهنگر بیشتر داشته‌باشد سعادت آن ملت زیادتراست .

امروزما نگاه میکنیم میبینیم صنف آهنگر یکلی‌ازکف رفته ویك چند ثانی باقی‌مانده آنهم بجای بیل‌وداس‌وچکش‌یا آن‌بازارخرابیکه اینجا دارند .

بلدیه هم هیچ نگاه ببازار آهنگرها نمیکند که یك دود کش درستی‌برای آنها نیست وتمام دود ذغال‌میخورند . از من از آنطرف رفته‌ام‌خوب یادم است . دوددذغال سنك ودودهای دیگربقدری در آن بازار پیچیده که هرآهنگری راکه نگاه کنید میبینیدمسلول‌بیچاره . بدبخت . آنجاافتاده . هرسال‌هم که میشودمیروند میگویندبیائید استادآمده چه خبراست؟

مالیات میخواهند اگر ندهید اسباب زحمت است .

آنها هم درب دکانرا میبندندومیروند درخانه فلان نماینده بست مینشینند . این عافیتش است . یك‌صنف دیگر که یك‌قلم درشتی دارد صنف چلنگر . همینکه قفل درست میکند .

آقای طهرانی هم یکروزی راجع بقانون علائم صنعتی بودکه راجع‌بقفل‌ساز وچاقوسازیك شرح مفصلی‌اظهار کردند . بنده هم با همان شرح وبیان‌آقای‌طهرانی عرض میکنم .

یك‌صنفی که‌قفل وچاقودرست‌میکند . یکدسته کلید پنج‌متی‌روی‌شانه‌اش گذارده است دوساعت بعد از ظهر شما از مجلس فراغت حاصل میکنید و میخواهید بروید خانه توی آفتاب یا سرما و باران صدا میکند کلید درست میکنیم .

آنوقت سرسال‌مأمور وزارت مالیه بالای سرش ایستاده است که با پول‌بده دستهٔ کلید را باید ببرد بسقا خانه‌یاامزاده تمام را ببندد وخودش هم بست‌بنشیند . این هم‌از کف رفته چکار کنیم؟ وزارت مالیه چکار بکند؟

اینجا صدوپنجاه وشش‌تومانش کم آمده باید جای‌این را درست کرد . خوب ببینیم از فامیل قفل چه چیز میتوانیم پیدا کنیم .

از فامیل قفل نعل است . از فامیل قفل آهن پاره است آنوقت یك مالیات نعلبندی که داشتند یك مالیات نعلگری‌هم دراینجا نوشته شده اند یعنی وقتی دیدند صنف قفل‌ساز‌از بین‌رفت ولازم شد که برای این صدوهفتاد و پنج تومان محل‌پیدا کنند . چه کنیم؟ می‌بینیم؟ ازفامیل نعل‌میشود چیزدیگر درست کرد یعنی بجای(گر(بر) میگذارند و مالیات نعلبری‌هم درست میکنند .

این‌هم‌شد یك صنف‌دیگر که‌مالیاتش را باید بپردازد .

آنوقت شما نگاه میکنید می بینید یکجا نوشته نعلبند . یکجا نوشته نعلبر . یکجا نوشته نعلگر

اینقانونست‌جلویتان نگاه کنید . بنده هم اگر آقایان خسته شده اند معذرت میخواهم)

بعدازمالیات قفل‌مالیات‌نعل‌چیگراست امروز که‌خیلی سعی‌میکنندنعل‌محکم‌روسی باشد .

در یك همچو موقعی روی نعلچیگر یك مالیات‌سنگین معین کردند .

بعد کلاهدوز .

کلاهدوز آنهم نه‌آنکه‌درخیابانست وحضرتعالی تشریف ببرید کلاه میخرید آن کلاهدوزهای قدیم که حالا نمونه اش توی آن بازار پهلوی میدان‌کاه فروشها است که ازآن هرقچینهای قدیمی درست می کردند .

الان این کربلائی برادر من که درخیابان لاله‌زار تشریف دارند وحضرت عالی تشریف میبرید پیش او و یك کلاه میخرید پانزده قران ، دو تومان ، یك تومان .

نمیدانم مالیات میدهد یانه ؟ ولی‌آن بیچارهٔ که عرقچین درست میکرد آن مالیاتیکه دربودجه صدسال قبل‌میداد حالا هم بایدبدهد؛

همینطور هم میپردازد ، نعلبند مالیه چنگیزی ازش میگیرد .

امروز وزیر مالیه‌باید واقعاً خیلی‌ممنون باشد اینهم کلاهدوز .

بعد زرگر .

زرگر هم آنهائیشان کطلا و نقره وجواهرات دارند وامیدواریم داشته باشند مالیات بدهند .

دیگر خیاط .

بازهم همان خیاطهای قدیم که قبای قداف میدوختند .

توی صنف یك رویه واسلوب و ترتیباتی است که روی آن عمل میکنند من حالا هم نمیگویم که بایداز آن خیاط لاله‌زاری بگیرید .

خیر اگر بناست گرفته شود باید از همه بطور تساوی بگیرند و اگر مجلس تصویب کرد باید باهمان کسیکه عرقچین میدوزدعلی‌التساوی بدهند .

چاقو ساز ، سراج ، امروز که یك سراج‌درتمام طهران نیست .

امیراحتشام ـ خیلی‌هست .

ضیاءالواعظین ـ زین را از فرنك می آورند .

دهنه‌را از فرنك میآورند . کیف روی میزشمارا ازفرنك میآورند

کیف‌دستی . کیف جیب . کیف توی بغلتان‌را ازفرنگستان‌میآورند هرچه راجع بسراجی است از فرنگستان می آورند .

خدا عمر بآقای ارباب بدهد که رفته‌اند یك دکان سراجی پیدا کرده اند که از این کیفهای اینجا درست میکند خریده‌اند پهلوی اوراق سفید و سیاه گذارده اند والا بنده و شما وقتی بازار میرویم میگردیم کیف فرنگی پیدا کنیم .

حالا آمدیم روی شیرینی سازی‌چند قسم مالیات از شیرینی‌ساز میگیرند .

کلوچه‌پز ، مالیات کماج‌پز ، مالیات حلوایز ، مالیات قنادهم بعد همینطور می رسد آنهم باید مالیات بدهد

حلوا پز می‌بینید درفلان محله یکی هست که شیره وحلوا درست میکند مرتبا باید مالیاتش رابدهد

ولی راجع بمالیات تصاعدی آن‌یك موضوع دیگریست اسمش را هم نمیشود آورد .

اما مالیات کمش‌دوز نگاه کنید اینجا نوشته ،

کمش‌دوز-آنجا نوشته : ساغری‌ساز از او هم یك مالیات میگیرند که در قدیم بوده وحالا نیست .

در ایالات وولایات هم شاید دو تا سه‌تا باشد آنهم برای زنهای دهاتی بی چاره تمام مالیاتی راکه ازشان گرفته‌میشد میگیرند . چقدر؟ پانصدتومان .

درطهران که نیست (شاید در شیراز ویزد وکرمان چندنفری‌باشند)

آنوقت این مالیات را از این‌چهارتا پنج‌تا میگیرند .

اسمش هم مالیات مستقیم است و دستشانست می‌آورند اینجا و کمیسیون بودجه هم تصویب میکند .

اینجا هم میگویند :

صحیح است ، مالیات صباغ

مالیات رزاز .

مالیات صنف آش پز

یکطرف‌چرم‌دوز (همنطور میخوانم)

کوزه فروش .

مالیات صنف کوزه‌گر .

مصار ، آجیل فروش ، مالیات بلور فروشی .

مالیات پالاندوز .

مالیات جوراب باف

مالیات حلوائی وشیرمپز بازیکی

مالیات حلاج

ازحلاج هم مالیات میگیرند ،مالیات چه بساز . . . . .

یکنفر از نمایندگان ـ خوانده‌اید

ضیاءالواعظین ـ بلی خوانده ام باز هم میخوانم نذر کرده‌ام بخوانم

مالیات شالباف اما کدام شال ؟بنده تحقیق کرده‌ام شالهائی که برای پالان و غیره لازم می‌شود از آن قسم یك مالیات مخصوصی گرفته میشود که در سال باید بدهند .

www.iran-archive.com

مالیات رواف که نفهمفدم چیست

مالیات ریسمان باف •

اصلا ریسمان باف درطهران وایالات وولایات نیست •

مالیات دوشاب ساز •

مالیات فخار •

آنجا کوزه فروش بود اینجا فخار •

مالیات گبوه فروش •

مالیات مکاری •

مثلا دربهبهان وسیوند یافلانجاسابقاً یك مکاری بود که دوتا قاطر داشت بـا آنها بار برمیداشت از شیراز باصفهان و بار خراسان را هم می‌بستند و زیارت هم می‌کردند •

بسیار خوب • عایدی زیاد داشتند مالیاتی‌هم ازآنها گرفته میشد

حالا بکلی از کف رفته اند و باید از پنج شش‌تا این مالیات وصول‌شود • مالیات موتاب مالیات سنگینی است ،چون اینجا کاملا ثبت میشود عرض میکنم

مالیات نقاش ، مالیات آئینه ساز - (خطاب بآقای سالار لشکر) نمیدانم این طور اظهار تعجبی که میکنید از چه نظر است ؟

مالیات اطو کش ،مالیات آرد فروش

مالیات باغبانی •

مالیات بارون کوب ، بناء ، خشت‌مال بنکدار ، پاره‌دوز ، پینه‌دوز ،تخمه فروش تره‌بارچی که سبب پاکلابی یافالان میوه‌بار می کند •

یك‌جا مالیات باغستان را میدهد یك جـا مـالیات باغبانی • یـك جـا هم تره بار چی •

مالیات تـوتـون فروش ، زارع ، آسیابان ، دباغ ، چرمساز •

مالیات دوانگر ، مالیات صابون‌پز ، مالیات علاف، مالیات قناد همینطور ٤٨٥ قلم است •

قهوه‌چی ، کلاه‌مال ،کبابی ، قصاب شمشیر گر ،گاوکش ،نساج ، زغال‌فروش تا اینجا آمده است آخرش نعلبر •

قسمت صد وسی ونه مالیات نعلبر ، دهنه‌گر میخ‌بر ، آهربز ، چینی بندزن ساعت ساز ، طایفه نیاکی •

اینهم یك‌مالیاتی‌است اگر من‌نماینده مازندران بودم میدانستم مالیات نیاکی‌چه چیز است •

خـدا قسمت کند انسان یـك سفر کند بمازندران صدهزار قسم مالیات آنجا هست مالیات نیاکی هم راجع بمازندرانست •

مالیات شکر قرمز با اینکه باید مساعدت‌وتشویق‌بشود ومالیات‌ازشان‌نگیرند واین شکر را ترویج بکنند و خریدارش زیـاد بشود بآنهم مالیات بسته‌اند وخیلی هم‌زیاد است ودر مازندران هست، مالیات مقنی، این قسمت اولش مالیات مستقیم‌بود که‌وزارت مالیه یعنی همان‌اداره چنگیزی دلش سوخته اینها رادسته کرده آورده تقدیم مجلس‌کرده میگوید : مجلس - شورای ملی •

شمابیائید یك‌محل خوبی‌معین کنند• تا اینها راباسرنیزه ازمردم نگیریم•

آنوقت یك‌قسمت دیگر عایدات از مالیات خالصجاتست •

آقایانی که‌ملك‌دارند(که‌خداملکشانرا زیاد کند) وآقایانی که زراعت دارند‌بهتر میدانند که هرقدربیشتر سر کشی بخالصجات بشود •

هرقدر بیشتر پول صرف زمینش ، صرف گاوش ، صرف زراعتش بشود‌بهتر میتوانند ازآنجا عایدات بردارند• مالیات خانواری: چندروزقبل‌از این آقای‌پاسائی یك لایحه تهیه کرده بودند که این‌مالیات خانواری از بین برود بنده هم با کمال افتخار امضاء کردم •

مالیات خانواری یعنی‌چه ؟الان‌آقای وزیر مالیه ومعاون محترم مالیه اینجاتشریف دارند سایر آقایان وزراءهم‌تشریف‌دارند بفرمائید مالیات خانواری یعنی• یك جا مالیات زراعتش را میگیریم•

یکجامالیات باغشرا میگیریم،مالیات باغبانیش را میگیریم•

مالیات تره‌بارچیش رامیگیریم،مالیات میدانش را میگیریم مالیات میوه‌اشرا میگیریم•مالیات خانواری هم‌باید بدهد• این مالیات سابقاً معمول بوده است که سرباز ازدیهی میگرفتند حالاهم آن‌پولی که ازآن ده بابت آن سرباز میگرفته‌اند مالیات شده•

چقدر؟ هفتادهزار تومان•

زعیم- این نقدش است•

ضیاءالواعظین - بلی، هفتاد هزار تومان نقد، جنس‌هم‌علی‌حده است•

یکی دیهی که یك‌وقتی‌سرباز میداده است برای این سرباز هـا آذوقـه لازم بوده است•

یك‌چیزی ازآن دیه گرفته میشده •

حالا مالیات خانواری شده • بعد می‌آید مالیات غیرمستقیم•

مالیات غیرمستقیم هم همان شرحیست که وزارت مالیه تقدیم مجلس کرده‌است که مجلس جایشرا معین کند و این‌مالیات لغو شود•

این هم‌یك مالیات سنگینی است - مالیات غیرمستقیم ، مالیات حراج ، نمایش قیان،شماکی دلالی ، تریاك ، دلالـی مال‌التجاره ، سوق الاداب ، کلکرانی ، سوختی وتره‌بار ، تره بارهم در مالیـات مستقیم است وهم درغیرمستقیم•

مالیات زغال ، زغال درمستقیم‌یکجا علاف یك جـا ، زغـال فـروش یك جـا آنوقت در غیر مستقیم هم یکجا •مالیات زغال هست•

مالیات میوه و تره‌بار یکجا در غیـر مستقیم ، مالیات باغ‌میوه‌وبستان‌هم‌علی‌حده یك مالیات دیگر باج قبلی است‌درسابق یك طایفه بوده‌اند میرفتندفارس یاکرمان ده‌تا صد تا گوسفند بخرند برای طهران که بیاورند اینجا بفروشند درشهری‌که عبور میکردند دوپانزده شاهی یکقران‌از هرگوسفندی میگرفتند - بسیارخوب‌حالا این آمده یك مالیات معنی شد برای آن طایفه •

شما آنوقت -صدسال پیش-یك‌سرمایه داشتید میرفتید گوسفند میآوردید تهران یك جایزد مالیات میدادید یکجا کرمان میدادید یکجاهم تهران میدادید•

حالا این مالیاترا باسم باج قبلـی میگیرند ومالیات شده‌است•

مالیات حمل‌و نقل روغن یعنی گمرك در داخله !! مثلا روغن‌رااز‌کاشان‌میخواهید بیاورید بقم بایدیك مالیات بدهید •

مالیات سرب وباروت : درمستقیم یکجاهم درغیر مستقیم هم‌یکجا•

مالیات داغ کفش این راشاید آقایان ندانند یعنی‌چه ، من‌زحمت کشیده‌تافهمیدم مالیات داغ کفش اینست که مثلا یك پیره زن دهاتی میآید کفشی میخردسه قران و میاورد در میدان چهار تامیخ بزند که بپایش بندشود پول این‌میخ سه یا چهـار شاهی نیست ولی‌سی شاهی باید مـالیات داغ کفش بدهد ! سه قران پول کفش ، پنج شاهی میخ ، آنوقت سی شاهی پـول داغ ! •

تدین - این‌عمل در کجا میشود؟

ضیاءالواعظین -این عمل‌درمازندران ویزد وجنوب معمولست•

تدین - ازبین رفته است•

ضیاءالواعظین- خیر ازبین‌نرفته است واگر ازبین رفته بود وزارت مالیه این صورترا‌تقدیم مجلس نمیکرد•

پس‌معلوم میشود وزارت مالیه‌شوخی کرده است : دیگر مالیات فواکه‌درضمن مالیات مستقیم‌مالیات میوه وتره‌بار و باغ وباغستان وتاکستان ذکر شده است ولی باز هم درضمن مالیات غیر مستقیم آمدند اسمش رابرگرداندند وگفتند میآئیم‌اسم میوه را میگذارم فواکه وهر پیش میکنیم مثلا فلان صنف که ازبین رفته‌است‌مالیات آنرا آورده‌اند و باسم فواکه معین کرده‌اند •

مالیات ماشین پنبه مثلا درهرشهری چهار تا ماشین پنبه بوده‌است‌مالیات‌میداده حالا ماشین پنبه چه صورتی پیدا کرده است نمیدانم ولی حالا مأمور مالیه میرود در آنجا ها میگوید چون مجلس گفته است ، این مالیاترا باید بدهی وسرنیزه را میگذارد جای آن چرخ ومیگوید پـول بده •مالیات مردار کش ، مالیات‌لش کش، مالیات کشمش، باج نمك ، مالیـات مازو مالیات خانات ، من خواستم تحقیق‌کنم از اعضاء وزارت مالیه که مالیات خـانـات یعنی چه •

اگر بگوئیم لفظ عربیست آنوقت خان یعنی‌کاروانسرا وخانات‌یعنی کاروانسرا ها، این چه مـالیاتی است؟•

غلامحسین میرزا - مبلغش چقـدر است ؟

رئیس- (خطاب بغلامحسین میرزا) بگذارید حرفشانرا بزنند•

ضیاءالواعظین- مالیات مشورنی‌ریز، اسمش‌هم عشور است‌وگمرك‌نیست •

برای اینکه نگویند دردا‌خله نباید گمرك گرفته شود ولی باسم عشور‌بریزید وتریاك ومنزاباداه یك‌مالیاتی بسته‌اندواین مالیات همینطور‌گرفته میشود، مالیات اجازهٔ تجارت : خیلی مهمست فلان آدم میخواهد تجارت کند ، رسمست‌درولایات‌و دهات وقصبجات یك کسی‌که صد تومان دارد ومیخواهد پیله‌وری کند باید از کدخدا اجازه بگیرد یك‌مالیاتی‌بکدخدا بدهد برای اینکه میخواهد کسب کند• این خیلی خوبست ولی در صورتیکه بـا ترتیب عادلانه باشد مجلس شورای ملی‌هم تصویب کند آنهم نه دردهات فقط‌بگیرند بلکه درشهر هاهم بگیرند•

یك مالیات عبدیست •اول سال واول حمل است حاکم بتخت نشسته است در عهد دقیانوس رسم بوده است. یك مالیاتی میگرفته‌اند باسم مالیات عبدی•

حالا هم‌باید مالیات عبدیرا بدهند • به‌بینید این بیچاره هاچقدر مالیات‌میدهند: مالیات تره‌بار داده ، عربی شده داده ، ترکی شده داده ، مالیات‌عبدی‌هم دراول سال ازآن بدبخت میخواهند بگیرند • گمرکات ، ضرابخانه ، درقسمت‌ضرابخانه همواین یك‌موضوعیست که‌من معتقدم‌هرقدر یك وزارتخانه‌یامجلس بیشتر بآن اهمیت بدهد ونقود رایجهٔ آن مملکت رادر آن مملکت خودش بیشتر بتواند سکه بزند ودست مردم بدهد•

این بیشتر اسباب آبادی‌آن‌مملکت وآن دوقرانی شکسته که دست مردمست ومیبرند دربازار برمیگردانند ، میبرند‌در واگن برمیگردانند ، دربانك می برند بر میگردانند یك‌طرفش شیروخورشید است ویکطرفش نوشته است السلطان‌احمدشاه قاجار بسیار خوب - ولی میبرند در بازار دربانك ،درواگن ،برمیگردنند،بتحصیلدار مالیه میدهند قبول‌نمیکنند•

چرا ؟ برای اینکه این دوقـرانی شکسته است، برای‌اینکه ضرابخانه‌نتوانسته است آنهـارا جمع کند دوباره‌سکه‌بزندو بدهد بدست شما•

چراقنوانسته‌است ؟برای‌اینکه‌با مالیه مسامحه کرده است یا کمیسیون‌بودج توجه نکرده است•

(خنده حضار)

بعضی‌از نمایندگان• یکمیسیون‌بودجه چه مربوط است •

ضیاءالواعظین- یك قسمت دیگر عایدات متفرقه است : ایـن عایدات متفرقه دربودجه دربیست-

بودجه چهاردیواری وبزبان عربی بودجه انما یعنی دیگر حرفش‌راازنید واینست و جز این نیست•

یك بودجهٔ‌چهار دیواری آورده‌اند ودر آن‌نوشته است عایدات متفرقه چهل هزار تومان-

این را دیگر من‌نمیدانم یعنی‌چه

برای اینکه نگاه بآسمان میکنیم میبینیم از درختش مالیات میگیرند نگاه بزمین میکنیم می‌بینیم ازخاك و ازدماغ کفش مالیات گرفته اند بازهم‌دراینجا نوشته است عایدات‌متفرقه‌چهل‌هزارتومان؟ یکی دیگرنیم عشر اوقاف بعد میآئیم درقسمت دوم وزارات مالیه چقدر جنس دارد؟

دومیلیون وپانصد واود پنج‌هزار و نهصد وهشتاد پنج تومان؛

وقتی‌باملاك خالصه‌نگاه میکنیم‌میبینیم املاك آباد ومرغوبست.

چرامرغوب وآباد است ؟

برای اینستکه ملکی که خالصه‌شده است از آباد ترین املاك‌ایران بوده‌است درمازندران‌هرملك آبادی خالصه است ، در اطراف فارس هرده آبادی‌و هر دهی که چشمه آبش‌خوبست آنجاخالصه است.

املاك آبادومرغوب‌زمین‌قابل‌زراعت رودخانه‌هاوقناتهای جمشیدی‌درشیرازهنوز هست ومعروفست بجمشیدی که املاك‌آنجا خالصه است ،

همینطور املاك خالصه درمازندران‌و گیلان ودرسایرنقاط - فقطشنیده امهمان خالصجات کم داردآنوقت وزارت مالیه عایدات املاك خالصه‌رابرآورد کرده‌است بدومیلیون وپانصدونود وپنج‌هزار-ونهصد وهشتاد وپنج‌تومان-

بعضی ازنمایندگان - اینطور نیست •

ضیاءالواعظین -یك‌چیزی است که‌اینجا نوشته اند عایدی‌خالصجات‌ایران دومیلیون‌واینقدرتومان••

یکنفراز نمایندگان -این قسمت مالیات جنسی است‌عایدات خالصه‌درقسمت اول است•

ضیاءالواعظین - ببخشید اشتباه شد•

رئیس(خطاب بضیاءالواعظین)- با آقایان مباحثه نکنید ،اظهارات خودتان را بفرمائید•

ضیاءالواعظین-بسیارخوب• آن وقت وزارت مالیه یك‌عایداتی داردنظمیه یك عایداتی‌دارد•

وزارت عدلیه یك‌عایداتی دارد‌وقتی که‌عایدات نظمیه وعدلیه‌راما‌بصورت‌جزئش نگاه کنیم میبینیم ازیك جاهائی تحصیل شده‌است که‌قسمت‌عمده‌اش در نتیجه‌همین کشمکشها واختلافاتست•

عوائد وزات پست وتلگراف:

در اینجاوزارت‌مالیه‌هیچ نظرنکرده است که‌اگر درراههای ایران یك خرده دقتی بکنند عایدی پستی آن بمراتب‌بیشتر بلکه دوبرابر میشود ، اینجا در بودجه دربیست چهاردیواری‌مانگاه‌میکنیم‌می‌بینیم نوشته است عوائدیست اینقدر•

آیا هیچ پیش‌بینی‌شده است•

برای اینکه عایدات پست زیاد بشود چه‌کار بکنند که عایدات تلگراف زیـاد شود•

بودجهٔ تفصیلی‌هم که دست ما نیست•

عوائد مدارس وزارت معارف و عـوائد تـومانی دوپست دینـار و خرواری یـك قران•

بنده میخواستم عرض‌کنم که اینجا وزارت معارف را از یك عائدی منظم و ثابت محروم کرده‌اند محل ومعرا‌اینمخارج هم هیچ معلوم نیست از کجا باید تأدیه شود واز کجا باید تحصیل‌شود وبمعارف داده شود•

امسال در ستون خرج نوشته اند برای وزارت معار - این قدر سال دیگر اگر مخارج دیگری برایشان پیدا شد آنوقت از محل وزارت معارف‌آن‌مخارج را میدهند ومعلوم نیست وزارت معلوم‌چه صورتی‌دارد•

برای وزارت‌معارف درمجلس‌چهارم یك خدمت‌اساسی مهم کرده بودند ویك مبلغ عایدی لایتغیری برای زارت‌معارف درست کرده بودند•

من در این بودجه میبینم آن مبلغ ازوزارت‌معارف گرفته شده‌است•

عایدی وزارت فواید عامه و اکسید دوفر ومؤسسات دهنی وراه شوسه و راه آهن ومعادن وسیاه جنگلها•

برای تمام این قسمت‌ها وهمان راه آهنی که نمیدانم بچه‌صورت افتاده وهمان کشتیهای بخاری دریاچهٔ ارومیه که دولت باآن ترتیب خرید ومجلس هم علناًعاماً با دقت‌کامل صلاح دانست اینکار بشود• همینقدر که حالا بدست وزارت فوائد عامه رسید تا صد سال دیگر هم نه در بندرش نه در کشتیهای آن تعمیرا‌ی نخواهد شد وهمانطور که‌آقای کازرونی فرمودند در دریای فارس کشتیهای ایران بهمان حال که طلسم شده بهمان حال است و هیچ نظریه در حفظ وتعمیرآنها درجزء بودجه ندیدیم‌وهیچ ندیدیم که‌بگویندماچکار کنیم که‌بکوجب‌راه‌آهن بیشترشود

در دنیائیکه سعادت هرملت بسته به وجبهای راه‌آهنش است و هر کسی یك وجب بیشتر راه‌آهن دارد سعادتمند تـر است•

در همچو دنیـائی وزارت فوائدعامه ما هیچ فکر نکرده است که یك کاری بکند که یك وجب راه آهن را زیاد کند یااینرا‌که‌هست‌حفظ کنیم•

درمحمودآباد مازندران آقای شیخ‌العراقین زاده میدانند یك راه آهنهای خرابی افتاده است وتمام زیرخاك‌یوسیله است‌آنهارا بایدجمع کرد وشایدصدتومان خرج داشته‌باشد•

اینجا در بودجه وزارت فوائد عامه هیچ همچوخرجی منظورنشده‌است•

بودجه تفصیلی هم دست ما نیست که ببینیم منظورشده‌است یانه عایدات‌تلفن - عایدات متفرقه•

بازهم در مقابل عایدات متفرقه‌نوشته است سی وششهزار وسیصد و بیست‌وچهار تومان•

این مبلغ عایدات‌متفرقه وزارت‌فوائد عامه است •

درمجلس هم یك عوائدی از مطبعه وباغ برای دولت درست شده است و امیدوارم وسعت‌آن زیاد شود•

فعلا عایدات باغ و مطبعه چهل و ششهزار وهفتصد وپنجاه تومان‌است•

انشاءالله دربودجه سال آتیه‌چهارصد هزارتومان‌بشود•

یـك قسمت دیگر هـم عـایـدات شرکتهای ایران است•

حالا اینجا قضاوت‌مجلس وعواطف واحساسات مجلس لازم است که‌آیا مجلس اجازه میدهد این پولها را بترتیبی که ذکرشد وصول کنیم واین خرج هـا را بکنیم•

شیخ العراقین زاده - وصول کرده‌اند•

امیراحتشام - خرج هم شده‌است

ضیاءالواعظین - خیلی خـوب وصول کرده‌اند وبقول‌آقا خرج هم شده است•

حالا وزارت مالیه ایـن عوائد را بطور محکم ومنظم سند خرجش را می‌خواهد در دست داشته باشد که ازتصویب مجلس گذشته است•

درقسمت مخارج دراول مخارج‌دربار وکابینه سلطنتی ووالاحضرت‌اقدس ولیعهد و اعلیحضرت محمد علی میرزا و مجلس شورای‌ملی ومقرری ریاست‌وزراء وکابینه ریاست وزراء•

اینجاهم سه چهار سطر درملاحظات نوشته‌اند که آقای رئیس الوزراء حقوق ریاست وزرائی نگرفته‌اند• خیلی ممنون هستیم•

بعد از آن مخارج وزارت جنك و مالیه و مخارج انتقاعی فلان‌قدر• مخارج وزارت عدلیه فلان قدر•

آقای وزیرعدلیه اعتبار وزارتخانه شما عبارت از ششصد وبیست هزار تومان است•

امروز شما یك‌آدم خوب وبا عاطفه هستید ولی اگر بعد از شمایك آدم بی عاطفه‌آمد جای شما شست معنایش‌اینست که‌این اعتباررا هر کاری میخواهد بکند•

یکنفر از نمایندگان - اینطور نیست•

ضیاءالواعظین - چطـور نیست وبچه دلیل اینطور نیست شما یك قانون بودجهٔ بدست ارمیدهید که بودجه‌تفصیلیش نیست آنوقت دیگربسته باصاف خود او است•

مخارج وزارت‌جنك•مخارج وزارت مالیه سه ملیون وهفتاد هزارتومان•

مخارج انتقاعی پانصد و چهل هزار تومان•

این بودجه یك بودجهٔ دربست است یعنی چیزهائی است که حرفش به درزش نمیرود وبایدتصویب کنیم•

بسیارخوب از وزارت جنك شروع میکنیم میگویند حرف نزنید بودجهٔ تفصیلیش‌نیست•

بودجهٔ تفصیلی وزارت مالیه را می‌خواهیم میگویند صلاح دراین بوده است که در نتیجه چند ماه آمد و شد بودجه وزارتخانه‌رامروندهیم‌بمجلس•

مخارج انتقاعی‌را نگاه میکنیم‌میبینیم صورت جزءآن‌نیست•

مخارج انتقاعی یعنی‌چه ؟ یعنی پول صرف قنات فلان ده خالصه که خراب‌شده شده است بنمایند که آباد شود و هرچه بیشتر پول خرج نمایند در نتیجه درستون عایدات عایداتیان‌زیادتر میشود

مثلا تهیه انبار برای جنس دولت همان عایدات جنسی که دو ملیون وآنقدر است اگر انبار داشته باشید این مبلغ است ولی اگر انبار نداشته باشد آنوقت جنس در زیر باران میماند وخراب میشود آنوقت حتماً آقای عماد السلطنه مخبر کمیسیون بودجه بـا کمـال تأسف بایدقلم بردارند و دو میلیون و فلانقدر ازعایدات بکاهند چون برای‌جنس انبار تهیه نشده است و جنس زیر بـاران مانده است•

مخارج انتقاعی برای اینست که این کشتیهائی راکه‌مادارم‌حفظ کنند و تعمیر نمایند برای اینست که راه آهن را آقای وزیر فوائد عامه حفظ کنند • تعمیر نمایند•

برای‌اینست که یك مخارجی‌راامروز بکنیم وفردادوتومان‌بردارم

برای اینست که راجع بگاومیری که در این مجلس از طرف آقایان اخگر و رئیس‌التجار و دولت‌آبادی وداور وسایر

www.iran-archive.com

آقایان محترم طرح قانونی داده شده است یك فکری کنیم و آنچه من یادم می آید تا کنون بیست تا طرح قانونی راجع بمسئله گاومیری بمجلس پیشنهاد کرده‌اند و دولت هم یك قسمت املاك خاصه دارد که گاوهایش مرده است.

اینجا ما نمیدانیم چقدر از این مخارج انتفاعی باید صرف تعمیر قنوات بشود و چقدرش باید صرف خریداری گاو شود و گاو تهیه نمایند برای اینست که اگر خالصجات گاو نداشته باشد سال دیگر شما جنس ندارید.

این دومیلیونرا هم ما عایدات نداریم یا قسمت عایدات خالصجات مسلماً از آن کاسته میشود.

پس باید صورت جزء بودجه تفصیلی وزارتخانها هم داده شود یعنی مخارج جزء را معلوم کنند و صورت جزء مخارج انتفاعی را هم باید دانست والا چطور باین پانصد وچهل هزار تومان رأی بدهیم وایمان داشته باشیم باینستکه در موقعی که قلم روی کاغذ گذاشته شده پانصد و چهل هزار تومان برای مخارج انتفاعی نوشته شده صرف خالصجات وفلان قنات خراب شیراز وفلان پل وراه خراب بایر میشود؟

مثلا وزارت مالیه در عراق جنسی دارد میخرد یك من پانزده شاهی اگر آن جنس بیاید طهران ارزش میخرند یك من دوقران.

برای دولت بهر قسمی که هست اگر روی شانه هایشان هم بگذارند صرفه در اینست که بیاورند طهران وبفروشند.

خوب من از کجا بفهمم که گرایه اینموضوع را در صورت جزء منظور کرده‌اند یا اینکه برای اطراف طهران که این گاومیری واین آفات وصدماتی که بوعایا وارد آمده است چیزی منظور شده است یا نه؟

مثلا آنجاهائی که گاومیری نبوده ودر موقع زراعت کرده‌اند که دچار صدمات نشده‌اند اگر از آنجاها دولت گندم را حمل کند بطهران تومانی پنج تومان صرفه میکنند.

بنده از کجا بفهمم که تمام این مصارف منظور شده است؟ خوب،،

رئیس- آقای قدری مختصر

ضیاءالواعظین- اینها همینطور قلم بقلم است و یك قلمهائی است که جلوی چشم نمایندگان هست وراجع بهر یك از آنها هم بایستی کاملا دقت کنند. بنده حق دارم در اینجا صحبت کنم چون یك ساعت دیگر باید کارت سفید یا سیاه بدهم.

کارت سفید یعنی مالیه این پول را بگیر خرج کن کارت کبود چطور بگذارم؟ همچو چیزی نمیشود.

پس هر نمایندهٔ حق دارد که هر چه بنظرش میرسد صحبت کند.

بابت استهلاك دیون دولتی. دولت جهت مخارج غیر مترقبه دویست و پنجاه هزار تومان.

من مخارج غیر مترقبه را نمی فهمم یعنی چه.

هرچه شما بگوئید من میگویم برای مخارج غیرمترقبه کم است هر اسمی هم بیدا کنید.

بعربی. فارسی. ترکی. اردوبابی

من میگویم این مبلغی را که شما این جا پیش‌بینی کرده‌اید کم است. از کجا که زیاد هم نباشد.

پس فردا اگر دولت ایران. اگر وزارت فوائد عامه. وزارت معارف. وزارت مالیه برخوردند بیك مخارجی که مخارج حیاتی است برای مملکت.

یعنی همینطوری که من میخواهم زنده باشم باید نان داشته باشم

دولت هم برخورد باینکه امشب نان میخواهد آن نانش هم دویست هزار تومان در اینجا شما تصویب کرده‌اید وهر کس دید تصویب کرد که خیر چهارصد هزار تومان است این اضافه را از کجا میدهید

یکنفر از نمایندگان - پیشنهاد کنید.

ضیاءالواعظین - پیشنهاد هم که بکند از چه محل میدهد؛

جایش را بگوئید؟

بازاسم فوا که میگذارند میوه؟

اسم تره بار را میگذارند باغستان

اسم تعلیمدر امیگذارند نان گیر؟

اینطور است؟ آنوقت پیشنهاد میکنند بمجلس ومجلس هم تصویب خواهد کرد.

بسیار خوب. بااینکه میگویند بیست آیرو پلان لازم است پیشنهاد آنراهم می آورند بمجلس تقاضای فوریت هم شد وبقول آقای آقا سید یعقوب با سلام وصلوات هم تصویب شد.

آنوقت چکار کنیم؟.

یك نفر از نمایندگان- نداریم.

ضیاءالواعظین- شما اگر شب نان نداشته باشید صبح نمیتوانید اینجا بیائید این یك قسم حیاتی است برای ایران.

دیروز در جامعه ملل زنده بود، فردا هم باید زنده باشد.

حالا دولت برخورد باین مخارج حیاتی.

من چطور تصویب کنم این اعتبار مخارج غیرمترقبه را که دویست و پنجاه و دوهزار تومان کافی است؟

همانطوریکه نمیتوانم باور کنم که مخارج انتقاعی برای یك مملکت عریض وطویل وجسیمی مثل ایران که آدم از این جا میخواهد برود بوشهر باید سه ماه سفر کند با با اتومبیل برود باید هشت روز راه برود مخارج انتقاعیش پانصد وچهل هزار تومانست.

یك نفر از نمایندگان- زیاد کنید.

ضیاءالواعظین- از کجا زیاد کنیم من ایراد دارم باین بودجه از اینکه شاهد زیاد باشد.

مثلا اعتبار جهة هیئت اعزامی امریکائی در حدود کمتر از آنها همینطور اگر بخواهم در اینجا دومرتبه شروع کنم. از باء بسم الله خیر کمیسیون وقت آقایان ضایع میشود.

یك نفر از نمایندگان- ضایع هم کردید.

ضیاءالواعظین- مقام ریاست هم میفرمایند باید مختصرتر کرد بسیار خوب من امروز عرضم را تمام میکنم بااینکه صلاح ومقتضی میدانم این خبر برود بکمیسیون بودجه ودر آنجا تبادل نظر بشود. وباهیئت دولت مذاکرات بشود وقتی که مذاکرات وتبادل نظر شد دوباره تصحیح شود وبه مجلس شورای ملی بیاید و الا با همین رایرت من نمیدانم عاطفهٔ نمایندگان و پاکی نیت نمایندگان چطور اقتضا میکند تصویب این بودجه را؟ واگر بنا شد در این بودجه صحبت شود بازهم من اجازه می‌خواهم وعرایض خودرا عرض خواهم کرد.

مخبر- فرمایشات آقای ضیاءالواعظین خیلی مفصل بود ولی خوشبختانه جوابی راکه بنده میدهم خیلی مختصر است و امیدوارم خودشانهم قانع شوند واگر هم درخارج از بنده یایکی ازاعضاء کمیسیون یا یکی ازاشخاصی که مطلع بودند سؤال میفرمودند هیچ لازم نبود در اینجا قریب یکساعت خطابه سرائی برای اصنافی بشود که وجود خارجی ندارد و دولت هم از آنها مطالبه مالیات نمیکند.

فرمودند که در ابتدای مجلس دولت پیشنهادی کرد که مالیات این اصناف ملغی شود در عوض لوایح جدیدی پیش نهاد کردند.

اینها دلیل براین نیست که این اصناف فعلا وجود دارند ومالیات میدهند.

غالب این اصناف اصلا وجود خارجی ندارند. واصلا مالیات نمیدهند.

ضیاءالواعظین- بنده معذلك میدارم که مالیات میدهند موافق سورتیکه دولت داده است.

مخبر- بسیار خوب حالا بنده عرایضم را که کردم بازنوبت بجنابعالی میرسد.

ممکن است تشریف بیاورید اینجا و فرمایشاتتان را بکنید.

اگر جنابعالی تشریف میاورید اینجا و برای خوش آمد یك عده اصناف میفرمائید مالیات نباید بدهند.

بنده هم عقیده‌ام این است ولی اصنافی که هستند و کسب میکنند.

همان کلاه دوزی که فرمودید کلاه دانه پانزده قران یا یك تومان میفروشد مالیات هم باید بدهد زیرا اینهاهم در مخارج مملکت سهیم وشریکند ولی صنف نعل چیکر که از بین رفته است هیچوقت نباید مالیات بدهد و ازش هم مطالبه نمیکنند.

بعلاوه اگر حضرتعالی میفرمائید که باید مالیات از اصناف گرفته نشود.

بنده هم موافقم یك پیشنهادی تهیه کنید که اولا پانزده نفر امضاء کنند بعد بفرستید بکمیسیون متبرکات قابل توجه میشود آنوقت میآید درمجلس اگر رأی دادند بعد ازاین کمیسیونهای بودجه هم مالیات اصناف راحذف میکنند ودیگر در ستون عایدات مالیات صنف را نخواهند نوشت والاتا یك اصنافی کسب می کنند واز صنف خودشان منافع ببرند یك منافع مختصر هم باید بدولت بدهند.

حضرتعالی یك اسامی خواندید اما میانش را نخواندید تابفهمید که اصلا صنف آهنگر چه قدر مالیات میدهد واین مبلغ که تقسیم شود بتمام ایالات وولایات ایران بهر نفری چقدر برسد.

اینجا قریب یکساعت اظهار ملالت برای اصناف فرمودید

بنده هم باشما شریك هستم -

ولی باید فهمید کدام اصناف هستند وآنهائیکه هستند وبدهند چه میدهند یك قسمت فرمودید مالیات مستقیم گرفته می‌شود.

خیر آقا از زارع بهیچوجه من الوجوه نمی‌شود وتمام را مالکین میدهند

از بلوچستان بگیرید تا انزلی که برویم از یك نفر از زارع مالیات گرفته نمیشود وامیدوارم که هیچ وقت هم مجلس شورای ملی تصویب نکند که زارع مالیات بدهد.

آقا فرمودید که یك عده اصنافی در خیابانها هستند که اینها ازمالیات معاف هستند ویك عده دیگر در گوشه زوایای شهر هستند آنها یك مالیاتی میدهند.

هیچ هم چیزی نیست مالیات صنعتی را اگر اطلاع ندارید اینطوراست که در سال اصناف جمع میشوند اگر یك نفر از یا دررفته است و نمیتواند مالیات بدهد اورا از دادن مالیات معاف میکنند و یك نفر جدیدی که بجای او آمده از او می گیرند این قرارداد مخصوصی است بین صنف.

یعنی اصناف ترتیب کسبشان طوری است که حتی نمی‌توانند درده ذرع فاصله دود کان داشته باشند بلکه باید یك دکان باشد

اینها یك ترتیبات صنفی است

آیا ممکن است صنف کلاه دوز- زیر بار برود که آن کسیکه دربازار کلاه دوز است مالیات بدهد اما آن کسیکه

درخیابان است ازدادن مالیات معاف باشند؟! اینکه معقول نیست.

خوب است تحقیق بفرمائید.

اصناف همه درمالیات دادن شریکند وهمان طور که عرض کردم هر سال هم رئیس صنف اصنافرا جمع می کند ورسیدگی می کند اگر فرضاً یك نفر پریشان شده و دیگری بجای او آمده ازاو مالیات نمیگیرند و ازآن کسیکه بجای او آمده مالیات می گیرند.

راجع بمالیات غیرمستقیم هم فرمودند مالیات میوه وذغال وترمبار مستقیم وغیر مستقیم درهر دولتیست - اینصورتیکه بآقا داده‌اند این صورت قدیم است بلی در وقتی که این عوائد جدید یعنی مالیاتهای مشروطه برقرار نبود جزو مالیاتهای سابق بود وبه عنوان مقاطعه همه ساله از هرمحلی مبلغی دریافت میشد ولی بعد ازاینکه مالیات غیر مستقیم مشروطه وضع شد

یکجا شد وحالا دیگر دوجا نمیگیرند که درمالیات مستقیم یکجا از زغال مالیات بگیرند ودرغیر مستقیم هم یك مالیات بگیرند همچو چیزی نیست.

اما اینکه فرمودید حمل ونقل روغن و عشور گوسفند ایهم نیست فقط عشوری که فرمودید هست آنهم در بعضی نقاط ایران شاید یکی دوجا از آن جمله نی ریزی است که فرمودید از کتیرا ومغز بادام وبعضی چیز های دیگر مالیات میگیرند

دیگر فرمودید مالیات اجاره تجارت این را بنده که تا حالا نشنیده بودم بااینکه خودم متصدی امور مالیاتی بودم و درچند نقطه هم که مأموریت داشته‌ام وعمل کرده‌ام ندیده‌ام ونه شنیده ام وتصور نمیکنم چنین مالیاتی اصلا در ایران وجود داشته باشد اما راجع بفوائد عدلیه که فرمودید این یك عوائد تازه نیست

همان عشریه است. این عشریه را که عدلیه در یافت میکند بعنوان عوائد دریك جا جمع شده وبمصرف خودش میرسد. دیگر فرمودید مخارج غیرمترقبه را نمیفهمم. بنده هم عرض میکنم.

نمیفهمم دولت ومجلس هم نمیتوانند بفهمند. کمیسیون هم نمیفهمد اگر میفهمیدیم یك قلم ثابت مینوشتیم که اینقدر برای فلان مصرف. مخارج غیر مترقبه اسمش روی خودش است

باید مخارج غیر مترقبه پیش بیاید تا نامقدارش معلوم شود وآنوقت بنده وجنابعالی هم بفهمیم واگر این لایحه را ملاحظه می - فرمودید یك ماده مخصوص دارد که مخصوصاً قید شده است (هر گونه پرداختی ازاعتبار مخارج غیر مترقبه دولت منوط باجازه کتبی هیئت وزراء خواهد بود و از این اعتبار بهیچ وجه من الوجوه حقوق ومستمریات واضافات حقوق نادیه نخواهد شد) ما بعد آقای وزیر مالیه صورتی میآورند که مخارج غیرمترقبه برج گذشته‌مان این اندازه بوده است. اینجا هم طبع وتوضیح میشود بین آقایان نمایندگان مثل اینکه سابقاً تهیه مینظور بوده است. آن وقت اگر آقایان اعتراضی دارند ازهیئت دولت سؤال میکنند که این قلم را که اینجا نوشته اند بفلان مصرف رسیده است چیست؟ البته بشما توضیح میدهند وقانع میشوید

حالا آقای ضیاءالواعظین میفرمایند که چرا مبلغ دویست وفلان قدر نوشته‌اند شاید زیادتر بنده عرض میکنم اگر زیادتر شد پیشنهاد جدیدی تهیه میکنند وبمجلس تقدیم میکنند ما هم پس ازمطالعه تصویب میکنیم...

ضیاءالواعظین- پولش را از کجا میآورید؟

مخبر - وقتیکه آن لایحه را آوردند بنده معلش را بشما عرض میکنم.

یکی هم راجع بمخارج انتقاعی فرمودید که این مخارج انتقاعی مربوط بوزارتخانه‌های دیگر است هیچ همچو چیزی نیست مربوط بخود وزارت مالیه است مخارج انتقاعی وزارت مالیه چیست مثلا زراعت یکجائی راسن زده است یا عیب دیگری پیدا کرده است این را میخواهند عوض نمایند صد خروار میدهند وصد تا دو تومان هم میدهند آنوقت صد خروار جنس خوب میگیرند

مثلا در دهات خالصه یا اینکه قنوات خالصه جات دولتی مخروبه شده است آنهارا تعمیر مینمایند واز این قبیل مخارج ضرابخانه وسایر چیزهای دیگری که دولت مجبور است این پولها را بدهد بعدهم آن پول خودرا بر میدارد شاید هم یك اندازه زیادتر مابهی بردارد و شاید هم متساوی بشود شاید هم کمتر شود ومالیات جنسی هم کمتر شود و مالیات جنسی هم که فرمودید این مالیات جنسی مربوط به املاك خالصه نیست

این مالیات جنسی است که از املاك اربابی وملاك انتقالی که منتقل بمردم میشود وصول میشود و مربوط به چیز دیگری نیست. دیگر بنده بچیزی نظر نیست که جواب عرض کنم

رئیس - چون نزدیك ظهر است اجازه میفرمائید جلسه ختم شود؟

جمعی از نمایندگان - صحیح است!

رئیس - جلسه آتیه روز یکشنبه دستور هم بودجه مملکتی

(مجلس موقع ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورایملی مؤتمن الملك

منشی - علی اقبال المالك

منشی - معظم السلطان

جلسه هشتادودوم

صورت مشروح یوم سه‌شنبه بیست وششم عقرب ۱۳۰۳ مطابق بیستم ربیع الثانی ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت ویکربع قبل ازظهر بریاست آقای مدرس

نایب رئیس تشکیل گردید

صورت مجلس یوم پنجشنبه ۲۱ عقرب را آقای اقبال المالك قرائت نمودند)

نایب رئیس - آقای آقامیرزا یدالله خان درصورت مجلس فرمایشی دارید؟

آقامیرزا یدالله خان - بلی بنده راغائب بی اجازه نوشته اند درصورتیکه بنده اجازه خواسته بودم ممکن است از کمیسیون عرایض تحقیق شود تا معلوم گردد.

نایب رئیس - تحقیق میشود. آقای قائم مقام درصورت مجلس فرمایشی داشتید؟

قائم مقام - بلی بنده بواسطه خراب بودن راه پنجروز تلگرافاً تمدید اجاره خواسته‌ام و کمیسیونهم تصویب کرده است بااین حال درروزهم زودتر ازموقع آمده‌ام خواستم تذکر بدهم که بنده غائب بی اجازه نیستم.

نایب رئیس - تحقیق میشود بعد اصلاح میشود.

آقای اجاق

(اجازه)

آقاسیدحسن اجاق - بنده در صورت مجلس عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای افشار

(اجازه)

افشار - بنده هم بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم

نایب رئیس - آقای مدبرالملك

(اجازه)

مدبر الملك - بنده عقیده‌ام این است:

برای اشخاصیکه دفعتاً مریض میشوند ترتیبی معین شود. بنده از کمیسیون عرایض ومرخصی اجازه خواسته بودم ولی همه روزه شنیده‌ام بنده را درصورت مجلس غائب بی اجازه نوشته‌اند

نایب رئیس - خوب بود یاد داشت میدادید.

مدیر الملك - کتباً هم اطلاع داده بودم

نایب رئیس - آقای حاج عزالممالك

(اجازه)

حاج عزالممالك - بنده عرضی ندارم.

نایب رئیس - آقای ضیاءالواعظین درصورت مجلس فرمایشی دارید؟

ضیاء الواعظین - خیر. بعد از تصویب صورت جلسه.

نایب رئیس - درصورت مجلس دیگر فرمایشی نیست؟

(اظهاری نشد)

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

آقای افشار

(اجازه)

افشار - بطوریکه اغلب ازآقایان نمایندگان مسبوق هستند ورشش سال قبل ازاین پس ازانقلاب ارومیه مبلغی اعانه برای اهالی آنجا جمع آوری شد که اهالی ایران وحتی ایرانیان خارجه پره داختند که آن مبلغ بالغ بر ۵۷۰۰۰ تومان بود واین مبلغ بیك عنوانی وارد تجارتخانه طوم انس شد آن هم

در موقعی که طومانیانس درشرف ورشکست شدن بود پس ازچندی دودوره چهارم تقنینیه صد هزار تومان اعتبار اعانه برای ارومیه تخصیص داده شد

اخیراً یکنفر نماینده ازطرف وزارت مالیه بعنوان توزیع اعانه باروپه رفته و این اعانه بین افراد تقسیم شد ودر ازاء آن کلیه دارائی آنها توقیف شد.

امروز مأمورین وزارت مالیه با کمال فشار دراروپه مشغول جمع آوری قسط اول اعانه که بآنها داده شده هستند وتا کنون چندین مرتبه تلگرافهائی بنده درسیده است.

بنده نمیدانم این مبلغی را که مجلس دورهٔ چهارم برای اهالی ارومیه تخصیص داده بعنوان اعانه؟

بعلاوه وجوهیکه اهالی ایران داده بودند برسم اعانه داده بودند نه بعنوان قرض که حالا مأمورین وزارت مالیه قسط اول این اعانه ها را با کمال فشار از مردم مطالبه میکنند.

خوبست ترتیب این را بفرمایند که بنده هم مطلع شده وجواب آنرا بدهم

نایب رئیس - این سئوال شما معلوم نیست از کی بود و کی باید جواب بدهد البته اگر کسی اطلاع داشته باشد ازاوضاع مجلس دورهٔ چهارم درخارج جواب خواهد داد.

آقای ضیاءالواعظین

(اجازه)

ضیاءالواعظین- آقای عادل لطانه مخبر محترم کمیسیون بودجه درجلسه گذشته فرمودند.

فلانکس از نقطه نظر خوش آمد اسناف یك اظهاراتی میکند در صورتی که شاید خودشان تصدیق بفرمایند که بنده از نقطهٔ نظر خوش آمد هیچوقت اظهاراتی نمی کنم.

مطابق ماده ۲۰۹ نظامنامه میخواستم درهمان جلسه جواب عرض بکنم ولی جلسه ختم شد درصورتیکه اگر از نقطه نظر خوش آمد اصناف و اشخاص و طبقات من می خواستم اظهاراتی بکنم

مواقع مهمهٔ که ازجلو من گذشت از من فوت نمیشد ودرصورتیکه واقعاً من اینطور معرفی شده باشم.

www.iran-archive.com

تصور میکنم جبران مافات هم برای من مشکل نباشد درقسمتهای دیگرهم که فرمودند وقتیکه‌مواد بودجه‌مطرح‌شود بنده جواب بیاناتشان‌را عرض خواهم کرد •

نایب رئیس - آقای آقا میرزا یدالله‌خان •

(اجازه)

آقامیرزایدالله‌خان - سابقاً از طرف نمایندگان محترم راجع بموضوع گاومیری و مسئله مالکین بی استطاعت اظهاراتی شده‌بود وبنده‌هم دراین‌موضوع پیشنهادی تقدیم‌مقام محترم ریاست کرده بودم •

بعد از طرف وزارت مالیه‌اظهارشد که پول گاو داده‌شده‌است بنده دوروزقبل از محل آمدم تمام رعایای خالصه بواسطه نداشتن گاو دست‌وپالشان بسته‌شده ولابدا هم یک‌دینارپول گاو بآنها داده نشده در موضوع‌مالکین بی استطاعت هم که مخبر محترم کمیسیون اظهارداشتند که مفتش رفته‌است •

ابداً نه‌ممیز ونه مفتش بمحل فرستاده نشده است •

از مقام محترم‌ریاست استدعامیکنم‌در این باب اقدامی بفرمایند که گاو مردم زراعت مردم ازبین نرود •

زیرااین‌مسئله‌یک‌لطمهٔ‌بزرگی‌بعایدات خواهدزد وتقریباً بیست روز دیگر بیشتر مردم‌نمیتوانند بفر بکارند •

چون معاون محترم وزارت مالیه هم تشریف دارند تقاضادارم امر بفرمائید که این‌مسئله‌را خاتمه بدهند •

نایب‌رئیس-خودشان‌تشریف‌دارند البته میشنوند واقدام‌میکنند •

آقای‌محمدولی‌میرزا

(اجازه)

محمدولی‌میرزا - بنده‌خواستم عرض کنم اگر آقایان اجازه‌بدهند هرچند آقای معاون وزارت‌مالیه‌تشریف‌دارند جواب اظهارات آقای اشعار رابدهم •

دردوره‌چهارم که بنده‌افتخارعضویت مجلس شورای ملی را داشتم راجع باین مسئله مذاکرات مفصلی شد و بنا شد یک اعانت و مساعدتی باهالی ارومیه بشود و جبران یک‌قسمت از خسارات وارده بآنها بعمل‌آید •

نظر مجلس شورای ملی‌ملی‌این بود که بعنوان اعانه‌یعنی بلاعوض مبلغی بآنها داده‌شود •

ولی در کمیسیون قوانین و مالیه و کمیسیون بودجه که‌خود بنده هم آنوقت عضویت داشتم‌این‌مسئله‌مطرح‌است‌بواسطهٔ ضیق‌مالیه‌وفراهم نشدن وجه‌رئیس‌مالیه هم که تازه آمده‌بود دراین‌باب‌یک‌لایحه‌تقدیم مجلس نمود که این وجه بعنوان مساعده باهالی ارومیه‌پرداخته‌شود وبهمین‌طریق‌هم کمیسیون‌بودجه تصویب کردووجهی‌بعنوان مساعده باهالی‌داده‌شد و در مقابل از آنها وثیقه گرفته‌شد که‌بعد مسترد‌شده‌و وجه‌را اخذنمایند وحالاهم برطبق همان قرارداد رفتارمیکنند •

چیز تازه‌نیست خودآقای‌معاون‌وزارت مالیه‌هم تشریف‌دارندمیتوانند درجزئیاتش توضیحات کاملتری بدهند •

نایب‌رئیس - حالا موقع توضیح دادن نیست اگر سئوال بود ممکن بود توضیح بدهند •

(آقای‌معاون‌وزارت‌مالیه‌بطرف کرسی نطق حرکت کردند)

نایب‌رئیس - تأمل بفرمائید شعبات تشکیل شود بعد از آن فرمایشاتشانرا بفرمائید •

جمعی‌ازنمایندگان - (باهمهمه) ایشان همه وقت میتوانندصحبت کنند •

نایب رئیس - میخواهید بفرمائید بفرمائید •

معاون وزارت‌مالیه - یک فقره لایحه پیشنهادی وزارت مالیه است برای اصلاح‌بودجه که‌بمجلس آمده‌است که‌شاید باین‌وسیله‌رفع اختلافات‌نظریکه دربودجه حاصل‌شده‌بشود تقدیم‌مینمایم •

یک‌فقره دیگرلایحه‌راجع‌بمستمری‌سه نفرصاحب منصبان‌سوبدی مقتول که‌بموجب آن قانون مستمری که از مجلس گذشته است آنها نمی‌توانند مستمری اخذ کنند زیرا که‌مشمول‌یکی ازبندها و مواد آن قانون نمیشوند بنابراین لایحه در این باب تقدیم میشود •

آقا سید یعقوب - که مشمول شود ؟ !!

معاون وزارت‌مالیه - یک فقره دیگر لایحه‌راجع بحقوق دکتر کپن است که‌بموجب‌فرمان دارای حقوقی هست ولی چون باید پرداخت آن بموجب تصویب مجلس باشداز‌این‌جهت‌تقدیم میشود •

یک‌فقره هم لایحه‌ایست راجع‌بمیرزا یوسف‌خان که‌مرحوم شده‌است‌وعضو اداره مالیه بوده است •

چون مشمول قانون استخدام نبوده است •

آقاسیدیعقوب - مشمولش کرده اید ؟ !!!

معاون‌وزارت‌مالیه- برای‌اولاد و بازماندگان او ماهی ده تومان پیشنهاد شده است که اگر مجلس‌تصویب کند باو پرداخته شود •

قبل از اینکه وارد دستور شویم یک سؤالی از طرف آقای یاسائی نماینده محترم سمنان ودامغان دریاب برداشت یک مبلغی که‌بتوسط خود بنده شده است از وزارت‌مالیه شده •

استدعا میکنم اجازه بفرمائید آن سئوال‌بشود تا جواب‌عرض کنم •

نایب‌رئیس - این‌چهارفقره لایحه ارجاع‌میشودبکمیسیون‌بودجه

آقای یاسائی •

(اجازه)

یاسائی - سؤال بنده ازوزارت‌مالیه این بوده‌است که بموجب دونقره مراسله که از اداره گمرک بوزارت‌مالیه‌یکی‌بنمره (۲۷۱۶) ودیگری‌بنمره(۲۱۸۵)درتاریخ ثیلان‌ئیل ۱۳۳۵ نوشته‌شده‌است که آقای فرزین یک‌فقره‌یازده هزارتومان ازصندوق کرمانشاه ویک فقره چهار هزار زشصدو کسری‌تومان ازصندوق کردستان برداشت کرده‌اند •

این‌مسئله‌دریکی ازجرائدمرکزی که گویا روزنامه‌محشر باشد بطور سؤال یا استعلام‌درج‌شده •

بنده با کمال اطمینان و عقیدهٔ که بآقای فرزین دارم و کاملا بصحت عمل ایشان در خدماتی که کرده اند معتقدم سؤالم راجع‌بجریدهٔ‌محشر ومدیران است •

بعد ازاینکه این خبر منتشر میشود گویا مدیر محشر‌را که بنده نشناسم‌ونمیدانم و نمی‌شناسم تعقیب میکنند وبمیرند بمجلس چندی درحبس نمرد یک‌یا دونمیدانم در سیاه چال های نظمیه اورا حبس‌میکنند وپس از چندی نمیدانم بچه واسطه وسیله مدیر محشر را آزاد کرده ملتزم میکنند که حتماً باید آن خبرراتکذیب کنی •

بنده ازلحاظ آزادی مطبوعات و از نقطه نظراینکه‌مدیرروزنامه‌بایدفوق‌العاده محترم باشد وار نظراهمیت مطبوعات‌هیچ مجوزی ندیدم که اگریک مدیر روزنامه یک سؤالی ازیک وزیری کردوخواست‌از یک قضیه مستحضر شودو عامه‌را مستحضر نماید اورا تعقیب نموده مورد مجازات و سختی قرار دهند مطابق قانون مطبوعات وزارت معارف تااندازهٔ •

ضباط عدلیه ومدعی‌العموم‌در حدودی میتوانند جرائد یا کسانی راکه خبری در جرائد درج کرده‌اند تعقیب کنند واسناد آنها رابخواهند وبعدآنها راتسلیم‌محکمه مخصوص این کار کنند ومطابق قانونی که از مجلس‌دوره چهارم گذشته آنهارامحاکمه کنند •

این اقداماتی که شده است‌چون‌برای این اقدامات مجوزی بنظربنده نرسیداین بود که سؤال کردم حالا که آقای معاون تشریف دارند لابد سابقهٔ قضیه‌را آنطور که‌بوده است بیان خواهند فرمود •

معاون وزارت مالیه- اجازه‌میفرمائید از آقای نماینده محترم‌سؤال کنم‌مراسلاتی که‌ذکر فرموده‌اند ملاحظه فرموده‌اند ؟ یاخیر بموجب یک اطلاعاتی است که‌تحصیل کرده‌اند ؟ •

یاسائی - خیربنده ندیده‌ام فقط در روزنامهٔ محشر درج شده بود‌وچون‌براثر آن‌مدیر جریده محشر حبس‌شداین بود که بنده سؤال کردم •

معاون وزارت مالیه -بنده اگرچه جواب یک‌همچو سؤالی رامجال بوده‌است در موقع دیگرهم عرض کنم لیکن نظر باهمیت فوق‌العادهٔ که برای‌شخص بنده‌دارد والبته برای یک‌مؤسسه یامؤسسات‌دولتی که مثل منی درآنجا مصدرکار است‌بااهمیت است باین جهة‌امروز بااینکه‌مریض‌بوده‌ام باحالت کسالت مخصوصاً شرقیاب شدم که این جواب راعرض کنم •

آقای نمایندهٔ محترم‌میفرمایند همچو مراسلاتی راخودشان‌ندیده‌اند‌فقط‌یک‌همچو مطلبی رادر یک‌روزنامهٔ دیده‌اندو بعلاوه درسؤال خودشان بالصراحه مینویسند - اگر مقام ریاست اجازه فرمایندبنده **عین** آن‌را میخوانم :

مقام منیع ریاست مجلس شورایملی دامت شوکته (استدعا دارم خوب توجه بفرمائید) آقای میرزا محمدعلیخان‌فرزین معاون وزارت مالیه بموجب دو مراسله به نمره۲۷۱۶وبه‌نمره ۲۱۸۵ درتاریخ‌ثیلان‌ئیل ۱۳۳۵ که از اداره‌کل گمرکات بوزارت مالیه نوشته عده یک فقره یازده هزار تومان از صندوق کرمانشاه و چهار هزارو‌ششصد و کسری تومان از صندوق کردستان برداشت کرده اند دراین باب ازوزارت مالیه سؤالی‌دارم مستدعی است مقررفرمایند برای‌جواب حاضرشوند

(عبدالله یاسائی)

بلی‌چنانکه اظهارفرمودند •

نماینده محترم یک همچومسئله را از یک ورقه موسوم بروزنامه محشر که در چندی قبل نوشته بود بعنوان سؤال از وزارت مالیه ومدیرروزنامه‌راتعقیب کردند وازاو توضیحات وسند خواستند •

البته برای یک همچو مطلبی اگر حکومت نظامی یا یک مقام دیگری تعقیب کرده واقداماتی‌نموده است از وظائفش بوده است ومخصوصاً دراین قسمت تعقیب کرده است که این نمراتی‌راکه شما ذکر کرده اید •

در یک روزنامهٔ بعنوان سؤال این نمرات اگردردست شما هست‌نشان‌بدهید واگردردست شما نیست این نمراتی است که ازآرشیویک وزارتخانه خارج‌شده‌است وبشما داده اند وماهیت قضیه چیست ؟ و باصطلاح آقای یاسائی‌برداشت کننده کیست وبدست کی این اوراق ونوشتجات از یک وزارتخانه یا یک مؤسسه دولتی‌خارج‌شده است ؟ ومرتکب این عمل را بدست ما بدهید •

بجهت اینکه حکومت نظامی‌یانظمیه محل‌یایک مقامات دیگری البته ذمه‌دار کشف این قبیل قضایا هستند •

درهرحال‌مدیرروزنامه پس ازمدتی بالاخره اظهارعجز کرد ونتوانست چیزی بگوید یعنی جوابی‌نداشت ونگفت و رفت

تکذیب هم کرد •

بنده بمسائلی که در جرائد مطلق نوشته میشود خیلی اهمیت میدهم و لیکن بمطلبی که دریک ورقهٔ موسوم بیک جریدهٔ نشرشود اهمیت نداده ام ونمیدهم •

همانطور که در دو سال قبل یکی از اوراق طهران بنام یک جریدهٔ نوشته بود بود که‌بنده مبلغ پانصد تومان ازیک‌وکیل عدلیه رشوه گرفته ام ما هم فرستادیم آمدند وازمدیرآن‌روزنامه تحقیق کردیم گردیم •

بالاخره درنتیجهٔ کنجکاوی که شداصل قضیه معلوم شد که ازچه ناحیه‌این اقدامات شده بود تمام را ملتفت شدیم بعد گفتم‌این قبیل اوراق اهمیت ندارد •

زیرا متأسفانه‌دراین اوراخرازمشروطه وآزادی که ما خواستیم بگیریم این نوع چیزها زیاداست واگر اشخاص بخواهند وقت خودشان رامشغول این رشتهٔ‌ازمسائل بنمایند •

باید درتمام بیست وچهارساعت وقت خودشان گرفتاراین‌قبیل‌مسائل باشند وباید یک فکراساسی‌راجع باین قضایا بشود و هروقت شد البته یک تأمینی در حیثیات اشخاص پیدا میشود •

بنابراین نسبت بآنچه که‌جریده‌موسوم بمحشرنوشته‌بود اهمیت ندادم تا اینکه‌این ورقه سؤال درسه چهارروز قبل بوزارت مالیه رسید وبنده درجلسه گذشته توفیق پیدا نکردم که جواب عرض کنم‌وتا امروز سخت ترین زندگانی‌را گذرانده‌ام‌تا اینکه خودم را برسانم بیک چنین موقعی که درمقابل همچو اظهار تقدیری که یکنفر نماینده محترم در رسیدگی بامور مملکتی و درجلوگیری از برداشت ها و اختلاسات‌وانتظام امور وتشویق‌مستخدمین خادم وتشکیل اعضائیکه در وزارتخانه‌ها و ادارات ممکن است فاسد باشند اقدام می فرمایند شرفیاب شوم وتشکرات‌خودرا به ساحت مقدسشان عرض کنم

درهرحال به‌آن روزنامه اهمیت‌ندادم ولیکن سؤالی که یکنفر نماینده محترم ایران درمجلس شورای ملی ایران ازیک نفر نماینده دولت میکند من‌هم اگراهمیت ندهم ماهیت قضیه دارای یک اهمیت‌زیادی باید باشد ومحتاج‌بتوضیح وشرح هم‌نیست درآنجاهائی که تأسیس پارلمان کرده اندو با اصول پارلمانی زندگی‌میکنند

همیشه قضایائی را در پارلمان طرح میکنند که آن قضایا بامذاکره با اشخاص و دوائر و مقامات مربوطه حل نمی شود •

یا بمناسبت سیاست داخلی یا خارجی لازم میدانند آن قضایا را در پارلمان مطرح کنند •

وازطرف دولت نماینده بیاید و در آنجا مذاکراتی بکنند و قضیه را خاتمه بدهند •

بنابراین بنده شخصاًبآن ورقه‌اهمیت ندادم ولیکن چون این‌مسئله بعنوان‌سؤال ازطرف نماینده مجلس شورای ملی شده است قضیه خیلی اهمیت دارد و باینجهت است که نسبت باهمیت قضیه اگر آقایان اجازه بفرمایند برای‌اینکه یکقدری‌مسائل توضیح داده شود و روشن شوداظهاراتی بکنم •

نویسنده جریده محشر پس ازمدتی تحقیقات وتعقیبات بالاخره گفته بود و این طور فرض کرده بود که بنده که‌آقای‌معاون وزارت مالیه هستم (خنده نمایندگان) وایشان از من انتظاراتی داشته‌اند (وهم چنین خیلی اشخاص دیگر) بنده ایشان‌را بکاری نگماشته‌ام بلکه‌سبب زحمت وفلاست او شده ام واز این نقطه نظر است که من منشاء یک‌همچو عملی‌واقع‌شده ام

لهذا جا دارد که البته یک تلافی‌شده باشد وباین جهت یک همچو چیزی نوشته بود واگر من یک آدم بدگمان و تاریخته باشم چون نویسنده در روزنامه این‌طور گفته ناچار می‌شوم‌قضیه‌را به‌سنخیت‌خودش رآوردم •

یعنی همچو فرض کنم که خدای نخواسته اینطور بوده است که سؤال نماینده محترم هم بمناسبت این بوده‌است که بعضی تقاضاها دارند واغلب اوقات به وزارت مالیه تشریف‌میآورند ویک‌کارهائی دارند •

بنده در انجام آنها کوتاهی کرده ام بااینکه میرزا ابوالمظاهر یامیرزاابوالمفاخر که نمیدانم کیست وآقا بمن توصیه‌فرمودند که بکاری بگمارم ومن نتوانستم باینجهت منفور آقا واقع‌شدم

العیاذبالله که من همچو خیالی بکنم والبته هم نخواهم کرد •

لیکن میخواهم فقط در این قضیه که سؤال شده است تحقیقات بعمل‌آید و یک قدری مطلب معلوم شود که اوضاع مالیه مملکت روی چه مداری گردش میکند و خیلی‌متأسفم از اینکه آقای نماینده‌محترم رعایت اداء بیان و کلمات را آن‌طوری که شایسته است نکرده اندچون همانطوریکه‌عرض کردم ایشان فرموده‌اند که بنده فلان مبلغ وفلان مبلغ بموجب‌دو مراسله که دارای‌این دو نمره‌ایست که‌اینجا ذکر شده‌است برداشت کرده‌ام ونگفته‌اند که برحسب اطلاعی که داشته‌ام یادارم یا قیاس کرده‌ام یافرض کرده‌ام‌یک‌همچوچیزی اتفاق افتاده است •

اگر میگفتند که بموجب اطلاعاتی که بمن داده اند همچو چیزی شده است وسؤال میکنم :

(این سؤال صحیح است یا نیست مسئله دیگری است زیرا) در آن قسمت هم بنده باز حرف داشتم و گمان میکنم حیثیات وافتخارات وشئونات یکنفر را با قیاس و تصور و مسموعات و این قبیل اطلاعات نمی شود آلت وملعبه و بازی قرار داد •

خیر اینطورنیست •

اینجا نوشته اند که بموجب دومراسله ودو نمره فلان مبلغ برداشت کرده اند و بنده گمان میکنم که این مسئله قابل تأمل است •

اگر از برای کسی از نقطه نظرفردی قابل اهمیت نباشد برای شخص بنده به منتها درجه سنگین وقابل توجه‌است

وعجالتاً باکمال‌نزاکت‌ورعایت‌مراسم ادب آنچه راکه برای توضیح قضیه لازم است بساحت محترم نماینده سمنان‌ودامغان عرض میکنم

آنوقت اگر محتاج باشد که یک مسائلی درخارج مذاکره شود مربوط به اینجا نیست‌ولی حالا عرض میکنم که یک چنین مسئله را که نماینده محترم اظهار فرمودند بنده‌عرض‌میکنم‌دروغ‌است وچون عرض کرده‌بودم که حتی‌المقدور بایدرعایت نزاکت و مراسم ادب را بکنم بنابراین کلمهٔ دیگری را عرض‌میکنم کذب است (خنده بعضی نمایندگان) یامقرون بصحت نیست •

و بنده اجمالا حضور محترم آقایان عرض میکنم :

که این اصطلاحات و کلماتی که از چندی باین طرف معمول شده‌است‌وعبارت است از استفاده ، تقدیمی ، تعارف (و از این قبیل اصطلاحات که درواقع درعداد همین کلمات است وبنده آنها را کنار میگذارم) همه را درقاموس‌خود تعبیر می کنم به دزدی •

یعنی یک کسی ویک شخص شرافتمندی که درمال دیگری‌ومالی که متعلق باونیست دست درازی بکند این ترتیبات و تعبیرات بی حاصل است وبنده فقط‌بیک کلمه‌دزدی قناعت میکنم واگر بالاخره برسیم باینجا که برداشت هم در عداد این کلمات باشد •

(دیگر سلیقه نماینده محترم چه‌باشد چه عرض کنم)بنده اهل‌برداشت‌نیستم • بطور کلی بنده همچو خیال میکنم که یک فردی که دریکی از مؤسسات‌دولتی یا مملکتی مشغول خدمت است واورا محل اعتماد قرار داده اند ودرروی نوشتجات‌و اوراق امضاء میکند و امضاء او بداخل و خارج میرود ومسائل رسمی با امضاء او طرح وحل میشود •

آیا بیک همچو آدمی آنقدر بی مطالعه‌میشود گفت برداشت کرده؟باید آن نمرات را دید •

آن مراسلات را دید بجهت اینکه گوینده یکنفرنماینده محترم‌مجلس‌شورای ملی است وموضوع‌بحث‌هم‌راجع‌میشود به یک وزارتخانهٔ صرف‌نظر از اینکه بنده دارای حیثیاتی باشم یانباشم یانخیرهم حیثیتی برای خودم قائل شوم ولی قضیه مربوطه‌یکنفرمعاون‌وزارتخانه‌است‌برداشت!! برداشت !! آقا بابرداشت نمیشودزندگی کرد •

مگر هر کس یهلوی یک‌وجهی‌واقع شد وبرداشت هم برایش ممکن‌بود (یعنی توانست تصرف درمال غیربکند) میتواند برداشت کند ؟ نمیدانم نمایندهٔ محترم یک ساعتی دربانک تشریف برده‌اند ودرآنجا نشسته‌اند بااینکه در آنجا پول هم زیاد است وقتی‌که بیرون میآیند آیایک مبلغی هم برداشت میکنند ؟خیر • چنین چیزی نیست •

مطالب از دوحال‌خارج‌نیست‌بااینکه مطالبرا حساب وقواعد ونظامات در تحت تربیت آورده است بااینکه وجدان وخدا شناسی وایمان وحیثیت‌اشخاص نگاهداری کرده است •

بنده دارای هر کدام از این حیثیات باشم‌گمان میکنم‌برداشت واطلاق‌برداشت نسبت ببنده معنی‌نداشته باشد.

اگر بنده اهل برداشت (باصطلاح آقای نماینده محترم) بودم‌مدتی ضرابخانهٔ دولتی زیردست بنده‌بود •

نمیدانم آقاهمچو چیزها دیده‌اند یا خیر؟ خروار ها خروار شمش نقره و طلا میآمد وخروارها خروار مسکوت بیرون میرفت وبنده‌هم‌آنجا درپرل‌غوطه‌میخوردم بنابراین باید صدها هزارتومان تا کنون برداشت کرده باشم •

بنده مدتی خزانه‌دار مملکت‌شمابودم ودراین مملکت میلیونها تومان بامضای‌من روی چکهابانکها رفته است •

اگر بنده اهل برداشت بودم بایستی حالا چندین میلیون‌تومان برداشت کرده باشم •

بعلاوه اگریک هزارم از این‌چندین هزار تومان پول راکه آقافرمودند بنده برداشت کرده بودم امروز شاید لازم نمی‌آمد که بیایم بساحت مقدسشان اظهار تشکر کنم •

درهرحال بطور کلی مقصودعرضم ازاین قضایا این‌بود که مطالبی که ازمحیط یک پارلمان واز ناحیه‌یک‌نفرنمایندهٔ‌مجلس شورایملی چه نسبت بیک مؤسسه دولتی باشد وچه نسبت‌بیک‌شخص‌مخصوصی‌اظهار شود بهتر این است که بامطالعه باشد.

بنده این‌مسئله‌رابعنوان‌نصیحت خدمت آقا عرض نمیکنم •

زیرا شخصاً هرچه هستند نمیدانم‌ولی مقام ایشان که نمایندگی است‌یک مقامی است که اقتضای این راندارد که من بطور نصیحت چیزی خدمتشان عرض کنم و اگر بخواهم‌چیزی‌عرض کنم‌در خارج‌عرض خواهم کرد •

www.iran-archive.com

درهرحال یك کسی که بخواهدشئون اجتماعی رارعایت کند(که‌اول‌وظیفهٔ‌مجلس شورای‌ملی است) باید سعی کند که‌شئون افرادی که در آن هیئت اجتماعی زندگی میکنند خاصه کسانیکه وجود آنها منشاء اثری در امور اجتماعی است رعایت کنند.

اگر من بعنزل خودم بروم و اولاد من ازمن سؤال کند وبگوید من درصابهٔ تربیت کسی واقع شده‌ام که‌یکنفر نمایندهٔ مجلس شورای ملی میگوید فلان قدر برداشت کرده است من‌چه جواب بدهم؟

آقا سیدیعقوب‌بنده اندازه دارداز اندازه خارج نشوید.

بعضی‌از نمایندگان(باهمهمه)بگذارید حرفشان رابزنند

آقاسیدیعقوب - دیگراز اندازه‌خارج نباید شد.

معاون‌وزارت مالیه- چیزی‌را که‌بازیچه نمیشود گرفت‌یکی دم‌شیر ویکی‌حیثیات افراد است.

مراسلاتی راکه آقا ذکر را اشاره فرمودند که یکی نمره۲۷۱۶ و دیگری نمره۲۱۸۵ است که بموجب آنها بنده یك فقره چهارهزار وششصد تومان ویك فقره دیگر یازده هزار تومان برداشت کرده‌ام باید عرض کنم که هیچو چیزی نبوده است.

چهارهزار وششصد تومان‌را صندوق گمرك کردستان بعنوان مساعده و کمك خرج بصندوق مالیه کردستان بموجب یك قبوض واسناد خرجی درزمانی که بنده در کرمانشاه بودم‌ام داده‌اند «اینهارا پیدا کرده‌امواینجا حاضراست» یك‌فقره دیگر یازده هزار تومان است که بموجب ۲۱۸۵ بنده برداشت کرده‌ام وبنده ابداً و بهیچ وجه من‌الوجود در خاطر ندارم که هیچو چیزی وجود داشته باشد.

بالاخره اگر اجازه بفرمائید حالا میخوانم: ۲۱۸۵ بتاریخ ۱۹ژون ۱۹۱۷ ۲۹ جوزای‌ثیلان‌ئیل ۱۳۳۵

وزارت جلیله مالیه -

توقیراً باستحضار خاطر مبارك می رساند که جناب آقای نظام‌السلطنه قبل‌از حرکت از کرمانشاه مبلغ یازده هزار تومان وجهی راکه در آن تاریخ‌موجودی صندوق کرمانشاه بوده ازصندوق گمرك محلی مأخوذ داشته اینك دو فقره قبض رسید یکی بمبلغ (۵۷۵۰) تومان و دیگری معادل (۵۲۵۰) تومان که جمعاً بالغ بر ۱۱ هزار تومان میگردد

ودر موقع تحویل گرفتن‌وجه‌بصندوق گمرك کرمانشاه سپرده شده بضمیمه یك فقره حکم پرداخت مبلغ مزبور به مهر نظام السلطنه تلواً حضور محترم ارسال وضمناً مبادرت می نماید که مبلغ یازده هزار تومان در محاسبه جوزای ثیلان‌ئیل جاری جزء وجوه پرداختی بوزارت جلیله مالیه از بابت سنه ماضیه لوی‌ئیل ثبت و منظور گردید.

از طرف مدیر کل گمرکات

دلکروا

این‌همان مراسلهٔ نمره دو هزار وصد وهشتاد وپنج است که آقا ذکر فرمودند وشاید بعضی از آقایانی که یك قسمت از اوقاتشان را درآن اوان در وزارت مالیه صرف نموده اند خاطرشان مستحضر باشد درهر صورت عین مراسله همین بود که قرائت شد.

حوالهٔ هم که آقای نظام‌السلطنه‌داده اند این است:

اداره کل گمرکات کرمانشاهان-مبلغ یازده هزار تومان‌فوریت‌بپردازید که باید بمصارف لازمه فوری برسد.

نظام السلطنه

این‌مبلغ را باداره‌تشکیلات بپردازند ورسید دریافت دارند.

نظام السلطنه

نظام السلطنه هم مرد شریفی است وبرای خودش برداشت‌نکرده‌است. یك نفر عنصر پاك شما که الان ریاست‌مجلس را دارند درآنجابوده‌اند.

حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا وآقای حاج عزالممالك هم تشریف داشته ومستحضرند قضیه‌قضیهٔ یکشاهی صد دینار نبوده است.

قبضی هم که داده اند اجازه‌بفرمائید بخوانم:

وسط اداره جلیله گمرکات کرمانشاهان - مبلغ پنجهزار و هفتصد و پنجاه تومان بابت حواله یازده هزارتومان که حضرت اشرف آقای نظام‌السلطنه به گمرك داده بودند بصندوق تشکیلات رسید.

آقای نظام‌السلطنه هم مرقوم‌فرموده اند: قبض صندوق‌صحیح‌است.

(نظام‌السلطنه)

توسط اداره جلیلهٔ گمرکات کرمانشاهان مبلغ پنجهزار و دویست و پنجاه تومان بابت حوالهٔ یازده‌هزارتومان که حضرت اشرف آقای نظام السلطنه بگمرك داده بودند به صندوق تشکیلات رسید.

امضاء تحویلدار

صحیح است: نظام‌السلطنه

ممکن است عین اینهارا بمقام‌ریاست بدهم.

خلاصه بنده همچو فرض میکنم که اوقات مجلس‌شورای ملی باید بیك‌قضایای مهمهٔ صرف شود نه بیك مطالبی که شاید هیچ اهمیتی‌ندارد ومبتنی بریك اشتباهاتی است.

در هر صورت قضیه این بود که بعرض مجلس‌شورای ملی وآقایان محترم میرسانم ویك مسئله راکه خروج‌از این محوطه است از مقام ریاست اجازه میخواهم عرض کنم وآن اینست که ممکن بود نمایندهٔ محترم خودشان بصرافت‌طبع وبرحسب ضرورت ازطریق مجلس‌شورای ملی یا شخصاًخودشان‌بوزارت مالیه‌مراجعه میفرمودند مراسلات ونوشتجاتی که محتاج ارائه میدانستند و امهار آنها را به دقت ملاحظه میفرمودند.

زیرا همیشه اوراق ودفاتروزارتخانها برای نمایندگان مجلس شورای ملی باز وآزاداست.

حالاکه خودشان فرمودندآن‌اوراق را ملاحظه نفرموده‌اند (اینها همین‌اوراقی است که نزد بنده است) واشخاص دیگری این نمرات را خدمتشان داده‌اند.

واشخاصی که نمره‌مراسلات‌رااز‌داخل یك وزارتخانه میدهند دراین موقع اتفاقاً کسی که این نمره را داده لابدآدم‌خوبی نبوده.

زیرا یك راپورت دروغی بیك آدم صالح‌خوبی‌داده‌است.

ممکنست‌یك‌وقتی یك آدم‌یك‌راپورت صحیحی بمقام غیرصالحی بدهد که برای مملکت اسباب زحمت فراهم کند و چون حفظ‌اسناد ونوشتجات دروزارتخانها کمال لزوم را دارد از لحاظ انتظامات اداری اگرممکنست خوبست آقای نمایندهٔ محترم اسم‌آن شخصی که این‌راپورت‌راخدمتشان داده‌است بفرمایند تاانتظامات اداری‌حفظ شود.

نایب رئیس - زائد نمیدانم چند کلمه عرض کنم:

اولا اظهارات آقای معاون وزارت مالیه بجای خودش صحیح است لکن امیدوارم هیچیك از نمایندگانهم نخواهند مقاصد خصوصی خودشان‌را در کارهای عمومی دخالت بدهند.

وچون‌اشاره ازایام مهاجرت‌فرمودند لازم میدانم عرض کنم که در این مهاجرت که‌آقا هم تشریف داشتند آنچه پول از داخلهٔ ایران گرفته تمام صرف تشکیلات داخلهٔ خود ایران شد ودیناری‌ازاین‌پولها بخارج از ایران نرفت وتمام صرف داخله شد.

این یك کلمه‌ای بود که لازم بود بفرمایند ولی نفرمودندتمام‌پولهائی که گرفته شد صرف داخله شد یا بنعوامانت بود یا بسه دست خود ایشان به ایران برگشت.

این را محض تذکر عرض کردم که دیناری از پول داخله ایران بخارجه وارد نشد.

حالااگر آقایان‌اجازه‌بفرمایند داخل دستورشویم.

یاسائی - بنده توضیح دارم

نایب‌رئیس - بفرمائید

یاسائی - چون غالب ازبیانات آقای معاون خارج ازموضوع بود بنده‌ناگزیرم یك قدری بیشتر از آنچه که در نظامنامه به بنده حق داده شده است توضیح عرض کنم شاید هم خارج از موضوع بشود.

نایب‌رئیس - خارج ازموضوع که نمیشودتوضیح داد پس‌شماداخل‌درموضوع بفرمائید.

یاسائی - نمایندگان محترم البته درنظردارند که بنده در حین سؤال عرض کردم که نهایت اطمینان وحسن عقیده را بصحت عمل‌آقای فرزین دارم وسؤال‌بنده هم از این نقطه نظر که یك پول هائی گرفته‌اند یا نگرفته‌اند نبود بلکه ازنقطه نظر تعقیب مدیرمحشربود که ایشان مدیر روزنامهٔ محشر را تعقیب کرده ودر تحت تضییقات گذاشته‌اند وهمین مسئله‌باعث‌شد که‌بنده‌این‌سؤال‌را کردم.

بنده‌کسی را ملاقات نکرده‌ام و کسی هم ببنده مراجعه نکرده است فقط بنده این مسئله را در روزنامه خواندم و یادداشت کردم و چندی هم نزد بنده بود ودرنظرداشتم از خودشان بطورخصوصی سؤال کنم تا بالاخره از لحاظ اهمیتی که بنده بمطبوعات میدهم قرار شد درمجلس سؤال بشود.

یك فرمایشاتی کردند که من کی‌هستم و نماینده کیست و چه اهمیت دارد و این اهمیتی که بنده‌دادند ازنقطه‌نظرنمایندگی بود نه شخص بنده.

خیر اینطورنیست.

شما باید)ازنقطه نظر شخص بنده نه بنده اهمیت‌بدهید.

زیرا بنده یك‌خدمات مهمی درعدلیه این مملکت کرده‌ام وابداً سابقه‌ننگینی‌هم ندارم بلکه همیشه خدمات شایانی درعدلیه کرده‌ام و از بهترین قضاة عدلیه شناخته میشوم و بهترین معرف بنده هم پرسنل وزارت عدلیه و اداره امور عدلیه است و تمام اهالی خطه شرق از عملیاتی که بندهٔ در دوره مأموریت خودم نموده‌ام کاملا مسبوق هستند ومیدانند

بنده هم اهمیتی‌که بشما میدهم از نقطه نظر کار واز شما از این لحاظ است که شما معاون وزارت مالیه هستید و یك مقامی را اشغال کرده‌اید نه از نقطه نظر شخصی.

نایب رئیس - گمان میکنم این نحو ازمذاکرات قدری خارج ازموضوع باشد.

یاسائی - آنوقت‌هم‌خارج‌ازموضوع بود واخطارنفرمودید.

ایشان هم بیك مجلس توهین کردند وچیزی‌نفرمودید.

بعضی ازنمایندگان (با همهمه)

بمجلس چه مربوط بود. کجابمجلس توهین کردند.

آقاسیدیعقوب - دیگرچه‌نگفتند؟ برای مجلس چه گذاشتند؟

یاسائی - بااصول هو که نمیشود جواب یك‌نماینده را داد.

ممکن بود ایشان بطور ساده جواب بفرمایند و در صورتیکه مسئله کذب است است تکذیب بفرمایند.

خیلی ازسؤالات میشود که‌اصل‌ندارد ودروغ است فوری تکذیب میشود این چیز تازهٔ نیست که‌بنده حالا اختراع کرده باشم.

دراطراف لغت برداشت یك بیاناتی کردند.

البته لغت استفاده یك معنائی‌دارد - اختلاس که بغلط استعمال میشود یك‌معنای دیگری دارد استجلاب یك معنائی دارد و هرکدام از این کلمات یك معنائی دارد وگاهی هم بغلط استعمال میشوند و هریك از اینها دزاصطلاحات‌فقهی مورد مخصوصی دارد.

بنده نگفتم ایشان سرقت یا اختلاس کرده اند.

در روزنامه شرحی نوشته شده بود که در زمان تصدی ایشان یك وجوهی برداشت شده است وچون این‌شرح‌نوشته شده بودحقاً خوب بود همان وقت‌خودشان یاوزیر مالیه‌درهمان روزنامه یاجریده‌دیگر از خود دفاع کرده ومسئله راقویاًتکذیب می کردند.

نه اینکه او را در سیاه چال نظمیه بیندازند.

وبنده موجبی نداشت که این سؤال را بکنم جز اینکه ایشان باعث شدند که برخلاف قانون مدیر روز نامه محشر را بحکومت نظامی و محبس ببرند و او را مجبور کنند که مسئله را تکذیب نماید.

از این نقطه نظر بود که بنده این سؤال را کردم نه ازنظر اینکه آقای فرزین وجهی اختلاس کرده‌اند.

وکلمه برداشت هم یك چیزی است که همه‌استعمال میکنند نه بآن معنائی که فرمودند.

وچون در مراسله کلمه مأخوذ نوشته شده بود بنده آن را فارسی کرده و به کلمه برداشت تعبیر کردم.

در ضمن فرمایشاتشان یك اشارهٔ کردند براینکه فلانکس دروزارت مالیه یك تقاضاهائی دارد وچون من نتوانسته‌ام تقاضاهای خصوصی ایشان را انجام بدهم شاید خیال کرده‌اند من مانع انجام تقاضا های ایشان بوده‌ام ازاینجهت برای انتقام خواسته اند از دردیگر داخل شوند ودر نتیجه این‌سؤال‌را کرده‌اند.

خیر - بنده ابداً

این نظررا نداشته وهیچوقت یك تقاضای نامشروعی‌تاحال‌ازهیچکس‌نکرده‌ام‌چه‌برسد بوزارت مالیه.

تقاضاهای بنده در حدود شکایات و مراجعاتی است که موکلین بنده به بنده میکنند.

یك تلگرافاتی بتوسط بنده بوزارت مالیه میرسدآن تلگرافات را بنده‌خدمت ایشان یا وزارت مالیه میبرم و می گویم قضیه اینطور است وشما در فلان امردقت کنید.

مثلا اگر نظرشان باشد. درچندی قبل بنده در همین‌جا یك تقاضائی از وزارت مالیه کردم وآنهم راجع به قصبه سنگسر بود.

سنگسر یك قصبه‌ایست در نزدیکی طهران ودارائی آن عبارت از یك سلسله گوسفندهائی است که می‌آورند ومی فروشند.

اینها در زمان جهانسوزمیرزا که حاکم شاهرود بود یك باجی میداده‌اند باسم باج جهانسوزمیرزائی که مبلغ آنهم بالغ برهشتصدتومان بود.

بعدکه تومانی یك عباسی معارفی هم ضمیمهٔ آن شده هشتصد و شانزده تومان است.

این هشتصد تومانرا باسم مالیات گوسفند سنگسر مالیه سمنان و شاهرود میگرفت اخیراً حکم شده است بروند در سر کویر و گوسفند شماری کنند ومالیات را بگیرند وفرستاده‌اند دوسه هزار تومان گرفته‌اند.

سالی یکمرتبه مأمور میفرستند در یك محل مخصوص که گوسفندها از آنجا عبور میکنند وباج میگیرند.

بنده تقاضا کردم در صورتیکه ادارهٔ مالیه میفرستد مواشی و گوسفندهارا شماره کرده وباج را میگیرد دیگر این هشتصد تومان بایدازمیان برود.

یك قسمت دیگر که خودشان اشاره کردند راجع بمیرزا ابوالفاخری‌است که تحصیلدار جندق بوده و جندق را همه آقایان میدانند که عبارت‌ازقرائیست واقع درمرکز ایران محاط درکویر وصحرای لوت ادارهٔ پست وتلگراف هم ندارد یك نایب‌الحکومه درآنجاهست.

در سنه گذشته بواسطه عدم توجه وزارت مالیه مالیهٔ محل حکومت آنجا یك مبالغی از اهالی محل گرفته وقبض داده واهالی‌آن قبضهارا فرستاده‌اند بیش بنده که‌حالاحاضراست.

بنده مراجعه کردم بوزارت مالیه و مالیه جواب داده است ما نمیتوانیم بابت مالیات حساب کنیم وبایستی‌ازوزارت‌داخله جواب بخواهید واین مسئله تا زمان آقای منصورالملك ول کشید وحالاایشان که اینجاهم تشریف دارند آن نایب‌الحکومه را تعقیب کرده‌اند وحتی بنده تقاضای محاکمه اداری اوراهم کرده‌ام وامیدوارم درحضور خود آقای معاون وزارت داخله محاکمه بشود.

بالاخره بنده مراجعه کردم بوزارت مالیه که در آنجا مأمورین اسباب زحمت مردم شده‌اند ومالیه هم پولی را که مردم داده‌اند بنایب‌الحکومه‌آنجا وقبض‌دریافت کرده‌اند قبول نمیکنند و این بواسطه این است که مأمورین مالیه در آنجا نبوده‌اند واگر مأمورمالیه درآنجا حاضر باشد این زحمت برای مردم تولید نمیشود که دو مرتبه ازآنها مالیات بخواهند.

یك تحصیلداری ازسابق بوده است از خود محل چون‌جندق یك‌محل کوچکی است وهزار و سیصد تومان مالیات آنجا بیشترنیست ناچاربایدیکنفرمأموراز‌اشخاص محلی باسم تحصیلدار درآنجا باشد و یك همچو شخصی هم درآنجا بوده واین‌نه‌تنها درآنجا مرسوم‌است‌بلکه درهمه‌جا تحصیل‌دارهای محلی هست.

زیرا دولت نمیتواند یك‌اشخاصی را ازطهران با حقوقات گزاف ومواجب زیاد باینگونه محلها بفرستد آنهم بیك همچه نقطه که حتماً اگر مأموری ازطهران‌برود صدتومان‌حقوق‌ماهیانه میخواهد درصورتی که تمام مالیات آنجا هزار و سیصد تومان بیشترنیست.

بعلاوه این پیشنهاد را بنده نکردم این پیشنهادرا اداره مالیه سمنان کرده است و رؤسای مالیه امضاء کرده‌اند و فرستاده‌اند و نمیدانم در کجاها جریان اداری داشته‌است.

درهرحال امین مالیه سمنان پیشنهاد کرده بود واین یك موضوعی نبود که ایشان بخواهند بعنوان دفاع در موضوع دیگری عنوان کنند.

مقصود این بود که‌تقاضاهای بنده از قبیل بوده است.

از ارزاق سمنان مدتی است شکایت میکنند.

یك وقتی هم شاهزاده سردار مفخم یك همچو سؤالی راجع بارزاق قزوین‌از آقای وزیرمالیه کردند تقریباً عین همین قضیه درسمنان هست قیمت گندم ونان‌یکی است مردم آنجا داد وبیداد میکنند که در زمان استبدادهم اینطور نبوده همیشه نان باید قیمتش ارزان تر از قیمت گندم باشد در آن زمان ها باز حکام برای جلب نظر مردم میآمدند هر شش ماه یك مرتبه چراغی روشن میکردند و نان را ارزان میکردند ولی حالا قیمت‌نان‌مساوی قیمت گندمست.

درصورتی که همیشه سه تومان قیمت نان باید ارزانتر ازقیمت گندم‌باشد.

درهرصورت این شکایتی بوده که اهالی و تجار آنجا کرده و میکنند بنده تقاضا کردم اگرممکن‌است نان‌را ارزانتر کنند.

تقاضاهای بنده ازاین‌قبیل‌بوده‌است

راجع ببیاناتی که فرمودند در اصل قضیه هم بنده که ناظر ایشان نبوده‌ام که ایشان پولرا برداشت کرده‌اند یا دیگری برداشت کرده یا بچه مصرفی‌رسیده - سؤال بنده این نبوده‌است.

سؤال بنده این بوده که مدیر محشر که یك مدیر روزنامه‌ایست بچه ملاحظه و بچه‌مجوزقانونی‌تعقیبش کرده‌اند. برخلاف ترتیبات معموله.

این سؤال بند بوده‌است.

جمعی‌ازنمایندگان - وارددستور شوید.

فرزین معاون وزارت‌مالیه - بنده اجازه خواستم برای یك امری‌که برای شخص بنده اهمیت فوق‌العاده‌داشت جواب عرض کنم.

چون در تمام مدت عمرم یك همچو قضیهٔ نظیر نداشته است لازمست جواب عرض کنم.

اگر در یك مطالب اساسی مذاکره‌میشد لازم میدانستم چند جلسه در آن صحبت شود ولی قضیه اینطورها نیست که آقا میفرمایند.

بنده وقت مجلس را تضییع نمی کنم و همینقدر عین سؤال آقای یاسائی را خواندم.

صحبت مدیر روزنامه محشر درسؤال آقا نبود وبصراحت تام نوشته‌است که فلان کس این مبلغ را برداشت کرده است و بنده میخواستم عرض کنم که این کلمهٔ برداشت در آرشیو مجلس میماند. در دوسیه های وزارت مالیه ودرتمام مؤسسات دولتی میماند ضبط میشود.

البته یك چنین نوشته برای من یك اثرات سوئی میگذارد واین اثر برای من واعقاب من تباه کننده‌است عجبا !!

بنده این را عرض میکنم! بیش‌ازاین عرضی‌ندارم.

وزیرفوائدعامه - دوفقره سؤال شده بود ازبنده حاضرم جواب بدهم.

شاهزاده محمد ولی میرزا و آقای مدبرالملك ازمن درفقره سؤال کرده‌بودند اگرمیل‌دارند جواب عرض کنم

مدبرالملك - نظربملاقاتی که در سه چهار روز قبل ازآقای وزیرفوائدعامه نمودم وچند فقره تلگراف به بنده ارائه دادند بنده تاحدی قانع شدم وفعلا عرضی ندارم اگرشکایت دیگری‌رسیدالبته‌بوظیفهٔ که‌عهده‌دارهستم رفتارخواهم کرد.

نایب‌رئیس-شاهزاده‌محمدولی‌میرزا تشریف ندارند؟

یك‌نفرازنمایندگان- خیر

www.iran-archive.com